هفت صبح

HAFT-E-SOBH

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۹ شهریور ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۶۸
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

همه رازهای انفجارهای تروریستی لبنان

آیا در یک قدمی تجاوز اسرائیل به لبنان هستیم؟ جهان در آستانه ورود به عصر بربریت تکنولوژیک

● وراثت امپراتوری مرداک؛ درامی که به تازگی کلید خورد / سرنوشت میراث پدرسالار رسانه‌های آمریکا چه خواهد شد؟ ● خوب بودید اما گول نخورید / استقلال اگر در باد پیروزی مقابل تیم ضعیف الغرافه بخوابد، با سیلی سخت حریفانی قدرتمندتر از خواب بیدار خواهد شد ● لوکیشن بفرست، جنازه تحویل بگیر! / بسیاری از پرونده‌های جنایی، ریشه در یک قرار ساده برای دعوا دارد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

دُردانه‌های سامانه جانبازی

پرونده‌ای ویژه برای جدیدترین خودروهای وارداتی که قرار است از طریق سامانه جانبازان به بازار عرضه شوند صفحه ۰۵ را بخوانید

مردان و زنان شکست خورده در کریدورهای سلطنتی

قصه های گمشده
صفحه ۰۴

از امجدیه تا قلعه حسن خان

تاریخ جامع ورزشگاه‌ها در ایران؛ چه شد که به بحران زمین فوتبال رسیدیم؟

در بسته آخر هفته بخوانید:

● سینمای ایران در مشت آنهاست
رده‌بندی ده بازیگر کمدی سینما و سریال‌های خانگی

● نجات‌دهنده من در آینه اتاق شماست
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی در هفته گذشته

● مارشال رومل با جیبی پر از تخم مرغ
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، مهدی افخمی، نادر نامدار، حمید رستمی، احد بابایی منیر

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

رسالت

شنبه روز میلاد پیامبر اسلام(ص) است و از صبح ذهنم مشغول فیلم الرساله ساخته مصطفی عقاد. در نسل ما و نسل‌های قبل از ما، هیچکس نیست که این فیلم را ندیده باشد. فیلمی که در ایران به نام پیامبر نیز شناخته می‌شود و یکی از مهم‌ترین خاطرات مشترک مردم ما و ملت‌های جهان اسلام است. من تک‌تک سکانس‌های فیلم را در خاطر دارم و همین چند ماه پیش، به بهانه گفت‌وگو درباره آن در برنامه نقد سینما دوباره تماشایش کردم و باز هم به جهان معنایی و بصری بی‌نظیری که مصطفی عقاد ساخته بود غبطه خوردم. سینمای جهان اسلام به دلیل محدودیت‌های فراوان لجستیکی و اختلاف نظرهای عقیدتی به جز رسالت هیچ اثر قابل ملاحظه و ماندگاری درباره خاتم‌الانبیا ندارد. این کم‌کاری هم به جهت فقدان سینمای حرفه‌ای در عالم اسلامی به جز ایران، ترکیه، مصر و بعدتر سوریه و هم به دلیل الزام احتیاط در پرداخت به اختلافات مذهبی مسلمین است که باعث می‌شود کسی سراغ تاریخ نرود و مشقات تولید چنین اثری را به جان نخرد. با این حال رمز ماندگاری اثر عقاد علاوه بر قصه جذاب صدر اسلام، شهود هنری او در خلق تصویری تمام و کمال از پیامبر و عبور نکردن از خطوط قرمز طرفین عقیدتی در اسلام است. عقاد با استفاده از هنرمندان غربی و عربی، مقاطع حساس تاریخ را از بعثت پیامبر تا رحلت ایشان روایت می‌کند، بدون اینکه داوری صریحی جز در جهت عظمت اسلام داشته باشد. همه ما فیلم محمد رسول‌الله(ص) را بارها و بارها از تلویزیون دیدیم. دوبله غبطه‌برانگیز فارسی فیلم روی نسخه غربی با شرکت تمامی گویندگان طراز اول آن وقت ایران، بهترین نمونه تاریخ دوبلاژ ماست. تا جایی که شاید کمتر کسی نسخه بدون دوبله فیلم را در ایران دیده باشد یا اصلاً بتواند آن را تصور کند. التفات به درام اثر که در عین معرفی تعداد زیادی از شخصیت‌های صدر اسلام، رابطه آنتاگونیست/پروتاگونیست را به خوبی برجسته و مقام پیامبر را به عنوان شخصیت عالی خارج از این رابطه، حفاظت کرده بود، از دیگر ویژگی‌های درخشان کار عقاد است. یعنی او در هر کدام از روایت‌های مقاطع مختلف تاریخی، تقابلی دراماتیک را ساخته در حالیکه پیامبر خارج از کادر یا نهایتاً در قالب پی.او.وی حضور مقتدر دارد و فرمایشات ایشان از زبان صحابه شنیده می‌شود. همه عناصر خاطره‌انگیز فیلم را اگر کنار بگذاریم، بازی به یاد ماندنی آنتونی کوئین و ایرنه پاپاس و همچنین موسیقی استثنائی موریس ژار فرانسوی، برای ما فراموش نشدنی است. کسی که برای لورنس عربستان، دکتر ژیواگو و گذرگاهی به هند برنده جایزه اسکار شده بود و برای این فیلم نامزد. رسالت مهم‌ترین فیلم مربوط به پیامبر اسلام و تاریخ مسلمین است که جایگزینی ندارد. با این حال سال ۲۰۰۵ وقتی خبر ترور عقاد منتشر شد، مسلمانان عاشق سینما بهت‌زده شدند. جهالت بنیادگرایانه بر هنر خنجر کشیده بود. زندگی عقاد پس از سال‌ها ممارست در فیلمسازی و ساخت رسالت و شیرصحرا (عمر مختار)، توسط یکی از مخوف‌ترین گروه‌های به ظاهر مسلمان یعنی القاعده طی یک انفجار در جریان یک عروسی در اردن به همراه دخترش پایان یافت. جایی که آشکار شد هنوز تحجر می‌تواند بر جلابخشی هنر سایه افکند و قرائت‌های سیاه، در کمین خالقان نورهای سفید نشسته‌اند. فیلم رسالت نشان داده بود که هنر می‌تواند مهربانی را زنده کند و راه رهایی است، اگر با آگاهی همراه شود و گمراهی همواره در تقابل با آن است. من همیشه به این فکر می‌کنم که چرا ما نمی‌توانیم درباره پیامبر اسلام، در ابعاد جهانی اثر بسازیم. شاید هنوز باید برای رهایی از تاریکی برخی قرائت‌ها تلاش کنیم و شاید باید اراده‌ای پیدا شود برای این رسالت.

رتبه زیر سه هزار فقط برای قشر مرفه

● تحلیل جهت‌گیری طبقاتی کنکور بر مبنای گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

● پولدارها شش برابر بیشتر از فقرا به دانشگاه می‌روند

اگر شما از طبقه مرفه باشید به احتمال زیاد می‌توانید در کنکور رتبه زیر سه هزار بیاورید. این حرف را ما نمی‌زنیم. مطالعات جدید مجلس نشان می‌دهد که یعنی وضعیت درآمدی خانواده تا اندازه خوبی می‌تواند در سرنوشت دانشگاهتان تاثیر بگذارد. این اختلاف طبقاتی به خصوص برای دانش‌آموزان تجربی و بعد ریاضی بیشتر است.

اخیرا مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی منتشر کرده بود که توصیف سر راستی از وضعیت نابرابری آموزشی می‌داد. وقتی از بی‌عدالتی آموزشی حرف می‌زنیم به این معنی است که طبقات متوسط و فرودست به دانشگاه رایگان دسترسی ندارند؟ نه. به طور کلی از همه طبقات اقتصادی در دانشگاه‌های سراسری دانشجو داریم. ولی اولا که تعدادشان برابر نیست و دوما اینکه این تفاوت طبقاتی در رتبه‌های برتر به طرز عجیبی به اوج خودش می‌رسد. بیایید نکات مهم این گزارش ۴۷ صفحه‌ای را از آن بیرون بکشیم و ببینیم مجلس درباره این موضوع چه نظری دارد؟

◀ اول این را در نظر داشته باشید که تحقیق سال ۱۴۰۲ انجام شده و بر اساس معیارهای آن سال وقتی داریم از دهک یک و دو حرف می‌زنیم منظورمان خانوارهایی است که درآمد سالانه آنها ۱۹ میلیون تومان بوده. و وقتی درباره خانوارهای دهک ۹ و ۱۰ حرف می‌زنیم منظورمان خانواری است که سالانه ۱۵۸/۲ میلیون تومان درآمد داشته است.

◀ اول ببینیم که کلا چه افرادی دانشگاه درس خوانده‌اند؟ در خوشبینانه‌ترین حالت، حداقل ۳۰ درصد از دانشجویان در همه انواع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همه رشته‌ها در مقطع کاردانی و کارشناسی، از دو دهک بالای درآمدی هستند. سهم دو دهک پایین درآمدی کمتر از ۱۰ درصد و در مواردی حتی نزدیک به ۵ درصد است.

◀ تصویری که درباره بی‌عدالتی آموزشی داده شده به ما شکاف عمیقی را نشان می‌دهد. بر اساس این تصویر دانش آموزان در کنکور تا چه اندازه از نابرابری رنج می‌برند؟ ۱۷ درصد از دانش‌آموزان خانواده‌های ثروتمند دانشگاه سراسری می‌روند ولی ۱۰ درصد از دانش‌آموزان کم درآمد وارد این دانشگاه‌های رایگان می‌شوند. یعنی یک اختلاف ۷ درصدی بین این دو وجود دارد. این ۷ درصد اختلاف در مقایسه با اختلاف شدیدی که بین دانش‌آموزان کم درآمد و ثروتمند دانشگاه آزاد قابل مقایسه هم نیست. چرا که ۲۵ درصد از فرزندان ثروتمندان دانشگاه آزادی هستند و ۸درصد از کم‌درآمدها به این دانشگاه‌های پولی آزاد می‌روند. درنتیجه اگرچه ما با یک نابرابری شدید روبه‌رو هستیم اما خود دولتی بودن برخی از دانشگاه‌ها باعث شده دانش آموزان طبقات فرودست بتوانند به صندلی‌های بیشتری در دانشگاه‌های سراسری برسند. این نابرابری در رتبه‌های زیر ۳ هزار و برتر شدید می‌شود.

◀ در رتبه‌های زیر سه هزار اوضاع چطور است؟ ۴/۵درصد از خانواده‌هایی که درآمد بسیار پایینی داشتند (دهک اول و دوم) رتبه برتر زیر سه هزار آورده‌اند. اما پولدارها(دهک ۹ و ۱۰) ۵۲ درصد از جمعیت رتبه‌های زیر سه هزار را تشکیل می‌دهند.

◀ این نابرابری همینطور در رتبه‌های دیگر هم ادامه داشته و همه این‌ها یعنی دانش‌آموزان دو دهک پایین خیلی کمتر موفق می‌شوند که وارد دانشگاه‌های برتر بشوند.

◀ رقابت شدیدتر برای رشته‌های پرتقاضا در گروه‌های خاص، دسترسی فرزندان خانوارهای کمتر برخوردار را محدود می‌کند. مثلا دانش‌آموزان ریاضی و تجربی شرایط نابرابرتری را در مقایسه با دانش آموزان انسانی پشت سر می‌گذارند. درنتیجه ورودی دانش آموزی کم درآمد در گروه‌های آموزشی که تنوع رشته‌ای کمتری دارند یا احتمالا بازدهی درآمد بهتری دارند خیلی کمتر می‌شود.

بی‌عدالتی در ریاضی بیداد می‌کند

◀ افت شدیدتر سهم دهک‌های ۱ و ۲ در میان رتبه‌های برتر در میان داوطلبین ریاضی در مقابل انسانی و تجربی هم مورد توجه است. فقط ۰/۱درصد از افراد این طبقات در رشته ریاضی می‌توانند رتبه زیر ۳ هزار بیاورند ولی ۴/۴ درصد از دانش‌آموزان کم درآمد انسانی و تجربی موفق به گرفتن رتبه زیر ۳ هزار شده‌اند. یعنی احتمال قبولی در رشته‌های برتر برای دانش آموزان کم درآمد رشته‌های انسانی و تجربی، ۴ برابر بیشتر از این افراد در ریاضی است.

بی‌عدالتی آموزشی در علوم تجربی کمتر شده است

◀ یک نکته جالب وجود دارد و آن هم اینکه حداقل ظاهر ماجرا اینطور نشان می‌دهد که شکاف و نابرابری در گروه علوم تجربی دارد کاهش می‌یابد. این را از اینجا می‌فهمیم که فقط ۰/۴ درصد از پایین‌ترین دهک‌های اقتصادی جامعه در سال ۱۳۹۹ رتبه‌های زیر سه هزار می‌آوردند ولی این رقم حالا به ۴/۵درصد رسیده. از آن طرف هم ۷۵/۴درصد از دهک‌های ثروتمند همه رتبه‌های زیر سه هزار را در سال ۱۳۹۹ تسخیر کرده بودند ولی حالا تعدادشان به ۵۲/۱درصد رسیده.

غنی و فقیر شهرهای کوچک، کمتر نابرابرند!

◀ تا اینجا سراغ مناطق نرفته بودیم. در کنکور محل زندگی بسته به توسعه یافتگی شهر به مناطق یک، دو و سه تبدیل می‌شود. از هر ۱۰۰ نفری که در منطقه ۳ رتبه زیر هزار آورده‌اند ۷ نفر کم درآمد و ۳۸ نفر خیلی ثروتمند بوده‌اند. ولی در منطقه یک فقط ۴ درصد از کم‌درآمدها توانسته‌اند به این رتبه برسند و از آن طرف ۵۰ درصد از ثروتمندها رتبه زیر هزار داشته‌اند. اما نکته جالب می‌دانید چیست؟ اینکه نابرابری بین رتبه‌های زیر هزار برای پولدارها و فقیرهای منطقه سه (کمتر توسعه یافته) کمتر است. نه اینکه تفاوت نباشد ولی افراد کم درآمد منطقه سه بیشتر از کم درآمدهای شهرهای بزرگ امکان دارد که به رتبه‌های برتر برسند. پس می‌توانیم بگوییم که سیستم سهمیه‌بندی مناطق تا اندازه بسیار کمی توانسته درد نابرابری را ترمیم کند.

◀ مورد آخر هم اینکه از دهک اول و دوم یک درصد در مدارس غیردولتی ثبت نام کرده بودند ولی این عدد در دهک ۹ و ۱۰ برابر ۱۵ درصد است.

◀ شاید باورنکردنی به نظر برسد اما در تحقیق گفته شده که برخی از سیاستگذاران حتی پیشنهاد داده بودند که یارانه آموزش از دانشگاه‌های دولتی حذف شود. یعنی همه دانشگاه‌ها شهریه‌ای شوند. اتفاقی که اصلا مطرح کردن آن هم عجیب است و طبیعتا دسترسی میان دهک‌های درآمدی را از این هم نابرابرتر می‌کند.

جبهه غربی علیه تلگرام تیک‌تاک و توییتر

این بار شاهد رویارویی دولت‌های غربی با شبکه‌های اجتماعی هستیم

کشورهای مختلف از سه قاره جهان این روزها یک صدا مقابل شبکه‌های اجتماعی ایستاده‌اند. استدلال همه آنها هم این است که این شبکه‌ها امنیت را به خطر می‌اندازند. فرانسه علیه تلگرام قد علم کرده، آمریکا علیه تیک تاک. اتحادیه اروپا هم قدم‌هایی برای مقابله با توییتر برداشته که هنوز خیلی مبهم است و مشخص نیست به کجا برسد.

مورد عجیب تیک تاک در آمریکا

دو روز پیش وکلای تیک تاک در دادگاه فدرال آمریکا حاضر شدند. آمریکا خیلی وقت است که این نرم افزار چینی را تحت فشار قرار داده و می‌گوید باید اطلاعات کاربران این کشور را از چین به کشور خودشان بیاورد. دادگاه هم به تیک تاک وقت داده بود که تصمیم خود را در این رابطه بگیرد. این وقت همین دو روز پیش به پایان رسید و جلسه دادگاه برگزار شد. هنوز رسانه‌های آمریکایی از محتوای آنچه در جلسه گذشت جزئیاتی نداده‌اند اما به صورت پراکنده در رویترز و فوربس دو خبر غیررسمی منتشر کردند که سرنخی از این می‌داد که در جلسه دادگاه چه گذشته است. دادگاهی که گویا دو ساعت طول کشیده و تیک تاک در آن با سوال‌های سختی از سمت سه قاضی روبرو شده. هم زمان با این فشارها دیروز فوربس خبر داد بعد از اینکه یکی از کارمندان سابق این شرکت درباره سانسور محتوا در تیک تاک مصاحبه کرده، مقام‌های امنیتی چین پدر او را بازداشت و برای بازجویی و ارعاب به یک مرکز مخفی منتقل می‌کنند. او مدتی در دفتر مرکزی تیک تاک در پکن کار می‌کرد و برای تحصیلات تکمیلی به ایالات متحده نقل مکان کرده. بعد از مهاجرت در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه در سال ۲۰۲۲ داشت که در آن در مورد سانسور تیک تاک صحبت کرد. برگردیم به اختلاف آمریکا با این اپلیکیشن چینی.

آمریکا می‌گوید تیک تاک و شرکت چینی مالک آن «بایت‌دنس» تحت نظارت چین قرار دارند. استدلال آنها این بوده که دولت چین می‌تواند از آن برای دسترسی به اطلاعات حساس درباره آمریکایی‌ها یا تبلیغات استفاده کند برای همین هم می‌گویند این شبکه اجتماعی امنیت ملی این کشور را خدشه دار می‌کند. البته یک دلیل دیگر هم برای فشار به تیک تاک دارند که اصطلاحا «مهر و موم» شده و محرمانه است که تا امروز فقط به روسای دادگاه و کنگره گفته شده. کنگره چه کار کرد؟

نمایندگان آن بعد از شنیدن همه دلایل قانونی تصویب کردند که که بر اساس آن شرکت «بایت‌دنس» مجبور می‌شد تا ۴ ماه دیگر سکو را به یک مالک غیرچینی بفروشد یا کلا با ممنوعیت مواجه شود. ادامه در صفحه ۰۳

گزارش یک

سیگنال بیروت به بازار ارز ایران /بوی برجام به بازار فردوسی رسید

بازار ارز تهران در روز سه‌شنبه به دلیل رویدادهای اخیر در منطقه، دوباره دچار هیجان شد و نوسانات صعودی را تجربه کرد.به گزارش خبرگزاری خبرانلاین، در روز چهارشنبه، این هیجان تا حدی کاهش یافت و تعداد کمتری از افراد در موقعیت خرید ارز قرار گرفتند. در این میان، توجه اکثر بازیگران ارزی به سفر نزدیک مسعود پزشکیان به نیویورک و احتمال از سرگیری مذاکرات برجام معطوف شده است.قیمت دلار که مدتی را در محدوده ۵۹ هزارو ۲۵۰ تومان سپری کرده بود پس از حوادث اخیر در منطقه، از جمله انفجار پیجرها در نقاط مختلف لبنان، به ویژه بیروت، واکنش هیجانی و افزایشی نشان داد. در روز سه‌شنبه، این قیمت به ۵۹ هزار و ۶۰۰ تومان رسید و در معاملات پشت خطی شب گذشته به ۵۹ هزار و ۸۵۰ تومان افزایش یافت.با این حال در روز چهارشنبه قیمت دلار در تهران نوسان صعودی قابل ملاحظه را ثبت نکرد و نتوانست بالای مرز ۵۹ هزارو ۸۰۰ تومان تثبیت دهد؛ بنابراین با ۵۹ هزارو ۷۰۰ تومان بازگشایی شد و عصر با یک پله کاهش نسبت به روز قبل تقریبا ثابت ماند.از تهران که بگذریم،اسکناس آمریکایی در بازار ارز هرات نیز صبح دیروز با گپ مثبت باز شد و به روی ۵۹ هزار ۵۰۰ تومان قرار گرفت اما در ادامه با رفت و برگشت قیمت درهم امارات نزولی شد و با ۵۹ هزارو ۲۰۰ تومان بسته شد.گفتنی است درهم امارات که روز قبل با ۱۶ هزارو ۲۷۰ تومان به کار خود خاتمه داده بود روز چهارشنبه تا ۱۶ هزارو ۳۲۰ تومان بالا رفت اما ور ادامه از سرعت صعودی آن کاسته شد و نسبت به روز سه شنبه ثابت ماند.در حال حاضر، توجه همه به سفر نزدیک مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، به نیویورک و نتایج آن معطوف شده است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که در روزهای اخیر نشانه‌های مثبتی درباره احتمال از سرگیری مذاکرات احیای برجام به بازار ارسال شده و این امر باعث افزایش دقت و توجه بازیگران ارزی شده است. برخی از فعالان بازار معتقدند که در حال حاضر بازارساز تلاش می‌کند تا قیمت دلار آمریکایی را در محدوده ۵۸ هزار تومان و ۵۹ هزار تومان نگه دارد. به گفته آن‌ها، ناحیه ۵۹ هزار و ۲۰۰ تومان تا ۵۹ هزار و ۸۰۰ تومان برای دلار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اگر قیمت از این محدوده خارج شده و تثبیت شود، مسیر بعدی آن به روشن تر خواهد شد.

آگهی دعوت مجمع فوق العاده اتحادیه تعاونی های تامین نیاز صنفی استادکاران و کارگران ساختمانی و فصلی آتیه نگر فراگیر

بدینوسیله از کلیه تعاونی های عضو دعوت می نماید نسبت به معرفی نماینده جهت حضور در مجمع فوق العاده که در روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ ساعت ۱۰:۳۰ صبح در سالن تجمعات اتحادیه واقع در تهران میدان بهارستان ، خیابان مصطفی خمینی ، خیابان صیرفی پور ، پلاک ۳۰ (ساختمان شهید بهشتی) با دستور جلسه زیر برگزار می گردد اقدام نمایند.

دستور جلسه :

۱- تغییر در ماده ۱۹ اساسنامه و افزایش تعداد ۵ نفر اعضای اصلی هیات مدیره به ۷ نفر و اعضای علی البدل هیات مدیره از ۲ به ۳ نفر

هیات مدیره

ادامه انفجارها در بیروت

از جزئیات تازه اقدام تروریستی اسرائیل علیه نیروهای حزب‌الله چه می‌دانیم؟

روز سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه در اقدامی تروریستی در لبنان پیجر پنج هزار نفر از اعضای حزب‌الله منفجر شد و تعداد زیادی از اعضای این گروه آسیب دیدند. تعداد کشته‌شده‌ها تا عصر چهارشنبه ۱۱ نفر اعلام شده بود و سفیر ایران در لبنان در میان آسیب‌دیدگان بود. ماجرا اما به همین جا ختم نشد؛ عصر چهارشنبه سلسله انفجارات دیگری باعث آسیب به بیش از ۱۰۰ نفر شد. اینجا جزئیاتی را در مورد این دو روز بخوانید:

حزب‌الله تلاش کرد پیجر سیصد هزار بیناییه‌ای اعلام کرد، به عملیات نظامی خود علیه اسرائیل در حمایت از غزه ادامه می‌دهد و تهدید کرد پاسخی سخت به انفجار پیجرها در روز سه‌شنبه خواهد داد.

گلد آپولو، شرکت تایوانی سازنده قطعات الکترونیکی گفت، با اینکه نام این شرکت روی پیجرهای منفجر شده در لبنان به چشم می‌خورد، اما هیچ دخالتی در ساخت آنها نداشته است و یک شرکت مستقر در مجارستان دست به تولید این گونه از پیجرها زده است. پلیس، صبح چهارشنبه با حضور در دفاتر شرکت گلد آپولو در تایپه، به بازجویی از کارکنان این شرکت و بررسی مدارک پرداخت.

در ساعات ظهر روز چهارشنبه برخی از خبرها که بعدا تکذیب شدند، نشان از جراحت سنگین سفیر ایران در لبنان بر اثر اقدام تروریستی اخیر دشمن داشتند. این خبرها اما که همسر سفیر ایران از ناحیه چشم دچار آسیب دیده شده است، سفارت ایران در لبنان و همسر سفیر ایران در بیروت گزارش‌های منتشرشده در مورد وضعیت وخیم بینایی و جسمی او را تکذیب کرده و گفتند روند درمان مجنبی امانی به‌خوبی پیش می‌رود.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در واکنش به انفجارهای پیجرهای حزب‌الله لبنان گفت: «این رخداد یک بار دیگر نشان داد که کشورهای غربی و آمریکایی‌ها، اگرچه در ظاهر ادعا می‌کنند که به دنبال برقراری آتش‌بس هستند، اما در عمل تمام قد از جنایت، کشتار و تروریسم کور اسرائیل حمایت می‌کنند.

همراه با واکنش‌های ایران در خصوص حملات روز سه‌شنبه، سخنگوی وزارت خارجه روسیه لبنان را کشوری مسالمت‌جو توصیف کرد و گفت، حمله روز سه‌شنبه چالشی جدی برای قوانین بین‌المللی است. در عین‌حال، آمریکایی‌ها مدعی شدند از تصمیم اسرائیل برای اقدام علیه حزب‌الله بی‌خبر بوده‌اند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در تماس تلفنی با نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان تاسف خود را از حمله روز سه‌شنبه ابراز کرده است. اردن اسرائیل را متهم کرده است که منطقه را به مغاک جنگ می‌کشد.

فراس ابیض، وزیر بهداشت لبنان، عصر چهارشنبه اعلام کرد، برخی از مجروحان برای دریافت خدمات درمانی ویژه به خارج فرستاده می‌شوند. او از ایران و سوریه به‌عنوان دو کشوری که آماده به کمک بودهاند، یاد کرد.

بعد از ظهر روز چهارشنبه، خبرگزاری‌ها از انفجارهای تازه‌ای در لبنان خبر دادند. خبرگزاری رویترز به نقل از منابع امنیتی و شاهدان عینی گزارش داد که وسایل مخابراتی مورد استفاده حزب‌الله در حومه بیروت منفجر شده است. منابعی به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند که بی‌سیم‌های مورد استفاده حزب‌الله در مناطق زیر نفوذ آنها در بیروت منفجر شده است. کمی بعد تصاویری از لبنان منتشر شد که نشان می‌داد از جای جای این شهر دود بلند شده است. بعد مشخص شد دست‌کم ۱۰۰ مجروح جدید و بیش از سه کشته به آمار آسیب‌دیدگان روز سه‌شنبه اضافه شده است. برخی از این انفجارها، مربوط به پیجرهای قدیمی بوده‌اند که در خانه‌ها وجود داشتند؛ همچنین گزارش شده است که سیستم‌های انرژی خورشیدی در خانه‌هایی در چندین منطقه از لبنان منفجر شده و یک دختر زخمی شده است.

تحلیل رسانه‌ها از انفجار پیجرها در لبنان چه بود؟

۱ سوال بزرگ درباره حمله پیجری اسرائیل این است که چرا الان؟ فارن پالیسی در گزارشی نوشت: «بسیاری می‌پرسند که چرا این حمله الان باید انجام بگیرد؟ آیا زمان انجام این حمله از اهمیت خاصی برخوردار است؟ به‌رغم هشدارهای ایالات‌متحده در مورد اینکه انجام یک عملیات گسترده می‌تواند منجر به یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای شود، اسرائیل گفته جلوگیری از حملات حزب‌الله، یکی از اهداف جنگی این رژیم است. این حمله پیجری می‌تواند آغازی بر یک کارزار نظامی اسرائیل علیه حزب‌الله در لبنان باشد یا می‌تواند یک عملیات سری جدید در چهارچوب جنگ سایه طولانی بین اسرائیل و ایران. این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیلی‌ها به این دلیل این عملیات را انجام داده باشد که دیگر امکان اجتناب از افشای چنین نفوذی وجود نداشته است. عملیات پیجر به تنهایی مانند بخشی از یک رمان جاسوسی می‌ماند. فرضیه‌های مختلفی درمورد اینکه چگونه موساد توانسته حمله‌ای با این گستردگی و اثربخشی به انجام برساند، مطرح است. هنوز نمی‌دانیم که آیا بمب‌ها در مرحله تولید در پیجرها کار گذاشته شده‌اند یا در مرحله‌ای دیگر از فرایند زنجیره عرضه پیجرها به دست عوامل اسرائیل رسیده‌اند. یکی از دلایل این حمله پیجری، همانند ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس در تهران در اواخر جولای، این بوده که موساد مصمم به ترمیم وجهه و اعتبار خویش است. قبل از حمله ۴ اکتبر، اطلاعات اسرائیل از یک اعتبار تبلیغاتی برخوردار بود و برخی عملیات های آنها توسط هالیوود به شکلی اغراق آمیز در فیلم هایی مثل مونیخ تصویر می شدند. نکته‌اینجا خود را ملزم می‌داند که به حمله پیجرها پاسخ دهد؛ حتی اگر حزب‌الله بگوید که نمی‌خواهد وارد جنگ شود. در حالی که اقدامات متقابل طرفین ادامه دارد و هرکدام به دنبال استقرار نیروهای خود به شکلی هستند که بتوانند از مزیت اقدام نخست برخوردار باشند، هرگونه ارسال پیام اشتباه می‌تواند هر دو طرف را به سمت درگیری سوق دهد.»

۲ اسکای‌نیوز نوشت: «منابع اختصاصی به اسکای‌نیوز عربی گفته‌اند که موساد، مقداری ماده PETN به شدت انفجاری را روی باتری دستگاه‌ها قرار داده و آن را از طریق افزایش دمای باتری به اندازه‌ای که منفجر شود، منفجر کرده است.» در همین ارتباط، خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس در خصوص علت این انفجارها نوشت: «پیجرهای جدیدی که همراه اعضای حزب‌الله بوده، دارای باتری‌های لیتیومی بودند که ظاهرا منفجر شده‌اند.»

۳ اکسیوز نوشت: «پیجرهایی که روز سه‌شنبه در لبنان منفجر شدند، بخشی از پسازل رژیم اسرائیل برای حمله زمینی به لبنان بوده‌اند، اما در واقع آن‌ها مجبور به استفاده زودهنگام از این بمب‌های متحرک شده‌اند. در واقع هیپوتیسیت‌ها، این پیجرها را برای روز آغاز درگیری‌ها آماده کرده بودند، اما به‌واسطه احتمال لورفتن عملیات آن‌ها، در جلسات و رایزنی‌هایی که مایبین نتانیاهو، گالانت و دیگر سران رژیم‌هیپوتیسنی برگزار شده، تصمیم به فعال‌سازی این پیجرها به‌صورت زودهنگام گرفتند تا مبادا چنین فرصتی را از دست دهند.»

۴ سی‌ان‌ان نوشت: «اسرائیل پشت حمله بود است. این یک عملیات مشترک میان سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) و ارتش اسرائیل بود. ارتش اسرائیل از اظهارنظر علنی درباره این انفجارها خودداری کرده است. یک منبع امنیتی لبنانی به سی‌ان‌ان گفت پیجرهایی که منفجر شدند، جدید بودند و در ماه‌های اخیر، توسط حزب‌الله خریداری شده بودند. یک شرکت تولیدکننده تایوانی روز چهارشنبه گفت، پیجرهایی که نشان این شرکت را داشتند، توسط یک توزیع‌کننده اروپایی ساخته شده‌اند. کارشناسان می‌گویند، این انفجارها که در مقیاس و ماهیت بی‌سابقه بوده‌اند، بر آسیب‌پذیری حزب‌الله تاکید می‌کنند، زیرا شبکه ارتباطی آن به طور قابل توجهی در معرض خطر قرار گرفته است.»

جان میلر، تحلیلگر ارشد اطلاعاتی سی‌ان‌ان گفت: «حداقل بخشی از پیامی که به حزب‌الله مخابره شد، واضح است؛ ما می‌توانیم در هر کجا، در هر زمان، در روز و لحظه‌ای که انتخاب می‌کنیم، به شما دسترسی پیدا کنیم و می‌توانیم این کار را با فشاردادن یک دکمه انجام دهیم. این عملیات، احتمالا برای ایجاد یاراتوا در سطوح بالای اعضای حزب‌الله، کاهش اعتماد برای به کارگیری افراد و کاهش اعتماد به مقامات این گروه و توانایی آن‌ها برای تامین امنیت عملیات و مردم طراحی شده بود.»

کیم غطاس، روزنامه‌نگار لبنانی و نویسنده مجله آتلانتیک، در پاسخ به این سوال که چرا اسرائیل ممکن است چنین حمله‌ای را انجام داده باشد، به سی‌ان‌ان گفت: «این می‌تواند تلاشی برای تسلیم کردن حمله‌ای و روشن کردن این موضوع باشد که افزایش حملات آن‌ها علیه اسرائیل، با خشونت بیشتر مواجه خواهد شد؛ یا می‌تواند مقدمه‌ای برای کارزار گسترده اسرائیل علیه لبنان باشد، در حالی که حزب‌الله با هرج و مرج این حمله علمی- تخیلی، علیه عوامل خود دست و پنجه نرم می‌کند.»

این هم روایتی از انفجارهای سه شنبه: حزب الله مدتی است به خاطر مسایل امنیتی برای ارتباط فوری با اعضای خود از پیجر استفاده می کند که می تواند پیام متنی فوری را از طریق امواج رادیویی بگیرد.

۱ جنگ اکتبر و تلفات بالای حزب الله و لزوم افزایش نیروی انسانی باعث جذب نیروهای جدید در ساختار حزب الله شد. نیروهای جدید نیاز به پیجر داشتند پس حزب الله تلاش کرد پیجرهای جدید بخرد.

۲ روایت فعلی این است که کارخانه‌ای در مجارستان پیجرها را ساخته است که تحت لیسانس کارخانه‌ای در تایوان بوده است. آیا این دخیل بوده است؟ حزب از نظر حفاظتی نمی تواند به طور مستقیم با یک کارخانه خارجی آن هم در اروپا وارد معامله شود؟ آن هم با گرفتار پیجر. لبنان کشور کوچکی است و چنین معامله‌ای به طور مستقیم از لبنان حتما شکبرانگیز است.

۳ موساد از تلاش حزب‌الله برای خرید پیجر مطلع می‌شود و اندکی از یک ماده منفجره حساس به حرارت را کنار باتری پیجر می گذارد.

۴ احتمالا از طریق یک پرنده مثل پهپاد، پیام‌های رادیویی متعدد برای پیجر ارسال می‌شود (احتمالا بدون کیفیت چیزی روی صفحه نمودار شود)، باتری دچ منفجر می‌شود و یا به صورت خود نزدیک می‌کند تا آن را بخوانند و انفجار رخ می‌دهد.

۵ انفجارها همزمان نبوده. حدودا یک ساعت طول کشیده تا ۸ هزار پیجر جدید منفجر شود. برخی البته در دام نیفتادند چون مثلا پیجر در کمد خانه‌شان بوده است یا جایی برخی متوجه داغی بیش از حد شدند و آن را از خود دور کردند.

۷ به دلیل نزدیک بودن پیجرها به صورت و در دست گرفتن آن، بیشترین تلفات رخ داده کور شدن چشم و قطع شدن دست است.

۸ نزدیک به ۳ درصد از کل نیروی انسانی حزب‌الله به صورت مستقیم درگیر شده است. دو سوم کل تلفات در بیروت است.

از دو استاندارد جدید چه می‌دانیم؟

مهسا مژدهی / روز چهارشنبه ۲۸ شهریور، دو استان دارا استان‌های کردستان و کهگیلویه و بویراحمد مشخص شدند. استان دارا جدید کردستان که توسط وزیر کشور منصوب شده، قبل از دیپلمه بودن یازدهم با پزشکیان همکار بوده است و احتمالا شناخت خوبی از یکدیگر دارند. اینطور که خبرگزاری‌ها نوشته‌اند، آرش زره‌تن لهونی روز چهارشنبه با حکم وزیر کشور به‌عنوان استان‌دار کردستان منتصب شد، پیش‌تر نماینده مردم کرمانشاه از حوزه‌های اورامانات، جوانرود و یاوه در مجلس یازدهم بود. لهونی که دوره چهارساله حضور خود در مجلس را در کمیسیون‌های اقتصادی نظیر برنامه و بودجه و تلفیق سپری کرده، از جمله سیاستمداران اهل سنت است که سال ۱۳۵۴ در یاوه متولد شده است و ۴۹ ساله است. در کارنامه مدیریتی او فرمانداری جوانرود نیز دیده می‌شود. از دیگر سوابق اجرایی آرش زره‌تن لهونی، سرپرستی جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه و مدیریت بودجه جمعیت هلال احمر است. او همچنین سابقه عضویت در شورای اسلامی شهر سنندج و مدیرعاملی جمعیت هلال احمر استان کردستان را دارد. عضویت در شورای عالی هلال احمر و معاونت امور اقتصادی استان‌دار کردستان از دیگر مناصب استان‌دار تازه استان کردستان است. زره‌تن لهونی، دکترای اقتصاد بین‌الملل دارد. او در انتخابات مجلس یازدهم با کسب ۳۰هزار و ۹۳۳رای، از حوزه انتخابیه یاوه، جوانرود، تلاث باباجانی و روانسر از استان کرمانشاه راهی مجلس شد. سن استان‌دار کردستان از میانگین سنی دولت چهاردهم که ۵۹سال است، ۱۰سال کمتر بوده و جزو چهره‌های کم‌سن دولت به حساب می‌آید. نفر بعدی که روز چهارشنبه استان‌دار شد، یدالله رحمانی بود. یدالله رحمانی، اصالتا قشقایی است و به‌مدت ۳۰سال در پست‌های مختلف مدیریتی مشغول به کار بوده است. رحمانی متولد ۱۳۴۲ در شهر شیراز دانش آموخته رشته اقتصاد در سطح کارشناسی ارشد است. او این روزها ۶۱سال سن دارد. رحمانی دوره مدیریتی خود را از استان کهگیلویه و بویراحمد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آغاز کرده است، به مدت سه‌سال در این سازمان مدیریت کرده و پس از آن در استان بوشهر، ایلام، چهارمحال و بختیاری به عنوان رئیس سازمان برنامه‌ریزی سمت داشته است. رحمانی سال‌ها به عنوان معاون سازمان برنامه‌ریزی استان تهران بوده و مدتی نیز، معاون استاندار فارس بوده است. وی پس از آن به مدت هفت سال عضو هیات‌مدیره شرکت شهرهای جدید ایران فعالیت داشته است. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون ۲۱نفر بر کرسی استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد تکیه زده‌اند و استان‌دار جدید بیست و دومین استان‌دار این استان است. رحمانی، اصالتا ترک قشقایی است و به‌مدت ۳۰سال در پست‌های مختلف مدیریتی مشغول به کار بوده است.

مشروط خانم فائزه هاشمی، فستیجانی مخالفت صورت گرفته بود ولی امروز با ابلاغ رای دادگاه تجدیدنظر به ما، خانم فائزه هاشمی به‌صورت مشروط از زندان آزاد شد.» او درباره آزادی مشروط فائزه هاشمی بیان کرد: «از آن جایی که آزادی ایشان به‌صورت مشروط است، درصورت بروز هر تخلفی، مجدد به زندان برمی‌گردد و باقی‌مانده حکم که حدود یک سال و نیم است را باید مجددا سپری کند.» آقایی در پاسخ به این پرسش که رای آزادی خانم هاشمی ارتباطی با نامه اخیر ایشان از زندان نوین دارد یا خیر؟ توضیح داد: «این رای، هیچ ارتباطی به نامه خانم فائزه هاشمی که اخیرا منتشرشده ندارد.» لازم به ذکر است که فائزه هاشمی اخیرا یک نامه از وضعیت بند زنان زندان نوین منتشر کرده بود.

توصیه / مطلب انتقادی مشرق‌نیوز درباره توصیه فاطمه راکعی به رئیس‌جمهور: «فاطمه راکعی، زنی که در دوران مسئولیت محمدعلی نجفی در شهرداری تهران، مراسم رقص دختران نوجوان را برای شهردار وقت ترتیب داد و حواشی بسیاری را برانگیخت، به‌تازگی در یک یادداشت سیاسی، توصیه‌هایی را به پزشکیان نیز مطرح کرده است. راکعی در این یادداشت که اعتمادانلاین آن را منتشر کرد، نوشته است: «در آستانه انتخاب استان‌داران دولت چهاردهم، لازم است به این پرسش اساسی پرداخته شود که چرا زنان ایرانی هرگز در شمایل یک استان‌دار در ساختار سیاسی مناطق گوناگون کشورمان حضور نداشته‌اند؟ هرچند در دولت دکتر پزشکیان اتفاقات بسیار مثبتی برای مدیریت زنان رخ داده و یک وزیر زن، چندین معاون رئیس‌جمهور و همچنین نخستین زن در شمایل سخنگوی دولت در عالی‌ترین سطوح اجرایی حضور دارند، اما باتوجه به محرومیت تاریخی زنان در ساختار مدیریتی کشور لازم است توجه ویژه‌ای به حضور زنان متخصص و شایسته در معاونت‌های وزرا و مدیر کلی و به‌خصوص به عنوان استان‌دار شود.»

جوانان / عباس عبدی نوشت: «اخیرا برخی از تندروها درمورد حضور کسانی از جوانان و افراد میانسال در این دولت که پیش‌تر کارشان به زندان کشیده است، نظرات تند و مخالفت‌آمیزی ابراز داشته‌اند. این نوع انتصابات، نه‌تنها به وفاق کمک می‌کند، بلکه لازمه آن است. برای اینکه این انتصابات رطبی به گذشته افراد ندارد؛ کسانی که از دور نگاه می‌کنند، تحت تاثیر داوری‌های نادرستی هستند. اجازه بدهید مثالی بزنم. فرض کنید چهار نفر نامزد دو پست هستند، دو نفر آنان پیش‌تر زندان رفته‌اند و دو نفر دیگر هیچ سابقه‌ای در این مورد ندارند. دولت می‌خواهد دو نفر از آنان را به کار بگیرد. مطابق رویکرد نادرست و داوری از دور، باید از دو نفر زندان نرفته استفاده کنید تا دیگران و جامعه را حساس نشنود. در حالی که در داوری نزدیک، ممکن است معکوس یا ترکیبی باشد؛ مثلا یکی از گروه اول و یکی از گروه دوم، برای انتخاب افراد، رویکرد و عمل کنونی آنان اهمیت دارد و معنادار است. چه‌بسا زندان رفته‌هایی که اکنون با رویکرد وفاق کاملا هسو با شدند و برعکس؛ در رویکرد وفاق باید نگاه به گذشته را کنار گذاشت. با تسلیم در برابر نگاه به گذشته، هیچ اتفاق مثبتی در آینده جز تکرار اتفاقات منفی گذشته نمی‌افتد. این گونه انتخاب‌ها رو به اینده پیام روشنی دارد و دیگران را هم مجاب می‌کند که مسئله اصلی میزان توافق با رویکرد کنونی است. اگر قرار باشد که نگاه به گذشته غالب باشد، همان اتفاقی می‌افتد که برای پرهیز از آن، در انتخابات اخیر رخ‌داد. اگر قرار باشد نگاه به گذشته حفظ شود، نتیجه همان می‌شود که انتظار می‌رفت. یعنی شاید ۳۰درصد مردم با کمتر از آن، در دوران نتایج مطالعه‌ای منتشر شد که می‌گفت اغلب آمریکایی‌ها اخبار را از مسیر تیک تاک دریافت می‌کنند. به جای این تیک تاک‌ها چه پیشنهادی دارند؟ تیک‌تاک اعلام کرده که برنامه نظارت منحصر به‌فردی را به دولت ترامپ ارائه داده است. «دونالد ترامپ» دولت چین اجازه صادرات فناوری سال ۲۰۲۰ تلاش کرد تا تیک‌تاک را ممنوع یا آن را وادار به فروش کند. چقدر احتمال دارد که تیک‌تاک حذف شود؟ احتمال آن کم نیست. هند در سال ۲۰۲۰ تیک‌تاک را ممنوع کرد و بزرگ‌ترین بازار این سکو در آن زمان را از بین برد. تا همین سال پیش هم نمی‌شد از ایران در تیک‌تاک دارد شد. اما پیش‌بینی‌های کارشناسان درباره اینکه آیا این موضوع در آمریکا هم اتفاق خواهد افتاد، بسیار متفاوت است.

دردسرهای جدید برای آقای دوروف

سه‌شنبه رویترز خبر داد که در دسرهای جدیدی برای مدیرعامل تلگرام پیش رو است. دوروف که قبلا با وثیقه در این کشور آزاد شده ممکن است دوباره به زندان بیفتد. این قانون در ژانویه ۲۰۲۳ میلادی اجرا شد و فرانسه را به عنوان پیشگام گروهی از کشورها معرفی کرد که موضع سخت‌تری نسبت به وبسایت‌های مملو از جرائم می‌گیرند. اما این قانون بسیار تازه است و دادستان‌ها هنوز نمی‌دانند چگونه با اتکا به آن افراد را محکوم کنند. اگر خاطرتان باشد چند هفته پیش پاول دوروف بعد از فورد جت شخصی‌اش در فرانسه، شنیدن استدلال‌های دو طرف برگزار شد. تیک‌تاک در آمریکا ۱۷۰ میلیون کاربر دارد؛ یعنی چیزی بیشتر از نصف جمعیت این کشور و هر تصمیمی که در دادگاه گرفته شود زندگی درصد زیادی از مردم این کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر شرکت بایت دنس هم نمی‌خواهد این تعداد کاربر را از دست بدهد. همین که آنها دلایل کافی برای ادامه دادن این پرونده دارند. فرضیه ممکن است آقای مدیرعامل تلگرام احلا حالا پارس بماند. حقوقدانان آمریکایی هم تایید می‌کنند که اتهام‌های که فرانسه به مدیرعامل تلگرام زده در هیچ کشور دیگری وجود ندارد. مثلا در آمریکا فقط درصورتی که شواهد کافی وجود داشته باشد که ایراتور عامدانه در عمل مجرمانه‌ای نقش داشته می‌توانند او را بازداشت کنند. برای مثال راس اولبریک، مجرم معروف سایت جاده ابریشم در آمریکا به این دلیل بازداشت شد که به اعتقاد قضات این کشور، او عامدانه این وبسایت را برای خرید و فروش وسایل مجرمانه از دسترس دولت دور کرده بود. اولبریک در دادگاه‌های آمریکا به حبس ابد محکوم شد. دادستانی فرانسوی اتهام‌های مختلفی به او زد. اتهام‌هایی که اگر تایید شود این مرد احالتا زیاد بود. ۱۰ سال بابت تلگرام در فرانسه زندانی شود و ۵۰۰ هزار یورو به دولت فرانسه بپردازد. روبترز نوشته که این اتهام‌ها قطعی نیستند ولی از رفتار قاضی می‌شود فهمید که از این به وبسایت چت محوری به نام کوکو هم زده شده بود. کوکو به کاربران خود اجازه می‌داد که ناشناس باقی بمانند. به مرور پلیس متوجه چندین مورد قتل و عمل مجرمانه دیگر شد که قرارهای اولیه آن در این سایت گذاشته می‌شد. جالب اینکه در همین مدت که پرونده مشهور تجاوز صدها مرد به زن ۷۰ ساله فرانسوی مطرح شده هم به این وبسایت ربط داشته. همسر این زن به عنوان متهم اصلی پرونده قبول کرده که بسیاری از مردان متجاوز را در وبسایت کوکو پیدا می‌کرد. این مردان بعد از خواندن دارو و بیهوش کردن زن به او تعرض می‌کردند. همه این‌ها را گفتیم که به اینجا برسیم که اتهام‌هایی که به پاول دوروف زده شده، همان اتهام‌هایی است که روزی به مدیر وبسایت فرانسوی کوکو زده شده بود. پاول دوروف به اتهام ۱۲ اتهام سنگین متهم شده است که استدلال‌ها زندانی کرد. اما به عقیده او قوانین فرانسه در این زمینه تند و تیزتر هستند. اتهام‌هایی که به مدیرعامل تلگرام زده شده پیش قانون، همدستی در توزیع محتوای غیر اخلاقی مربوط به خردسالان، مواد مخدر و جرایم سایبری و مشارکت در کلاهبرداری در گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته می‌شود.

جنگ علیه نویتر در ناف اروپا

از طرف دیگر جنگ جدیدی را اتحادیه اروپا علیه ایکس (همان توییتر سابق) شروع کرده. آسوشیتدپرس هفته پیش نوشت که شبکه اجتماعی ایلان ماسک در ماه‌های آینده به دلیل نقض قوانین جدید محتوا در اروپا، از سوی اتحادیه در معرض خطر مسدودی قرار می‌گیرد. کمیسیون اروپا در ماه مه تحقیقاتی را درمورد این شرکت آغاز کرد. اتحادیه اروپا قانون دیجیتالی مصوب کرده که پلتفرم‌های آنلاین بزرگ را ملزم می‌کند نیاز برای مقابله با محتوای آنلاین غیرقانونی و مضر اقدامات بیشتری انجام دهند؛ در غیر این صورت، تا ۶ درصد از گردش مالی سالانه جهانی خود با جریمه می‌شوند. ایکس اما انکار می‌کند و می‌گوید در این دسته‌بندی نمی‌گنجد.

تیتر دو

جبهه غربی علیه تیک‌تاک، تلگرام و توییتر

ادامه از صفحه ۶

تیک‌تاک اما استدلال می‌کند که ممنوعیت این شبکه اجتماعی، حقوق متمم اول آمریکایی‌ها در زمینه آزادی بیان را نقض می‌کند. آنها از بر باز تغییر مالکیت این شبکه اجتماعی هم نمی‌رود. حتی اگر می‌خواستند هم دولت چین اجازه صادرات فناوری را به شرکت‌های چینی نمی‌دهد. اینطور که رویترز نوشته این مباحث در جلسه دادگاه هم مطرح شده. «بایت‌دنس» و تیک‌تاک اردیبهشت ماه از این قانون شکایت کرد تا آن را لغو کند. درنتیجه این دادگاه برای شنیدن استدلال‌های دو طرف برگزار شد. تیک‌تاک در آمریکا ۱۷۰ میلیون کاربر دارد؛ یعنی چیزی بیشتر از نصف جمعیت این کشور و هر تصمیمی که در دادگاه گرفته شود زندگی درصد زیادی از مردم این کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر شرکت بایت دنس هم نمی‌خواهد این تعداد کاربر را از دست بدهد. همین که آنها دلایل کافی برای ادامه دادن این پرونده دارند. درنتیجه ممکن است آقای مدیرعامل احلا حالا پارس بماند. حقوقدانان آمریکایی هم تایید می‌کنند که اتهام‌های که فرانسه به مدیرعامل تلگرام زده در هیچ کشور دیگری وجود ندارد. مثلا در آمریکا فقط درصورتی که شواهد کافی وجود داشته باشد که ایراتور عامدانه در عمل مجرمانه‌ای نقش داشته می‌توانند او را بازداشت کنند. برای مثال راس اولبریک، مجرم معروف سایت جاده ابریشم در آمریکا به این دلیل بازداشت شد که به اعتقاد قضات این کشور، او عامدانه این وبسایت را برای خرید و فروش وسایل مجرمانه از دسترس دولت دور کرده بود. اولبریک در دادگاه‌های آمریکا به حبس ابد محکوم شد. دادستانی فرانسوی اتهام‌های مختلفی به او زد. اتهام‌هایی که اگر تایید شود این مرد احالتا زیاد بود. ۱۰ سال بابت تلگرام در فرانسه زندانی شود و ۵۰۰ هزار یورو به دولت فرانسه بپردازد. روبترز نوشته که این اتهام‌ها قطعی نیستند ولی از رفتار قاضی می‌شود فهمید

گلری

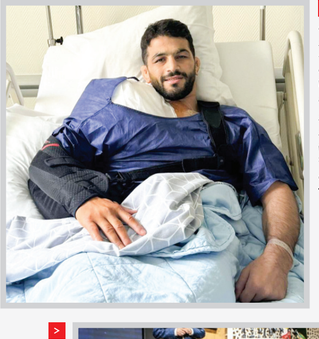

حسن یزدانی دیروز در شهر نیس فرانسه، کتف راست خود را مجددا جراحی کرد و با انتشار این عکس در اینستاگرام خود نوشت: «به زودی برمی‌گردم.»

سفیر کشور نروژ به همراه معاونش در زورخانه شهید فهمیده، حضور یافت و به اجرای ورزش باستانی پرداخت.

تصویر ابوالفضل پورعرب در مراسم روز گذشته پلیس

صندلی‌های خالی مجلس هنگام حضور پزشکیان در صحن؛ تصاویری از حضور ناگهانی رئیس‌جمهوری در مجلس دوازدهم را مشاهده می‌کنید.

دستسازی ۹ نفر از اراذل و اوباش به‌خاطر درگیری و قمه‌کشی در محله نیروهوایی. در این پرونده، دو گروه از محله‌های دولاب و بیروزی، پس از گری‌خوانی‌های طولانی با تعیین قرار دعوا، ابتدا در محله شیوا درگیر شده و سپس بعد از چند روز، در خیابان نیروهوایی با یک‌بار درگیر می‌شوند و حاصل این نزاع، قمه‌کشی در خیابان و تخریب یک سوپرمارکت و چند خودرو بود که متاسفانه دو نفر از شهروندان در این درگیری مجروح می‌شوند. ۹نفر دستگیر شدند که دو نفر از آنها سابقه‌دار هستند.

استوری پرینازا بزیدار از فیلم کوتاه «سرریز». فیلم سرریز با نام بین‌المللی «Overflow» به کارگردانی نهال دشتی در پنجمین حضور بین‌المللی خود در بخش مسابقه جشنواره «New York Odyssey Film Festival» نیویورک آمریکا به نمایش در می‌آید.

سوژه روز

صدا و سیما شاکی شد

رسانه ملی باز هم از آپارات شکایت و درخواست کرده که این سایت به آنها پنج هزار میلیارد تومان غرامت دهد

عصر ایران نوشت: بنابر آنچه که در برخی رسانه‌ها منتشر شده است، صداوسیما با کمک کارشناسان قوه قضائیه شکایتی از ۱۱ سال فعالیت سایت آپارات تهیه کرده و خواسته تا نکردن حفظ حقوق مالکیت معنوی آثار درخواست ۵۵هزار میلیارد ریال غرامت داشته است.

در این شکایت در شش‌بند به موارد مختلفی اشاره شده است از جمله: از دست دادن فرصت‌های بازار، از دست دادن درآمدهای مستقیم، کاهش مزیت رقابتی و تاثیر بر سرمایه‌گذاران و ....

نکته جالب‌توجه این است که صداوسیما در حالی چنین موضوعی را مطرح ساخته است که خود، در رعایت حقوق معنوی آثار هنرمندان، کمترین توجهی به آن نداشته و به دفعات این موارد از طرف هنرمندان، موردنقد قرار گرفته است.

همین دیروز بخشی از مصاحبه جدید کارن همایونفر (هنگساز) با علی ضیاء در شبکه‌های مجازی موردتوجه قرار گرفته است که به‌صراحت به همین نکته اشاره کرده و گفته است: «اگر تلویزیون پول کارهایی را که مدام از من پخش می‌کند، پرداخت می‌کرد، با هلیکوپتر رفت‌وآمد می‌کردم!».

در دو روز پیش هم کیانوش عیاری اشاره کرده که تلویزیون، سه‌ونیم میلیارد تومان به او بدهکار است که پرداخت نشده است، یا حتی فراتر از آن، همین الان فیلم‌های سینمایی و سریال‌های روز جهان از سایت تلویزیون صداوسیما در حال انتشار است؛ بدون رعایت کپی‌رایت یا پرداخت هیچ‌گونه پولی بابت پخش آن.

اما نکته اصلی این است که سایت آپارات، سایتی کارمحور است و اساس آن پخش ویدئوهایی است که کاربران بارگذاری می‌کنند و با سایت یا پلتفرم‌های که خود، محتوا یا سریال و برنامه تولید می‌کنند، فرق دارد.

نکته جالب‌توجه دیگر این است که سازندگان بسیاری از برنامه‌های صداوسیما خود بر روی آپارات کانال برنامه خود را هم دارند و به دلیل اینکه بی‌برده‌اند مخاطبان، احتمالا در بیشتر شبکه‌های اجتماعی و پلتفرمی چون آپارات بیشتر برنامه را می‌بینند، دست به چنین اقدامی زده‌اند.

از طرف دیگر مبنای احتساب این رقم بر چه اساسی است؟ یا اصطلاحا پایه اطلاعاتی که بر اساس آن به این عدد ۵۵ هزار میلیارد ریال رسیده است بر چه مبنای و از چه منبعی حساب شده است؟ چون نمی‌توان برای مثال یک برنامه مثل سریال «بچه مهندس» را معیار سنجش قرار داد و مابقی را هم بر همین اساس سنجید و محاسبه کرد! یا بر اساس تعداد کلیک به چنین عددی رسیده‌اند؟ از کجا معلوم مخاطبی که این برنامه را کلیک کرده است تا آخر آن را دیده باشد؟ آن منصرف شده باشد.

پرسش آخر، حجم زیادی از آرشیو برنامه‌های صداوسیما بر روی یوتیوب هم وجود دارد، برای آنها چه می‌توانند انجام دهند؟

دو سال پیش هم مدیرعامل آپارات در توییتر شخصی خود نوشت صداوسیما از او شکایت کرده است و رئیس صداوسیما در واکنش به این خبر گفت: «برای دفاع از حق خود تنها از آپارات بلکه از دیگر پلتفرم‌های خاطی نیز شکایت می‌کنیم.»

لولین یارا ما سال ۱۴۰۱ بود که با انتشار ویدیویی در آپارات، مدیرعامل این پلتفرم اعلام کرد که با شکایت صدا و سیما به ۱۰ سال حبس محکوم شده است. در ادامه با کش و قوس‌های فراوان و فعالیت‌های صنفی این حکم اجرایی نشد. تا این لحظه جزئیات بیشتری از دعوای حقوقی بین صداوسیما و آپارات منتشر نشده است.

لوکیشن بفرست، جنازه تحویل بگیر!

بسیاری از پرونده‌های جنایی، ریشه در یک قرار ساده برای دعوا دارد

فاطمه شیخ علیزاده
هفت صبح

کل کل‌های دنباله‌دار خیلی وقت‌ها رنگ خون می‌گیرد

شاید خیلی وقت‌ها، پایه و اساس محکمی برای شکل‌گیری یک کینه و درگیری وجود نداشته باشد اما مسائل پیش پا افتاده، وقتی کار را به رو کم کنی بکشاند، کافیست تا به قیمت جان یک آدمیزاد تمام شود! حتی طرفین دعوا برای تسویه حساب و تخلیه کردن خشمشان، با پای خود سر قرار دعوایی می‌روند

دستور زبان عشق

تو و گرفتنِ تیر و کمان به قصد شکار
من و زدیدنِ آن تیر و آن کمان مُردن...

هلالی جغتایی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

ستکون فتن یصبح الرّجل فیها مؤمنا و یمسی کافرا إلّا من أحیاه اللّه بالعلم
فتنه هایی خواهد بود که در اثنای آن مرد به صبح مومن باشد و به شب کافر شود، مگر آنکه خدایش به علم زنده دارد.

نهج الفصاحه ص ۵۲۲، ح ۱۷۳۴

واگویه‌های انتظار

مادرم یک بار مرا به دنیا آورد
اما برادرم را چهل و هشت سال است هر صبح می‌زاید
بزرگ می‌کند / و به جنگ می‌فرستد / و او هر بار بر نمی‌گردد...

نادر پناه‌زاده

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۴:۲۴ | طلوع خورشید ۰۵:۵۰ | اذان ظهر ۱۱:۵۸ | غروب خورشید ۱۸:۰۵ | اذان مغرب ۱۸:۲۳

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۸۶۸ | پنجشنبه | ۲۹ شهریور ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

جهان در آستانه ورود به بربریت تکنولوژیک

درباره فاجعه بیروت و پیجرها و ناکامی‌های زنجیره‌ای مورایس و گل زیبای آزمون

۱ جهان در آستانه یک انفجار بزرگ است. توطئه خونی و تروریستی با استفاده از پیجرها و حمله به بیش از ۵۰۰۰ نفر با روش‌های تکنولوژیک و معلول ساختن آنها معنای واقعی تروریسم است. آیا وارد دوران تازه‌ای از نبردهای کثیف شده‌ایم؟ آیا آن طور که خبرنگار بی‌بی‌سی گفته این حمله ناگهانی به خاطر انتقام حمله پرتلفات حزب‌الله به یک مقر اطلاعاتی اسرائیل است؟

۲ در روزهای آتی جهان وارد مرحله جدیدی از زیست خود خواهد شد. در هم شکستن دیوارهای خرد و تمدن. وارد یک دوره وحشیگری تکنولوژیک شده‌ایم که روی دیگر وحشیگری بدوی مدل داعشی و بوکو حرامی است. خودتان را برای این عصر تازه آماده کنید. پس‌لرزه‌های این جنایت همه چیز و همه کس را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد. در صفحه دو به شکل کامل این جنایت بازگو شده است.

۲ مورایس سرمربی سپاهان باید در مورد بازی‌های آسیایی تیمش توجیه شود. این که در خانه توسط تیم متوسط اماراتی له بشوی و در اردن به حریف کم نام و نشان بازی را واگذار کنی آن هم در حالی که می‌شد نتیجه وحشتناک‌تری به دست بیاید کارنامه خوبی نیست. نتایج سپاهان در آسیا کمی از فاجعه بهتر بوده است.

۳ در مسابقات جهانی داخل سالن، تیم ایران بازی دارد و قدم اول را با نابود کردن ونزوئلا برداشت اما در یک گروه دیگر افغانستان کم مانده بود یقه آرژانتین را بگیرد. باورنکردنی بود. آنها که در روز اول از سد آنگولا گذشته بودند آرژانتین را تا سر حد ممکن زجر دادند و با نتیجه خفیف دو بر یک مغلوب شدند. در یک گروه دیگر قزاقستان که در بازی‌های تدارکاتی حال شاگردان شمسایی را گرفته بود در دو بازی پس از متوقف کردن اسپانیا دیروز لیبی را در هم کوبید. مسابقات داخل سالن واقعا دیدنی و جذاب هستند.

۴ سردار آزمون گل فوق‌العاده‌ای را برای الشباب الاهلی به ثمر رساند. یک گل زلاتانی که نشان از هوش بالای این اعجوبه ترکمن دارد. حیف که او به وضوح به لحاظ بدنی آماده نیست و پنج شش کیلو اضافه وزن کاملا در حرکاتش مشخص است. چه می‌شد سردار نصف جاه طلبی مثلا علی دایی را با خود به همراه داشت؟ و بالاخره تراکتور که در یک بازی زیبا و روی چمن سرسبز ورزشگاه الوکره قطر با سه گل دیدنی این تیم را شکست داد و برای فوتبال ایران آبروداری کرد. آفرین به شاگردان اسکوچیچ. آنها امسال بهترین تیم ایرانی هستند.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... به نظر من این نظریه‌ای رو که میگه یادآوری حوادث ناراحت کننده، وقتی زمان ازش میگذره، تبدیل به کمدی میشه رو یک کسی که فارغ‌التحصیل شده راجع به دوران مدرسه گفته. البته من بسیار به بوی ماه مدرسه و این چیزها علاقه دارم ولی در هر حال بسیار محظوظم که صبح‌ها لازم نیست بلند شم برم مدرسه.

یکی از هیجان‌های آن دوران، مخصوصا در زمان دبستان، پیدا کردن دوست بود. یادمه به واسطه همین جمله هم قانع‌مون می‌کردن بدون فغان و نق و گریه بریم مدرسه. انگار که بنگاه دوست یابی می‌برنمون...

خلاصه که تقدیر، از روز اول دبستان افتخار دوستی با انسان چندشی رو به من داد که هنوز که هنوزه از این موهبت بی‌نصیب نیستم. طرف از همون روز اول مهرِ اول دبستان، نشون داد که خوب دوزاری‌اش افتاده دنیا دست کیه و تکلیفش رو با خودش روشن کرده و میدونه که چجوری باید پیشرفت کنه. همون دقیقه اولِ روز اول مهرِ اول دبستان که معلم گفت: «آخ... تخته پاک کن رو یادم رفت بیارم» و این دوست جدید ما هم مثل فنر پرید که «من برم براتون بیارم؟ من برم براتون بیارم؟...» و رفت و برگشت و دو دستی تقدیم کرد و معلم گفت: «آفرین پسرم... اسم شما چیه؟» و این موجود هم لبخند پیروزمندانه‌ای زد، معلوم بود که خوب کارشو بلده...

خب، به واسطه این سیستم خدمت رسانی، تبدیل به اولین مبصر زندگی من هم شد. روزی که معلم، این مقام را به اواعطا کرد، همچون شوالیه بین میزها قدم میزد و در کمتر از یک ساعت، کلیه اطلاعات لازم درباره کلیه دانش آموزان را گذاشت کف دست معلم. جوری شده بود اونقدری که ما از این موجود حساب می‌بردیم، از مدیر و ناظم و معلم نمی‌بردیم. دلیلش هم این بود که آنچنان با آب و تاب یک مسئله جزئی رو برای معلم تعریف می‌کرد که معلم اگر دلش هم راضی نبود، باز هم هوس تنبیه می‌کرد.

خلاصه که همون سال اول دبستان که اکثر ما، روی هوا بودیم و کلا نفهمیده بودیم که چه بلایی داره سرمون میاد و در آینده قراره چه بلایی سرمون بیاد و کلا گیج می‌زدیم، این دوست ما بارِ خودشو بست.

از بختِ سیاه، سال دوم دبستان هم چشممون به جمال بی‌همتای ایشون روشن شد که افتخار همکلاس بودن باهاشون نصیبم شد. دیگه تجربه یک سال تحصیلی هم پشت سرش بود و باز هم همون دقیقه اولِ روز اولِ مهرِ دوم دبستان، به معلم نشون داد که ایشون همونی هستن که می‌خواستین...

و این دوست سال‌ها با من بود. نمی‌دونم چرا، ولی هرجوری که کلاس بندی می‌کردن باز هم ما با هم می‌افتادیم و این گونه شد که سال‌های تحصیل من با زنگ صدای این بزرگوار همراه بود و لحن بخصوص و منحوس صداش، هیچوقت از گوش من خارج نمی‌شه:

- «آقا من حضور غیاب بکنم؟... آقا برم به آقای ناظم بگم؟... آقا دفترها رو جمع کنم؟... آقا امتحان نمی‌گیرین؟... آقا نمی‌پرسین که بهتر یاد بگیریم؟»

و این جملات انتهایی نداشت و ایشون هم بدون توجه به این که تا چه حد موفق شده منفور کلیه بچه‌ها باشه، کار خودشو می‌کرد و مسیر خودشو می‌رفت...

خوشبختانه از اواسط دوران دبیرستان، دیگه ندیدمش و شوربختانه، اثری که بر روح و روانم گذاشته بود، باعث شده که هیچوقت اون صدا و قیافه فراموشم نشه. حتی امروز، بعد از گذشتن حدود سی سال از اون روزها، وسط مغازه فروش لوازم تحریر، از بین همهمه مردم، صداش رو به راحتی می‌تونم تشخیص بدم که مشغول خرید برای فرزند اول دبستانیشه و همزمان مشغول نصیحت:

- «این مدادها برای خودت... این هم برای این که اگر معلمت خواست بدی بهش... این پاک‌کن برای خودت، این هم برای این که اگر معلمت خواست بدی بهش... این دفترها رو برای خودت گرفتم... این دسته کاغذ هم برای این که اگر معلمت خواست یا خواستی چیزی براش بنویسی... خب... بیا اون ور رو هم ببینیم چیزی برای معلمت می‌تونم پیدا کنم یا نه...»

قصه های گمشده - ۵۹ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

مردان و زنان شکست خورده در کریدورهای سلطنتی

وضعیت دربار پهلوی در دوران پس از کودتا و در طول دهه سی، لایق یک سریال طولانی عامه پسند تلویزیونی در چند فصل است. انباشته از پسران و دختران رضا خان و دوستان نزدیکشان که عموما در بحران‌های عمیق خانوادگی و باتلاق عشق‌های شکست خورده فرو رفته بودند و یا از همسرانشان جدا شده بودند و در حال گذراندن مراحل ریباند عاطفی بودند. محمدرضا و ثریا از سال ۱۳۳۵ وارد دوره بحران زناشویی شده بودند و به تدریج در حال سپری کردن مراحل طلاق بودند و در سال ۳۶ از هم جدا شدند و محمدرضا سه سال به عنوان یک پادشاه مجرد به زندگی خود ادامه داد. از ۳۸ سالگی تا ۴۰ سالگی. اشرف دوران طلاق عاطفی‌اش با احمد شفیق مصری را می‌گذراند و در عین حال سال‌ها بود که وصلت عاطفی(!) با مهدی بوشهری، تاجرزاده زبل مقیم فرانسه را شروع کرده بود. فاطمه پهلوی بعد از گذراندن ۴ سال پرتنش با علی هیلر آمریکایی بالاخره در سال ۱۳۳۶ از او جدا شده بود و به عنوان یک زن سی ساله که دوره نوجوانی‌اش را در آمریکا و بدون نظارت پدر و مادر گذرانده بود، پذیرای ماجراهای فراوانی بود، غلامرضا پهلوی که با هما علم ازدواج کرده بود و دوتا هم بچه داشت، در دهه سی از او جدا شده بود و سرگردان پیدا کردن یک رابطه عاطفی جدید بود. محمودرضا برادر تنی فاطمه که در سال ۱۳۳۳ از آمریکا آمد و با مهردخت اعظم زنگنه ازدواج کرد و در سال ۱۳۳۷ از او جدا شد هم به خیل مردان و زنان مطلقه دربار پیوست. به این جمع حمیدرضا، ته تغاری رضاشاه را هم اضافه کنید که با این که بسیار جوان بود (متولد ۱۳۱۱) اما یک ازدواج ناکام با مینو دولتشاهی را از سر گذرانده بود و در سال ۱۳۳۳ از او طلاق گرفته بود و در دهه سی درگیر یک رابطه جنجالی با زنی به نام هما خامنه شده بود که مایه سرشکستگی دربار به حساب می‌آمد. جنجال علیرضا پهلوی را هم باید اضافه کرد. تنها برادر تنی محمدرضا که همسر فرانسوی اختیار کرده بود و قوانین دربار را به بازی گرفته بود که خب در سال ۱۳۳۳ بر اثر یک سانحه هوایی در حوالی گرگان کشته می‌شود. از استثناها شمس بود که با شوهر کاملا مطیع خود یعنی مهرداد پهلبد (مین باشیان) روزگار می‌گذراند و عبدالرضا پهلوی که به خاطر کینه‌ای که میان همسرش پری سیما زند (مطمئنا زیباترین زن دربار و البته پرحاشیه‌ترین آنها) و اشرف و شمس به وجود آمده بود کلا دور دربار را خط کشیده بود و رفته بود به اراضی خود در شمال و شکار می‌کرد و آنجا به انقراض نمونه‌های حیوانی نادر کشور مساعدت می‌کرد!

به این جمع سرگشتگان پهلوی، رفقای نزدیک محمدرضا را هم باید اضافه کرد. مثلا اردشیر زاهدی که جوانی ۳۰ ساله و قبراق بود و از آمریکا به ایران بازگشته بود و همین طور محمد خاتم خلبان اختصاصی محمدرضا و بازیکن سابق تیم فوتبال تاج و برادرزاده امام جمعه تهران که به تازگی همسرش پری‌دخت خدیوی را در یک سانحه هوایی از دست داده بود و حالا یک مرد رشید در آستانه چهل سالگی بود که در کریدورهای کاخ‌های سعدآباد به دنبال عشق ورزی پرسه می‌زد!

مشخص بود که این شرایط نمی‌توانست ادامه داشته باشد. این همه شکست عشقی و خانوادگی و طلاق وجهه دربار را در نزد عموم مردم خراب کرده بود و اعتماد به نفس محمدرضا را از بین برده بودند. و کم‌کم این حجم بزرگ تستسترون و استروژن باید کنترل می‌شد و خب فصل ازدواج‌های درباری از راه رسیدند. محمدرضا، دختر ۱۷ ساله‌اش شهناز را به عقد اردشیر زاهدی درآورد و فاطمه پهلوی بازیگوش را با سرهنگ محمد خاتم جفت کرد. طلاق اشرف از شفیق رسمی شد و او به شکل قانونی با مهدی بوشهری وصلت کرد، غلامرضا به سمت منیژه جهانبانی هل داده شد و در سال ۱۳۴۰ با او ازدواج کرد و به زندگی‌اش سروسامان داد، زندگی حمیدرضا و هما خامنه به شکل قانونی و رسمی ثبت شد هرچند دربار هیچ وقت از این وصلت دل خوشی نداشت، محمودرضا هم هرچند از زندگی مجردی خود دل نمی‌کند اما دست آخر مجبور شد در سال ۱۳۴۳ با مریم اقبال دختر منوچهر اقبال ازدواج کند. در این هیاهوی وصلت‌ها خود محمدرضا هم در فرایندی که ابتدا تصور می‌شد ادامه خوشگذرانی‌های مشترک او با اردشیر زاهدی باشد، با فرح دیبا آشنا شد و در سال ۱۳۳۸ با او ازدواج کرد و یکسال بعد پسر دار شد و بر این حس ناتمامی و عدم کامیابی‌اش غلبه کرد. او بعد از ۲۰ سال از شروع سلطنتش و گذراندن سال‌های تزلزل و ترس و فرار تازه از دهه چهل تلاش کرد در قالب یک شاه فرو برود. وقتی که از چهل سالگی عبور کرده بود و یک همسر جوان داشت و یک جانشین فرضی برای خود. انگار تازه احساس می‌کرد که مشروعیت پیدا کرده است. بی‌جهت نیست که در میانه دهه چهل به دنبال برگزاری مراسم تاجگذاری رفت. گویی خودش از شیوه جانشین شدن پدرش، آن هم بنا به دستور دولت‌های انگلیس و آمریکا در پاییز ۱۳۲۰ احساس عدم رضایت می‌کرد.

سایت‌نگار

شایعه علیه الناز، دستمزد بالای لیلا، شیفتگی گاریدو نسبت به تهران و...

امین فردین شایعه‌پرداز مقیم آلمان که بسیاری از چهره‌های هنری داخل کشور از شایعه‌های تولید شده توسط او لطمات جبران ناپذیری خورده‌اند این بار الناز شاکردوست را هدف تیغ زهرآلود شایعات قرار داده و چندین رابطه عاطفی متعدد با چهره‌های سینمایی و غیر سینمایی را به او منتسب ساخته است.

شاکردوست این سال‌ها فعال‌ترین بازیگر سینمای ایران بوده که به تازگی در عرصه تئاتر و ایفای نقش تهمینه در کنسرت نمایش رستم و سهراب هم درخشیده است.

روایت است که یکی از علل فروپاشی روحی و سپس مرگ خانم فکور صبور همین نوع شایعاتی بوده که توسط امین فردین در فضای مجازی نشر پیدا کرده است.

شاید برایتان عجیب باشد که هنوز بالاترین رقم مطالبه شده برای دستمزد بازی در فیلم و سریال به لیلا حاتمی تعلق دارد.

این در حالی است که این بازیگر ۵۲ ساله در آثاری که خودش به نقش علاقه داشته باشد یا در قالب پشتیبان پروژه ظاهر شود دستمزد کمی می‌خواهد اما به شکل عمومی هنوز بالاترین رقم‌ها به او تعلق دارند.

بلافاصله پشت سر او سحر دولتشاهی و پریناز ایزدیار قرار دارند که هردو با تکیه بر سریال‌های شبکه سینمای خانگی ارقام بالایی را برای بازی در این آثار طلب می‌کنند و به پشتوانه همین دستمزدهای نجومی، گزیده کار هستند.

رقم این دو نفر برای بازی در سریال‌های نمایش خانگی ماهیانه بوده و هردو بین یک میلیارد تا دو میلیارد تومان دریافت می‌کنند.

در رده سوم هدی زین‌العابدین، الناز شاکردوست و طناز طباطبایی و با کمی اختلاف آزاده صمدی هستند.

شنیده می‌شود که نازنین بیاتی و الناز حبیبی هم به پشتوانه موفقیت فیلم‌های روی پرده و فروش‌های خیره کننده آن‌ها به جمع بازیگران گران‌قیمت سینما پیوسته‌اند.

هدیه تهرانی و نیکی کریمی هم بازیگران گران‌قیمتی هستند اما به نظر می‌رسد از مارکت سینمای ایران خارج شده‌اند. همین طور ترانه علیدوستی.

سازندگی نوشت: موزه امام علی زیرمجموعه شهرداری تهران و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری، یکی از موزه‌های معتبر پایتخت است که حالا در گنجینه‌اش ۳۰ جای خالی دارد.

۳۰ اثری که ناگهان محو شده‌اند و حدود ۶ ماه از غیبت‌شان می‌گذرد. اوایل امسال یک نامه به موزه می‌رسد که طبق شنیده‌های ما یکی از مدیران (نام ایشان در دفتر روزنامه ثبت و محفوظ است) شهرداری با امضای خود به خروج ۳۰ اثر هنری برجسته مجوز داده اما ظاهراً حتی خودش هم پیگیر بازگشت آنها نیست.

وقتی ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران در تازه‌ترین جلسه شورا درباره این اتفاق حرف زد و خبر داد که این آثار از موزه خارج شده و برنگردانده شده‌اند و حتی ارزش یکی از آنها به تنهایی ۳۰ میلیارد تومان است، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد بخشی از تابلوها- که البته ردی از آنها پیدا شده- چند ماه قبل به فروش رسیده باشند.

امانی روز یک‌شنبه در دویست‌وشصت‌ونهمین جلسه شورای شهر تهران به این موضوع پرداخت و خواستار پیگیری موضوع در شورا و ارائه توضیح از جانب شهرداری شد.

او همچنین گفت، آثاری از موزه خارج شده که یک مورد از آنها ۳۰ میلیارد تومان ارزش مادی داشته است. احتمالاً امانی و بسیاری از علاقه‌مندان هنر که از شنیدن این خبر بهت‌زده شدند و حتی بسیاری از رسانه‌هایی که درباره اتفاقات و رویدادهای شهرداری تهران و مسائل و مصائب شهردار تهران تیتر زدند به خاطر نداشته باشند که اواخر فروردین امسال بخشی از آثار این موزه در گزارش‌های تصویری تازه‌ترین دوره سالانه «World art Dubai» روی دیوار رفته بود.

به‌رغم تلاش مداوم دست‌های پشت پرده برای مسکوت ماندن موضوع، سازندگی به فهرستی از تابلوهای خارج شده از موزه دست پیدا کرد. یک موسسه فرهنگی و هنری نام آثار هنرمندان زیر را از موزه به امانت گرفته است: پنج اثر از عنایت‌الله نظری‌نوری، چهار اثر از علی‌اکبر صادقی، دو اثر از هانیبال الخاص، رضا هدایت و رضوان صادق‌زاده و یک اثر از آیدین آغداشلو، محمود جوادی‌پور، حسین محجوبی، صادق تبریزی، احمد خلیلی‌فرد، خسرو خسروی، آنه محمدتاتاری، حبیب توحیدی، مهدی حسینی، احمد وکیلی، علی ذاکری، طاهر شیخ‌الحکما، علی شیرازی، نعمت لاله‌ای و بابک خدابنده.

عصر ایران نوشت: برای اهالی سینما از زمانی که مسعود فراستی فیلم «اخراجی‌ها ۲» مسعود ده‌نمکی را فیلمی بهتر از «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی می‌دانست، تکلیفش روشن است، همان زمان که در تلویزیون بدون رقیب می‌نشست و هر آنچه دوست داشت را درباره فیلمسازان و اهالی سینمای ایران بر زبان می‌آورد که حتی مرور برخی از آنها در ذهن الان هم قبح دارد.

یا نظر فراستی درباره مارتین اسکورسیزی یکی از بزرگترین فیلمسازان معاصر جهان که گفته بود: «یک فیلم درست وحسابی در کارنامه اسکورسیزی نیست، شاید دو یا سه فیلم او لحظات و صحنه‌های قابل اعتنا داشته باشد، اما اسکورسیزی فیلمساز نیست، او تکنیک بلد نیست، دکوپاژ فیلم‌هایش غلط است.» دیگر حرفی برای گفتن باقی نمی‌گذارد.

اما چرخ روزگار چرخید و با این ورژن جدید از مسعود فراستی مواجه شدیم که در نوع خود جالب است. جالبتر از مسعود فراستی برخی جریانات سیاسی و رسانه‌های آنها هستند که سابق بر این با هر حمله فراستی به یکی از فیلمسازان و مفاخر سینمای ایران شروع به دست زدن و تشویق و هورا می‌کردند، حال در مواجهه با این ورژن جدید مسعود فراستی به او حمله کرده و با تعابیری چون «آقای چریک» او را خطاب قرار داده‌اند.

روزنامه جوان در نقد سخنان فراستی نوشت: «ظاهراً سفره جدید چرب‌تر است و به هر حال هر آدمی یک قیمتی دارد. آقا مسعود ما البته در این سال‌ها بعضاً مرتکب نقدهای سینمایی خوبی هم می‌شد و قدری هم نان بازویش را می‌خورد، با این حال تحت‌تأثیر ادبیات چپ در برخی نقدهای سینمایی ره به افراط هم می‌رود و دچار حب و بغض‌ها و جوگیری‌های احساسی هم می‌شود، اما همین که این شجاعت را داشت تا خلاف جهت جریان ضد ملی سینما در داخل که در طبل جشنواره‌های غربی می‌کوبید، بایستد قابل‌دفاع بود.

فراستی تا حدودی در درک فیلم و سینما باسواد بود و این تلفیق سواد سینمایی و همنفسی با مرتضی آوینی سبب شده بود تا اسم و رسمی هم دست و پا کند تا جایی که برنامه سینمایی هفت به تهیه‌کنندگی فریدون جیرانی در دهه ۸۰ از او یک سلبریتی ساخت تا شهرتی به هم بزند، هر چند همان زمان هم گهگاه پا در ورطه افراط می‌گذاشت.

به گزارش خبر ورزشی، حسن یزدانی کشتی گیر پرافتخار تیم ملی ایران که با وجود مصدومیت به مدال نقره المپیک پاریس دست یافت، دیروز سه‌شنبه در شهر نیس فرانسه کتف راست خود را به تیغ جراحان سپرد و تحت عمل جراحی قرار گرفت.

عمل جراحی حسن یزدانی ۷ ساعت به طول انجامید و کتف وی در ۳ ناحیه جراحی شد.

کانال دنیای کشتی روسیه مدعی شد یزدانی احتمالا برای مدت طولانی از میادین دور خواهد بود و یک سال آینده و احتمالا دو سال دیگر کشتی نخواهد گرفت. با این اوصاف او در رقابت‌های جهانی زاگرب که سال آینده برگزار می‌شود قطعا غایب خواهد بود و باید دید دوران دوری این کشتی گیر تا چه زمانی به طول خواهد انجامید.

یک خبر کشتی دیگر از یک سایت روسی دیگر: خبر آنلاین؛ سایت ورلدرستلینگ نیوز روسیه در خبری مدعی شد تیم ملی کشتی ایران و ستاره این تیم کامران قاسم پور به دلیل مشکلات سیاسی در رقابت‌های جهانی اوزان غیرالمپیکی در آلبانی حضور نخواهد یافت. این سایت روسی در گزارشی در این باره به وضعیت قاسم پور اشاره کرد و نوشت: کامران قاسم‌پور سال گذشته به دلیل مصدومیت مسابقات جهانی را از دست داد و شانس کسب سومین طلا در وزن ۹۲ کیلوگرم را از دست داد. این سایت روسی در ادامه مدعی شد: با این حال حضور کشتی گیران ایران در آلبانی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به دلیل روابط ضعیف سیاسی بین دو کشور، ممکن است کشتی گیران ایرانی ویزا نگیرند و از حضور در این رقابت‌ها محروم شوند. نظیر اتفاقی که سال گذشته برای تیم کشتی زیر ۲۳ سال ایران افتاد. سال گذشته تیرانا میزبان مسابقات جهانی زیر ۲۳ سال بود و این اتفاق افتاد و کشتی گیران ایران نتوانستند جواز حضور در رقابت‌ها را به دست بیاورند.

همشهری آنلاین: قرار است هفته آینده معارفه محمد احسانی در وزارت ارشاد برگزار شود. محمد خزاعی هم در آخرین روزهای حضورش در سازمان سینمایی به برنامه سینمایی «هفت» رفت و از کارنامه ۳ ساله‌اش دفاع کرد و چند روز پیش جلسه‌ای با حضور مدیران سینمایی برگزار کرد که از آن به‌عنوان مهمانی خداحافظی یاد شده است. این اتفاق‌ها در روزهایی رخ داد که برخی رسانه‌ها از احتمال ماندگاری خزاعی در سازمان سینمایی خبر داده بودند.

محمد احسانی از مدیران تلویزیون که در دوران ضرغامی در مقطعی مدیر طرح و برنامه و قائم مقام شبکه تهران بود، سال ۹۲ به دعوت حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی دولت اول تدبیر و امید، از تلویزیون به سازمان سینمایی آمد و معاون نظارت و ارزیابی شد. تنها یک سال در این پست باقی ماند و به تلویزیون بازگشت و مدیر شبکه یک سیما شد. او که آذر ۹۳ از ارشاد به تلویزیون رفته بود در آذر ۹۴ با مدیریت شبکه یک سیما هم خداحافظی کرد. احسانی که در ابتدای حضور محمد سرفراز در صداوسیما به تلویزیون بازگشته بود در پی اختلاف‌نظرهایی که پیش آمد از مدیریت شبکه یک کنار رفت. در دوران ریاست عبدالعلی علی‌عسگری بر صداوسیما، احسانی مدیر شبکه نسیم شد. در سال‌های حضور احسانی در شبکه نسیم برنامه‌های پرمخاطبی روی آنتن این شبکه رفت. احسانی سال ۱۴۰۰ از شبکه نسیم رفت و پس از ۳ سال حاشیه‌نشینی قرار است سکاندار کشتی سینمای ایران شود.

ورزش سه ملاقاتی با گاریدو داشته است که خلاصه ای از این ماجرا را برایتان آورده‌ایم:

هفته پیش و پیش از سفر عربستان، گاریدو را در حد فاصل نوشیدن یک فنجان قهوه و گذراندن ساعتی از بعدازظهر یک روز تعطیل در تهران ملاقات کردیم. او که بیش از یک ماه است در تهران سکنی دارد، تازه کوچه پس کوچه‌های محلات شمالی پایتخت ایران را کشف می‌کند. گاریدو می‌گوید: «وقتی پیشنهاد پرسپولیس به دستم رسید با خانواده‌ام مشورت کردم و دو پسرم را در جریان گذاشتم. یکی از پسرها لپ‌تاپش را روشن کرد و اسم تهران را جست‌وجو کرد و بلافاصله به من گفت پدر، تهران شهر فوق‌العاده‌ای است و عاشقش می‌شوی!»

گاریدو تا حدی در کافه‌های تهران گشته و از کیفیت قهوه‌ها و خوراکی‌ها شگفت زده شده است: «تهران مدرن و زیباست. پسرم درست می‌گفت.» گاریدو می‌گوید: «چیزی که در ایران بیشتر از هر چیز من را تحت تأثیر قرار داده، سازماندهی شماست. باشگاه پرسپولیس سازماندهی بسیار خوبی دارد. همه چیز منظم و سر جای خودش است. وقتی به زمین تمرینی می‌روم همه بازیکنان آماده هستند، همه چیز چیده شده و فقط باید سوت شروع را بزنم. بعد هم که تمرین به پایان می‌رسد، دفترم تمیز شده، غذای موردنیاز آماده سرو است و... اینجا همیشه به جیم دسترسی دارم و فکر می‌کنم هیچ کمبودی برای انجام کارهایم وجود نداشته باشد.»

سوال بعدی ما از او درباره تفاوت سطح بازیکنان ایرانی با بازیکنان مراکشی، مصری یا اماراتی است. گاریدو می‌گوید: «بازیکنان مراکشی سطح واقعا بالایی دارند و می‌توانند بگویم از ایرانی‌ها تکنیکی‌تر و شاید هم قوی‌تر هستند، اما مهم‌ترین نکته درباره بازیکنان ایرانی شوق و علاقه‌مندی آنها به یادگیری و همچنین تلاش‌شان برای پیشرفت است. من این را در تک تک اعضای تیمم مشاهده کرده‌ام و در جمع بازیکنان پرسپولیس کسی را ندارم که بشود به او لقب تنبل را داد، اما از این دست بازیکنان و حتی اعضای کادر و تدارکات را در باشگاه‌های عربی بسیار دیده‌ام.»

مشرق نیوز نوشت: مریم کوشکی، معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی لرستان با بیان اینکه سال گذشته هشت هزار و ۷۵۰ نفر در این استان دچار حیوان گزیدگی شده‌اند، گفت: این حادثه در ۴ ماه نخست امسال برای ۴ هزار نفر تکرار شده است.

به گزارش ایرنا، او وجود سگ‌های ولگرد در خرم آباد را از یکی از مهمترین معضلات این شهر می‌داند و می‌گوید غذا رسانی به این حیوانات باعث افزایش زاد و ولد و تکثیر سگ‌های بیشتری در مرکز استان شده است.

×ازدیاد بیماری‌هایی که به‌واسطه سگ‌ها منتقل می‌شود در کنار آسیب دیدن و حتی مرگ برخی شهروندان و کودکان اما هنوز نتوانسته برخی مسئولان را از خواب بیدار کند تا با گزینه «اقتدار» به این مسئله ورود کنند و یکبار برای همیشه مسیر آسیب دیدن مردم به‌وسیله سگ‌های بی‌صاحب و صاحبدار را مسدود کنند.

علی شریف‌زاده اردکانی، حقوقدان و یکی از وکلای افسانه بایگان در گفت‌وگویی از تبرئه موکل خود در دادگاه شعبه ۵۷ تجدیدنظر استان تهران خبر داد. این وکیل دادگستری در این رابطه، اظهار داشت: موکلم خانم افسانه بایگان بر اساس رای صادره از سوی شعبه ۵۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران از اتهامات مطروحه در رای پیشین تبرئه شد. البته استدلال‌های حقوقی این دادگاه نیز در تبرئه موکلم قابل تقدیر بوده که نباید از کنار آن بگذریم. ضمن اینکه زحمات همکار محترم بنده، محمدرضا اعتصام نیز در حصول به این نتیجه ارزشمند بوده از این ایشان تشکر می‌کنم.

در بخشی از حکم صادره دادگاه تجدیدنظر در خصوص پرونده افسانه بایگان، آمده: «نظر به اینکه قرار دادن عکس‌های خصوصی در صفحات شخصی شبکه‌های مجازی به معنی انتشار نبوده و قابلیت دسترسی برای عموم را ندارد و هیچگونه تولید و ارسال و توزیع داده‌های مبتذلی صورت نگرفته، بنابر این از شمول مقررات قانون جرائم رایانه‌ای خارج بوده و اینکه، وفق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرائم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در نتیجه ارتکاب رفتار مجرمانه نیز احراز گردد.» گفتنی است که افسانه بایگان پیش از این بنا بر عنوان اتهامی «انتشار تصاویر مبتذل» به پرداخت مبلغ دو و نیم میلیون تومان جزای نقدی، جایگزین و بدل از ۹۱ روز حبس تعزیری به عنوان مجازات اصلی و همچنین به ۱۸ ماه ممنوعیت از هرگونه فعالیت در فضای مجازی و منع خروج از کشور به عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده بود.

شرکت متا، مالک فیس‌بوک و اینستاگرام اعلام کرد از روز سه‌شنبه ۲۷ شهریور با ایجاد «حساب نوجوانان» دسترسی گروه‌های کم سن و سال به اینستاگرام را محدود کرده است.

والدین می‌توانند ساعات دسترسی فرزندان نوجوانشان به اینستاگرام را کاهش دهند، بر ارتباطات آن‌ها نظارت کنند و درباره تنظیمات دسترسی به محتوا تصمیم بگیرند.

اجرای این سیاست آغاز شده و به صورت تدریجی در همه کشورها اعمال می‌شود.

با این به‌روزرسانی، کاربران ۱۳ تا ۱۷ ساله باید دنبال‌کننده‌های خود را تائید کنند. همچنین ارسال نوتیفیکیشن از ساعت ۱۰ شب تا هفت صبح برای کاربران نوجوان متوقف می‌شود. برهمین اساس، دسترسی این کاربران به محتوای منتشر شده در اینستاگرام هم محدود می‌شود.

دُردانه‌های سامانه جانبازی

پرونده‌ای ویژه برای جدیدترین خودروهای وارداتی که قرار است از طریق سامانه جانبازان به بازار عرضه شوند

روزهای عجیب و غریب صنعت و بازار خودروی ایران ادامه دارد. روزهای سردرگمی. روزهایی که هیچ کس نمی‌داند چه اتفاقاتی پیش روی‌مان رخ خواهد داد. از تولیدکننده و واردکننده گرفته تا فروشندگان و خریداران کف بازار. همه و همه چشم انتظار باز شدن گره کور واردات خودرو هستند تا بلکه رونق نسبی به این بازار برگردد. تشکیل دولت جدید و اعمال تغییرات در وزارت صمت و بانک مرکزی نیز هرچند بارقه‌های امید را شعله‌ور کرده اما همه می‌دانند که پروسه واردات خودرو تا زمانی که همه نهادهای مربوطه دست به دست هم نداده و پول مورد نیاز واردکنندگان را تامین نکنند، همچنان با مشکلات جدی مواجه خواهد بود. پر بیراه نیست اگر بگوییم «بازار خودرو» بچه یتیمی است که کسی سرپرستی آن را برعهده نمی‌گیرد! در این بین، ایجاد سامانه فروش خودروهای جانبازی نیز مشکلاتی را به وجود آورده اســـت. هرچند به لطف همین سامانه شاهد ثبت سفارش خودروهای صاحب‌نام و لوکس هستیم اما وجود خلأهای قانونی سبب شده تا همین خودروهای مطرح نیز آنچنان که باید و شاید به دست مشتریان خود نرسند. ضمن آنکه در برخی از موارد شاهد نارضایتی جانبازان و ایثارگران گرانقدر کشورمان هستیم که متاسفانه مورد سوءاستفاده افراد سودجو قرار گرفته‌اند. نکته ناراحت‌کننده اینجاست که واردات خودرو هرچند به نام جانبازان است اما درنهایت به کام دلالان تمام می‌شود. البته که پیشتر و طی دهه ۸۰ خورشیدی نیز واردات خودرو از طریق جانبازان محترم انجام می‌شد اما روند انجام کار بسیار شفاف‌تر از زمان حال بود. به عنوان مثال در آن زمان خودروهای ب.ام.و X۶ یا مرسدس بنز SLK۵۵ توسط جانبازان ثبت سفارش و وارد می‌شـــدند که در بازار به خودروهای «سند جانبازی» معروف بودند. حالا بیش از یک دهه از آن ایام گذشته و این روش واردات، دوباره گل کرده. این بار با تنوع محصولات بیشتر و البته دردسرهای بیشتر. در این پرونده نگاهی متفاوت خواهیم داشت به شش خودروی وارداتی از برندهای مطرح جهانی که توسط سامانه جانبازان به بازار عرضه خواهند شد.

تویوتا کمری

ایـــن ســـدان نام آشـــنا، یکـــی از نخســـتین خودروهای ژاپنی بازار ایـــران بعـــد از آزاد شـــدن مجدد واردات خـــودرو به شـــمار می‌آید. یکـــی از پرفروش‌تریـــن خودروی تاریـــخ کـــه نزدیک به ۴۰ ســـال همواره موفقیت خیره‌کننده‌ای را در چهارگوشـــه جهان تجربه کرده است. تویوتا کمری پیش از این نیز همنشین مشـــتریان ایرانی بوده و در برهه‌های مختلف شـــانس خود را در بازار کشورمان امتحان کرده. از همین رو شـــاید بتـــوان کمری را جزو محبوب‌تریـــن محصولات ژاپنی در کشورمان دانست. جالب است بدانید نســـل پنجم، ششم و هفتم این خودرو از ســـال ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۶ در ایران عرضه شد. حالا نسل نهم کمری با مدل ۲۰۲۴ به بازار می‌آید. شـــکل و شمایل مدل جدید کمـــری هیبریـــد برخلاف اسلاف خود، جوان‌پســـند بوده و کاراکتر اسپورت‌تری به این خودرو بخشیده. به همین دلیل دیگر نباید کمـــری را صرفا یـــک «خودروی اقتصادی و کم استهلاک» دانست که هیچ جذابیت بصری و رانندگی به همراه نـــدارد. تویوتا کمری در بازارهای جهانـــی با طیف متنوعی از پیشرانه‌های بنزینی و هیبریدی عرضه می‌شـــود که طبق اطلاعات منتشـــر شده توســـط واردکننده، نســـخه وارداتی به کشـــور از یک پیشـــرانه ۲/۵ لیتری و دو پیشرانه برقی بهره می‌برد که می‌تواند ۲۳۲ اســـب بخار قـــدرت و ۲۱۰ نیوتن متر گشتاور تولید کند. این نسخه با قیمت پایه ۲۸ هـــزار دلار ثبت سفارش خواهد شد.

مرسدس بنز GLB-Class

دیگر محصول نام‌آشنای آلمانی که در فهرست خودروهای مجاز وارداتی جا خوش کرده، کـــراس‌اوور جدید شرکت مرسدس بنز یا همان GLB-Class است. با نیم نگاهی به چهره ظاهری نسل نو GLB-Class فرم مکعبی شـــکل آن به سرعت جلب توجه می‌کند. در فضای داخل کابین نیز شـــاهد تغییـــرات اندکی چون جایگزینی نشـــان‌دهنده‌ها با نمونه جدیدتر، جایگزینی غربیلک ۳ شاخه فرمان به جای غربیلک فرمان پیشین، بهینه‌ســـازی خروجی‌هـــای هوای سیســـتم تهویه مطبوع و همچنین افزایش تنوع تریم‌های آلومینیومی یا چوبـــی بـــه‌کار گرفته شـــده در دکوراتیـــو داخلی خودرو هســـتیم. طبق اعلام مرســـدس بنز، قرار است نسخه جدید GLB-Class با طیف گسترده‌تری از پیشرانه‌های دیزلی و بنزین‌ســـوز روانه میدان نبرد شود. آنطور که شنیده شده نسخه وارداتی این خودرو مدل GLB۲۰۰ خواهد بود که با برخورداری از پیشـــرانه ۴ ســـیلندر ۱/۳ لیتـــری و جعبه دنده ۷ ســـرعته دوکلاچه می‌تواند ظرف مدت ۹/۵ ثانیه خود را از حالت سکون به مرز ســـرعت یکصـــد کیلومتر بر ساعت رسانده و پس از آن نیز سقف ســـرعت ۲۱۰ کیلومتر بر ساعت را تجربه کند. پیشرانه این خودرو که توانایی تولید ۱۶۳ اسب بخار قدرت و ۲۷۰ نیوتن متر گشتاور را دارد، با دارا بودن فنـــاوری Blue Direct یا همان پاشش ســـوخت مستقیم توســـط انژکتورهای پیزوالکتریکی و ســـامانه اشـــتعال چندمرحله‌ای کم‌مصرف‌ترین پیشرانه این کلاس به شمار می‌آید.

سوزوکی جیمنی

برند ســـوزوکی پیش از این نیز با بازار ایران غریبه نبود. در اواســـط دهـــه ۸۰ خورشـــیدی، شـــرکت ایران‌خودرو به ســـراغ ســـوزوکی گرندویتارا رفـــت تا این کراس‌اوور را در داخل کشور مونتاژ کند. پس از آن نوبت به ســـدان «کیزاشی» رســـید و حالا بعد از وقفه‌ای چند ســـاله نوبت «جیمنی» اســـت تا با نشان ســـوزوکی به مصاف رقبا برود. طراحی جیمنـــی به صورت مکعبی شکل بوده و هیچ نشانی از ظرافت و خطوط سیال در بدنه این ماشین به چشم نمی‌خورد! موضوع نگران‌کننده برای ســـوزوکی این است که با وجود محصولات متنوع و پرشمار در کلاس شاسی‌بلندها، چهره ظاهـــری جیمنـــی حرف چندانی برای گفتن نـــدارد و این محصول صرفا به واسطه برند ژاپنی و البته کیفیت بالای مونتاژ، شانس موفقیت خواهد داشت. آنطور که شـــنیده‌ایم قرار اســـت جیمنی با یک پیشـــرانه ۱/۵ لیتری تنفس طبیعی در ایران عرضه شـــود. این پیشرانه می‌تواند ۱۰۲ اسب بخار قدرت و ۱۳۵ نیوتن متر گشـــتاور را تولیـــد و در اختیـــار راننده قرار دهد. اعداد و ارقام نومیدکننده‌ای که حتی از خودروهای چینی نیز ضعیف‌تر اســـت! البتـــه نباید این موضوع کلیـــدی را فراموش کنیم که جیمنی با قیمت پایه ۱۵ هزار دلار، یک خودروی کاملا اقتصادی بوده و نباید انتظـــارات چندانی از این خودرو داشت. هرچند صرفا نام و لوگوی «سوزوکی» برای جذب طیفی از مشـــتریان مشکل‌پسند، کافی خواهد بود.

مزدا CX۵۰

برند دیگری که قرار است از طریق سامانه جانبازی در بازار عرض اندام کند، برند مزدا اســـت. همان برند محبوب ایرانی‌ها کـــه با مدل‌های مـــزدا ۳۲۳ و مزدا ۳ طـــی دو دهه اخیر، سهم قابل ملاحظه‌ای از بازار را از آن خود ساخت. حالا واردکننده وطنی مزدا قصـــد دارد چند مدل جدید از این خودروســـاز خوشنام ژاپنی را در کشـــورمان عرضه کند. مـــزدا CX۵۰ یکـــی از اصلی‌ترین خودروهـــای وارداتـــی بـــوده که می‌تواند بـــه کلاس کراس‌اوورهای شـــهری، تنوع بیشـــتری ببخشد. این محصول با همکاری شـــرکت تویوتـــا ســـاخته شـــده و طبیعی اســـت که نتیجه همکاری دو غول خودروســـازی ژاپنی، از هر لحاظ سرآمد باشـــد. مزدا CX۵۰ جدید در امـــر طراحی شـــباهت فراوانی به دیگر محصولات مـــزدا از جمله نســـل نو مزدا ۳ دارد به طوری که برخـــی از ادوات آن بـــا این خودرو کاملا مشترک است. مزدا CX۵۰ در دو نســـخه معمولی و هیبریدی عرضه می‌شود که نسخه هیبریدی مجهز به یک پیشـــرانه ۲/۵ لیتری چهار سیلندر بوده و توانایی تولید ۱۷۸ اسب بخار قدرت را داراست. ضمنا یک موتور الکتریکی به کمک پیشرانه بنزین‌سوز مزدا آمده تا این شاسی‌بلند سایز متوسط ریزنقش با بهره‌مندی از پیشرانه هیبریدی و جعبه دنده E-CVT بـــرای رقبای خود خط و نشان بکشـــد. مصرف سوخت این خودرو تنها ۶/۲ لیتـــر در هر ۱۰۰ کیلومتر از مســـیر پیمایش اعلام شده است.

ب.ام.و X۲

عرضه خودروهای وارداتی از طریق سامانه جانبازی سبب شده تا شاهد عرضه خودروهای اســـم و رسم‌دار از برندهای مطرح باشـــیم. پس از ســـال‌ها محدودیت در امر واردات خـــودرو، حالا بـــه بهانـــه واردات خودروهـــای جانبازی، محصولات اروپایی با قیمت‌هـــای بالای ۳۰ هزار یورو نیز مجوز ورود به کشور عزیزمـــان را دریافـــت کرده‌انـــد! ب.ام.و، مرســـدس بنـــز و آئودی جزو برندهایی هســـتند که از این فرصت اســـتفاده کرده و خود را به پشـــت دیوار بازار ایران رسانده‌اند. ب.ام.و X۲ در حقیقت همان برادر بزرگتر X۱ بوده کـــه پیش از این نیز در کشـــورمان حضور داشت. طراحی X۲ کاملا جـــذاب و فراتر از زمان خود بوده که بـــا هر متر و معیاری می‌تواند دلربا باشـــد. این خـــودرو در کلاس خودروهـــای کوپه-شاســـی بلند قرار می‌گیرد کـــه کلاس جدیـــدی در صنعت خودروســـازی جهان به حســـاب می‌آید. نسخه‌های وارداتی X۲ به ایران به یک پیشـــرانه ۲ لیتری از نوع ۴ سیلندر توربوشارژردار مجهز شده که می‌تواند ۲۴۱ اسب بخار قدرت و ۴۰۰ نیوتن متر گشتاور را در اختیار راننـــده قرار دهد. ضمن آنکه جعبه دنده ۷ سرعته هوشمند این خودرو، سطح بســـیار بالایی از توانایی‌هـــای دینامیکـــی را به ارمغان خواهـــد آورد. خبر جذاب برای ثروتمندانِ عشـــقِ ســـرعت اینکه نسخه ۲ لیتری X۲ با شتاب صفر تا ۱۰۰ حدود ۸ ثانیه، یکی از چابک‌ترین محصولات بازار ایران خواهد بود.

کیا سورنتو

کیا ســـورنتو در بازار کشـــورمان خودروی شـــناخته شـــده‌ای به شمار می‌آید. شاســـی‌بلند سایز متوسط کمپانی کیا که نخستین بار در سال ۲۰۰۲ معرفی شد در سال‌های میانی دهه ۸۰ شمسی نیز جـــزو اولین محصـــولات این خودروساز بود که توانست مجوز واردات به ایران را کســـب کند. با آنکه سورنتو طی سه نسل متوالی شانس حضور در بازار کشورمان را داشت اما همواره زیر سایه سنگین رقبایی تویوتا پرادو یا حتی برادر ناتنی‌اش یعنی هیوندای سانتافه قرار داشـــت. اما حالا نسل جدید کیا ســـورنتو با شـــکل و شمایلی کامـــلا متفـــاوت آمـــاده ورود به میدان نبرد اســـت. نیم نگاهی به نسل نو ســـورنتو کافی است تا آن را خودرویـــی جذاب بـــا طراحی عامه‌پسند بنامیم. شکل و شمایل ظاهری و طراحی داخلی سورنتوی جدید آنقدر پخته و معقول هست که بتوان به آن نمـــره قبولی داد. نسل نو ســـورنتو با چند پیشرانه مختلف در بازارهای جهانی عرضه می شود اما مدل وارداتی به ایران به یک پیشرانه ۲/۵ لیتری تنفس طبیعـــی مجهز خواهد بـــود. این پیشرانه می‌تواند ۱۹۱ اسب بخار قدرت و ۲۵۰ نیوتن متر گشتاور را تولید کند. جالـــب آنکه میزان مصرف ســـوخت این شاسی‌بلند دوست‌داشـــتنی حدود ۷ لیتر هر در ۱۰۰ کیلومتر از مسیر پیمایش در ســـیکل جـــاده‌ای و شـــهری اعلام شده که نشان از توجه ویژه کره‌ای‌ها به مقوله مصرف سوخت است.

داشبورد

مانور خودروسازان و وارداتی‌ها در نمایشگاه مشهد

بیســـت و چهارمین نمایشـــگاه خودروی مشـــهد کـــه یکـــی از قدیمی‌ترین نمایشگاه‌های خودروی کشور محسوب می‌شود، روز چهارشنبه ۲۸ شهریورماه آغاز به‌کار کرد. نقش پررنگ شـــرکت‌های واردکننده در این نمایشگاه به چشم می‌خورد. کرمان موتور، گروه بهمن، پارس‌خودرو، کوشاخودرو نگین و راساموتور از جمله شرکت‌هایی هستند که در این نمایشگاه حضور دارند.

برند لیوان با کرمان موتور آمد

شـــرکت کرمان موتور ضمن حضور در بیســـت و چهارمین نمایشگاه خودروی مشهد، از کی ام سی SR۵ رونمایی کرد.

بیســـت و چهارمین نمایشگاه خودروی مشـــهد، از ۲۸ تا ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۳ از ساعت ۱۶ عصر تا ۲۲ شب در محل دائمی نمایشـــگاه‌های بین‌المللی مشهد پذیرای علاقه‌مندان است و کرمان موتور با مجموعه کاملی از محصولات خود در این نمایشـــگاه حضور دارد و تکنولوژی و آینده بازار خودروی ایران را به نمایش می‌گذارد.

کی ام سی SR۵ مجهز به یک پیشـــرانه ۱/۵ لیتری توربوشارژ با حداکثر قدرت ۱۷۸ اسب بخار و گشتاور ۲۹۰ نیوتن متر و گیربکس ۷ سرعته اتوماتیک دوکلاچه DCT است. محصول دیگر این شـــرکت، لیوان X۶ پرو اســـت. طراحی بیرونی چشم‌نواز KMC CR۶، با کاپوتی تیز و خطوط برجسته، چراغ‌های روز درخشان، جلوپنجره‌ای عریض با خطوط کشـــیده و رینگ‌هـــای آلومینیومی ۱۷ اینچی، زیبایی مدرن و اســـپورت این خودرو را به رخ می‌کشد. در داخل کابین، KMC CR۶ ترکیبی بی‌نظیر از طراحی پویا و راحتی را ارائه می‌دهد.

مانور نیسان‌ها و اشکودا

با توجه به حضور ایران روور با محصولات اشـــکودا در نمایشگاه خودروی مشهد ۱۴۰۳ به نظر می‌رسد، علاقه‌مندان خودروهای اروپایی می‌توانند با خودروهایی مانند اشکودا سوپرب و اشکودا کاروگ آشنا شوند. گروه صنعتی ایران روور یکی از شرکت‌هایی به شمار می‌آید که در دور جدید واردات خودرو، به جمع فعالان این صنعت اضافه شـــده است. همچنین چند مدل نیســـان نیز در این نمایشگاه حضور دارند.

ال نود پارس خودرو

ال ۹۰ ایرانی از یک پیشرانه چهار سیلندر، ۱۶ سوپاپ ۱/۶ لیتری بهره می‌برد که این پیشرانه توسط مگا موتور تولید شده و ME۱۶ نام دارد و به لحاظ ساختاری شـــباهت‌های زیادی با موتور TU۵ دارد. این پیشرانه می‌تواند نهایتا ۱۱۳ اسب بخار قدرت و ۱۴۴ نیوتن متر گشتاور تولید کرده و از طریق جعبه‌دنده ۵ سرعته دنده دستی به چرخ‌های جلو منتقل کند.

در نمایشگاه خودروی مشـــهد برندهای مختلف خودروهای جدیدی را رونمایی خواهند کرد.

دنده معکوس

لاندو؛ فورد الکلی آمریکایی به سبک برزیلی!

فورد لاندو، خودرویی فول‌ســـایز که در ســـال ۱۹۷۰ در نمایشگاه خودروی سائوپائولو معرفی شد، از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۳ توسط فورد برزیل در کارخانه ســـائوپائولو، ســـائو برناردو دو کامپو تولید می‌شـــد. این خودرو در برزیل به پرچمدار فورد تبدیل شد و بر اساس فورد گالاکسی ۱۹۶۶ آمریکا ساخته شده بود. لاندو تنها به صورت سدان ۴ در ارائه می‌شد، در حالی که نسخه آمریکایی آن در انواع مختلف بدنه عرضه شـــده بود. پس از ســـال ۱۹۷۶، تفاوت‌های بیشتری با گالاکسی و LTD پیدا کرد و دارای موتور جدید ۳۰۲، یک ۵,۰L V۸ سبک‌تر و اســـتایل جدید خود که به وضوح شبیه لینکلن کانتیننتال ۱۹۶۵ بود، شد. لاندو در ســـال ۱۹۷۶، به عنوان مدل برتر جدید فورد، به مدل‌های موجود گالاکســـی ۵۰۰ و LTD در نمایشگاه‌ها پیوســـت. هر سه مدل دارای موتور جدید ۳۰۲ CID با ۴۹۴۲ cc و ۱۹۸ hp (۱۴۸ kW) بودند که جایگزین ۲۹۲ سنگین‌تر شد، اما گالاکسی و LTD عناصر طراحی خود را از نسخه اصلی آمریکایی حفظ کردند. در ابتدا، لاندو تنها در طرح تک‌رنگ Prata Continental (نقره‌ای قاره) ارائه می‌شد. سقف وینیل نیز به رنگ نقره‌ای رنگ شده بود. در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹، در جریان بحران نفت در برزیل، فورد در محدوده گالاکسی/لاندو یک موتور ۳۰۲ CID با نسبت تراکم بالاتر (۱۱,۰:۱ در مقابل ۷,۸:۱) را معرفی کرد که از اگزوز دوگانه واقعی، منیفولد ورودی آلومینیومی و کاربراتور با پوشش نیکل برای پذیرش اتانول (الکل نیشکر) به عنوان سوخت استفاده کند. اولین خودرو، هدیه‌ای برای رئیس‌جمهور وقت برزیل، ژائو فیگوییرو بود. از مجموع ۷۷۶۴۷ نسخه گالاکسی ساخته شده در برزیل در ۱۶ سال حضور بازار، ۲۴۹۲ دستگاه با الکل به عنوان سوخت کار می‌کردند. (عصرایران)

بی‌ستون

از آتاری پنج هزار تومانی تا پلی‌استیشن ۷۰۰ دلاری

آبان فرزیان | اولین باری که بابت داشتن چیزی حس ذوق‌مرگی آمد سراغم، به‌زور هفت سالم می‌شد. باقلوا داد اگر خوب درس بخوانیم و معدلمان ۲۰ شود، برایمان یک دستگاه آتاری می‌خرد.

آتاری را خانه دایی دیده بودیم، رفتیم عید دیدنی و چشممان خورد به آن دستگاه جادویی سیاه با دسته‌های خیلی‌خیلی خودم و برادرم قصد داشتیم همان جا بمانیم. با اینکه خیلی از هم خوشمان نمی‌آمد رفتم به زن‌دایی گفتم: «ممم مثل الهام دختر شمام، چه فرقی می‌کنه؟» زن‌دایی خنده کجکی تحویلم داد و مامان خندید. هرچند بعدا از خجالتم درآمد اما من واقعا نوی تصمیمم جدی بودم.

بابا اخم کرد. چشم‌غره هم رفت منتها من دقیقا از لحظه‌ای که آتاری را دیدم احساس کردم، زندگی بدون آن معنی ندارد. هر طوری بود از شب کشان کشان من و داداشم را بردند خانه و برای اینکه مدایمان را خفه کنند، گفتند درس بخوانید و معدل ۲۰ بگیرید تا برایتان آتاری جایزه بخریم.

وضعیت تحصیلی‌مان آن‌قدرها بد نبود اما گفته بودند ۲۰ بگیریم. آن هم نه یک درس و دو درس را. کل آن کارنامه کوفتی را باید ۲۰ پر می‌کردیم تا آتاری جایزه بگیریم. به داداشم نگاه کردم و از نگاهش فهمیدم پارتنر خوبی ندارم. باهاش کاری نداشتم؛ چون وضعیت خودم همچین تعریفی نداشت. آن شب پلکت روی هم نگذاشتم. برای اینکه خودم را تسکین دهم، گفتم: «اشکالی نداره، بزرگ می‌شی و با پسر رئیس کارخونه آتاری ازدواج می‌کنی!»

اواخر خرداد وقتی تنها راه رسیدن به آتاری، همان ازدواج با پسر مالک کارخانه بود، بابا یک بسته روزنامه پیچ شده رفت توی اتاق و ۱۰ دقیقه بعد بدون آن نشست شما رو نداره» ۷۰۰ دلار!» مادرش از آن طرف خندید و گفت: «حالا وامه چی می‌خای سر همه کلاه بذاری؟» بچه صادقانه اعتراف کرد: «می‌خوام پلی‌استیشن Pro بخرم مامان.» داداش گفت: «همینی که داری چه اشکالی داره؟» بچه گفت: «هیچ فرقی نداره، حتی بر دارنده‌هاشون هم مشترکه. مدل Pro حافظه بیشتره.» داداش گفت: «پس بیا عمه و بهزحمت نندازیم و همین رو نگه داریم دیگه قهرمان!» بچه دسته را گذاشت زمین و گفت: «الکی موگول نزنید. من پلی‌استیشن Pro می‌خوام.» توی چشم‌هایش آبان سال ۶۹ را دیدم، وقتی پایش را توی یک کفش کرده بود و داشتن یک آتاری نمی‌خواست خانه دایی را ترک کند. داداش پرسید: «حالا فرقش چیه؟» بچه با اشتیاق بزرگ شدن گفت: «۷۰۰ دلار.» داداش نگاهم کرد و با خنده پرسید: «فلا الان چنده آبان؟»

آیاتوبر دستگاه داغ می‌کرد اهرم را می‌کشیدم پایین و به دستگاه، تلویزیون و خودم استراحت می‌دادم. هر دو دقیقه یکبار با دستم دما را چک می‌کردم تا بدانم کی ممکن است دوباره به مدار برگردیم.

بابا سال‌ها بعد افشا کرد، آتاری را پنج هزار تومان خریده ولی تاکید داشت پنج هزار تومان آن زمان!! الان با پنج هزار تومان کارهای زیادی نمی‌شود انجام داد. داداش حالا خودش بچه دارد. بچه رفته مدرسه، با رفقای ناباب دوست شده و یک از خدا بی‌خبر کلمه PSs را یادش داده. داداش همان کاری را کرده که بابا با جفتمان کرده بود اما بچه‌های این دوره زمانه برای خودشان هیولایی هستند. خیلی عجیب است ولی با نمره عالی همه درس‌هایش را قبول شده و آمده نشسته جلوی داداش که حالا وقتش رسیده جایزه را بخری!

از آتاری تا پلی‌استیشن ۵، تکنولوژی پیشرفت چشمگیری را تجربه کرده است. یادم می‌آید کاراکترهای ما در بازی بوکسی آتاری از بالا به نمایش می‌آمدند و جز صورت، دو تا دست و یک دماغ چیز دیگری از آنها پیدا نبود. دسته را بالا و پایین می‌کردیم و اگر موفق می‌شدیم در تلاش دماغه درست دکمه را فشار بدهیم، مشت می‌خورد توی صورت بازیکن حریف و دماغش با صدایی گوش‌خراش فرو می‌رفت داخل.

گرافیک بازی‌های پلی‌استیشن ۵ را دم‌اشتاپه نمی‌اندازند. دفعه اول واقعا فکر کردم فوتبال واقعی است و برایم سوال پیش آمد چرا تلویزیون دارد بازی رئال‌مادرید با رئال‌مادرید را نشان می‌دهد!! خوشبختانه قبل از اینکه خودم را جلوی بقیه ضایع کنم متوجه اشتباهم شدم. از داداش پرسیدم دستگاه را چند خریده. دست راستش را کشید روی پیشانی و گفت: «پوف!»

برارزاده‌ام از دور گفت: «عمه ماسه خودت می‌خوای؟» گفتم: «دمم نمی‌یاد؛ چند عمی‌فوشی‌ی؟» گفت: «قابل شما رو نداره» ۷۰۰ دلار!» مادرش از آن طرف خندید و گفت: «حالا وامه چی می‌خای سر همه کلاه بذاری؟» بچه داداشم اعتراف کرد: «می‌خوام پلی‌استیشن Pro بخرم مامان.» داداش گفت: «همینی که داری چه اشکالی داره؟» بچه گفت: «هیچ فرقی نداره، حتی بر دارنده‌هاشون هم مشترکه. مدل Pro حافظه بیشتره.» داداش گفت: «پس بیا عمه و بهزحمت نندازیم و همین رو نگه داریم دیگه قهرمان!» بچه دسته را گذاشت زمین و گفت: «الکی موگول نزنید. من پلی‌استیشن Pro می‌خوام.» توی چشم‌هایش آبان سال ۶۹ را دیدم، وقتی پایش را توی یک کفش کرده بود و داشتن یک آتاری نمی‌خواست خانه دایی را ترک کند. داداش پرسید: «حالا فرقش چیه؟» بچه گفت: «۷۰۰ دلار.» داداش نگاهم کرد و با خنده پرسید: «فلا الان چنده آبان؟»

هزینه کلسیم‌رسانی به بدن!

خرید یک سبد از محصولات لبنی برای خانواده‌ها چقدر آب می‌خورد؟

کروه بازار | قرار است قیمت شیر خام افزایش پیدا کند. افزایش قیمتی که قطعا روی قیمت بقیه محصولات لبنی هم تاثیر محسوسی می‌گذارد. به گفته علی احسان ظفری، رئیس هیات مدیره اتحادیه فرآورده‌های لبنی کشور، هنوز مصوبه مربوط به افزایش قیمت شیر خام به طور رسمی توسط دولت ابلاغ نشده است. اگر قیمت محصولات لبنی هم حدود ۲۵ درصد افزایش پیدا کند، انواع محصولات لبنی هم حدود ۲۵ درصد افزایش قیمت را تجربه می‌کند. به گفته او افزایش قیمت شیر بر افزایش قیمت محصولات فرآورده‌های لبنی بر پایه شیر، مانند پنیر بیشترین تاثیر را می‌گذارد و کمترین قیمت در بین محصولات لبنیاتی خود شیر است. البته تا این افزایش قیمت رخ بدهد، چند روز وقت دارید لبنیات را ۲۵ درصد ارزان‌تر خریداری کنید. برای همین در این مطلب هزینه خرید لبنیات از ماست، شیر، کره، خامه، پنیر، کشک و دوغ را بررسی کرده‌ایم. اینکه خرید محصولات لبنی در یک ماه چقدر خرج روی دست یک خانواده چهارنفره می‌گذارد؟

شیر خام ۲۰ درصد افزایش پیدا کند، انواع محصولات لبنی هم حدود ۲۵ درصد افزایش قیمت را تجربه می‌کند. به گفته او افزایش قیمت شیر بر افزایش قیمت محصولات فرآورده‌های لبنی بر پایه شیر، مانند پنیر بیشترین تاثیر را می‌گذارد و کمترین قیمت در بین محصولات لبنیاتی خود شیر است. البته تا این افزایش قیمت رخ بدهد، چند روز وقت دارید لبنیات را ۲۵ درصد ارزان‌تر خریداری کنید. برای همین در این مطلب هزینه خرید لبنیات از ماست، شیر، کره، خامه، پنیر، کشک و دوغ را بررسی کرده‌ایم. اینکه خرید محصولات لبنی در یک ماه چقدر خرج روی دست یک خانواده چهارنفره می‌گذارد؟

قیمت انواع شیر از ۱۲هزار تومان تا ۵۲هزار تومان

پرفروش‌ترین شیر موجود در فروشگاه‌ها، اول شیر کم‌چرب است و بعد مردم سراغ شیر پرچرب می‌روند. البته شیر کم‌لاکتوز یا بدون لاکتوز هم در ردیف‌های بعدی قرار می‌گیرند. قیمت یک قوطی شیر کم‌چرب ۹۴۶ میلی‌لیتر از ۳۰هزار تومان شروع می‌شود. مثلا برای خرید یک قوطی شیر کم‌چرب دامداران باید ۳۲هزار و ۹۰۰تومان بپردازید. شیر کم‌چرب کاله نیز ۳۴هزار و ۹۰۰تومان دارد و شیر کم‌چرب ماهشام نیز با قیمت ۳۴هزار و ۶۰۰تومان به فروش می‌رسد. شیر کامل دامداران نیز ۳۰هزار تومان قیمت دارد و برای خرید شیر بدون لاکتوز ماهشام باید ۴۳هزار و ۵۰۰تومان و شیر بدون لاکتوز دامداران ۳۲هزار تومان هزینه کند. شیر کم‌چرب غنی‌شده ماجان نیز با قیمت ۴۵هزار تومان فروخته می‌شود. در بین شیرهای مدت دار، شیر کم‌چرب هراز یک لیتری با قیمت ۳۷هزار و ۹۰۰تومان به فروش می‌رسد. شیر کم‌چرب میهن ۳۹هزار تومان قیمت دارد و برای خرید شیر کم‌چرب یک لیتری پگاه نیز باید ۳۹هزار تومان هزینه کنید. شیر کم لاکتوز پگاه یک لیتری ۴۰هزار تومان قیمت دارد و شیر کم‌چرب روزانه نیز با قیمت ۴۲هزار تومان فروخته می‌شود. شیر مدت‌دار یک لیتری بدون لاکتوز کاله حدود ۵۰هزار تومان قیمت دارد و سوپر شیر کم‌چرب یک لیتری روزانه نیز با قیمت ۵۲هزار تومان به فروش می‌رسد. همچنین قیمت شیر پرچرب فراداما یک لیتری کاله ۴۲هزار تومان است و برای خرید شیر پرچرب یک لیتری دومینو باید ۴۲هزار تومان هزینه کنید. قیمت یک شیر ۳۰۰میلی‌لیتری مدت‌دار از برند پگاه نیز ۱۲هزار تومان است.

قیمت انواع شیر صبحانه از ۱۷هزار تومان تا ۵۰هزار تومان

پرطرفدارترین پنیر صبحانه از برند پگاه است که یک قوطی ۴۰۰گرمی آن با قیمت ۴۴هزار و ۴۰۰تومان فروخته می‌شود. پنیر فتا دوشه هزار و ۴۰۰گرمی هم جزو پرفروش‌های بازار است که با قیمت ۵۵هزار و ۹۰۰تومان به فروش می‌رسد. پنیر پنج ستاره آمل کلاسیک کاله نیز جزو پنیرهای پرطرفدار است که حدود ۶۲هزار تومان قیمت دارد. بسرای خرید پنیر ۴۰۰گرمی پساک باید ۴۸هزار تومان هزینه کنید و خرید پنیر لبنیه آنا کاله حدود ۵۸هزار تومان خرج روی دستتان می‌گذارد. پنیر سفید ۵۱۵گرمی روزانه ۹۳هزار تومان قیمت دارد و بسرای خرید پنیر ۹۵۰ گرمی پرچرب هراز باید ۱۰۷هزار تومان هزینه کنید. پنیر فتا پروبیوتیک کم‌چرب هراز هم جزو پنیرهای پرفروش به حساب می‌آید که با قیمت حدود ۱۰۰هزار تومان فروخته می‌شود. پنیر خامه‌ای ۱۰۰ گرمی پگاه که با قیمت ۱۷هزار تومان فروخته می‌شود، یکی از ارزان‌ترین پنیرهای بازار است. پنیر می‌ماس ۱۵۰گرمی نیز حدود ۳۳هزار تومان قیمت دارد. برای خرید پنیر لبنه پگاه ۳۰۰گرمی باید ۳۴هزار تومان بپردازید و دماغش با صدایی گوش‌خراش فرو می‌رفت داخل. گرافیک بازی‌های پلی‌استیشن ۵ را دم‌اشتاپه نمی‌اندازند. دفعه اول واقعا فکر کردم فوتبال واقعی است و برایم سوال پیش آمد چرا تلویزیون دارد بازی رئال‌مادرید با رئال‌مادرید را نشان می‌دهد!! خوشبختانه قبل از اینکه خودم را جلوی بقیه ضایع کنم متوجه اشتباهم شدم. از داداش پرسیدم دستگاه را چند خریده. دست راستش را کشید روی پیشانی و گفت: «پوف!»

برارزاده‌ام از دور گفت: «عمه ماسه خودت می‌خوای؟» گفتم: «دمم نمی‌یاد؛ چند عمی‌فوشی‌ی؟» گفت: «قابل شما رو نداره» ۷۰۰ دلار!» مادرش از آن طرف خندید و گفت: «حالا وامه چی می‌خای سر همه کلاه بذاری؟» بچه صادقانه اعتراف کرد: «می‌خوام پلی‌استیشن Pro بخرم مامان.» داداش گفت: «همینی که داری چه اشکالی داره؟» بچه گفت: «هیچ فرقی نداره، حتی بر دارنده‌هاشون هم مشترکه. مدل Pro حافظه بیشتره.» داداش گفت: «پس بیا عمه و بهزحمت نندازیم و همین رو نگه داریم دیگه قهرمان!» بچه دسته را گذاشت زمین و گفت: «الکی موگول نزنید. من پلی‌استیشن Pro می‌خوام.» توی چشم‌هایش آبان سال ۶۹ را دیدم، وقتی پایش را توی یک کفش کرده بود و داشتن یک آتاری نمی‌خواست خانه دایی را ترک کند. داداش پرسید: «حالا فرقش چیه؟» بچه گفت: «۷۰۰ دلار.» داداش نگاهم کرد و با خنده پرسید: «فلا الان چنده آبان؟»

قیمت انواع ماست از ۱۷هزار تومان تا ۱۷۰هزار تومان

تنوع ماست خیلی زیاد است. اگر سری به قفسه انواع ماست در فروشگاه‌های بزرگ بزنید، انگار برای هر سبلقه‌ای ماست تولید شده است. از ماست کم‌چرب و پرچرب و کیسه‌ای و طعم‌دار گرفته تا ماست‌های میوه‌ای و غنی‌شده و پروبیوتیک. اما اگر دنبال پرفروش‌ترین ماست باز باشید، ماست همزده سیوری هراز یک کیلو و ۸۰۰گرمی که با قیمت ۱۲۰هزار تومان فروخته می‌شود، گویا طرفداران زیادی دارد. ماست موسیر پاک در دیگوکرمی هم جزو پرفروش‌ها است که با قیمت ۱۴۰هزار تومان به فروش می‌رسد. در گروه پرفروش‌ترین‌ها، ماست دو کیلویی کم‌چرب دومینو ۴۸هزار تومان قیمت دارد و برای خرید ماست پرچرب غنی‌شده و یا ویتامین‌دی پگاه باید ۷۵هزار تومان هزینه کنید. ماست کم‌چرب دو کیلویی می‌ماس ۱۷۰هزار تومان قیمت دارد. در بین ماست‌های پرفروش بازار نام ماست ایسلندی پروماست کاله ۹۰۰گرمی نیز دیده می‌شود که با قیمت ۱۰۵هزار تومان به فروش می‌رسد. در گروه ماست‌های ارزان قیمت، ماست کم‌چرب پاک ۶۵۰گرمی، ۱۷هزار تومان قیمت دارد و ماست پرچرب هراز ۲۵۰گرمی با قیمت ۲۵هزار تومان فروخته می‌شود. ماست میوه‌ای هلو کاله ۱۲۵گرمی حدود ۲۶هزار تومان است و برای خرید ماست چکیده با موسیر کاله ۲۵۰گرمی باید حدود ۳۰هزار تومان بپردازید. ماست پرچرب می‌ماس ۵۰۰گرمی نیز با قیمت ۳۲هزار تومان فروخته می‌شود. ماست یونانی پرچرب از برند می‌ماس که با قیمت حدود ۱۷۰هزار تومان فروخته می‌شود، جزو ماست‌های گران‌قیمت بازار به حساب می‌آید. در این گروه ماست پرچرب دو کیلوی ۴۰۰گرمی سون کاله با قیمت ۱۵۵هزار تومان و ماست موسیر پاک دو کیلویی با قیمت ۱۴۰هزار تومان، ماست لاکتوپا کاله یک کیلو و ۵۰۰گرمی کاله با قیمت ۱۲۵هزار تومان هم قرار دارد.

قیمت انواع کره از ۲۰هزار تومان تا ۱۷۰هزار تومان

کره نباشد، سفره صبحانه را پهن نمی‌کنند؛ چون دوست دارند صبحتان را با کره و مربا یا کره و عسل شروع کنند. بعضی‌ها هم هستند که از کره حیوانی و گیاهی برای پخت غذا استفاده می‌کنند و ترجیح می‌دهند به جای روغن از کره برای آشپزی استفاده کنند. اگر سراغ کره حیوانی بروید، برای خرید کره ۵۰گرمی از برند مهین باید ۲۰هزار و ۵۰۰تومان بپردازید. کره غیرسر لاکتیکی ۱۰۰گرمی پگاه نیز حدود ۳۳هزار تومان قیمت دارد. کره سنتی در آب نمک صباح ۵۰۰گرمی، حدود ۱۷۰هزار تومان قیمت دارد و برای خرید کره ۵۰گرمی کالین باید ۱۶هزار تومان هزینه کنید. اگر برای آشپزی دنبال کره لاکتکی با وزن بالا هستید، کره یک کیلویی کالین با قیمت ۲۰۸هزار تومان فروخته می‌شود. اگر جزو کسانی هستید که کره گیاهی را به خصوص برای آشپزی ترجیح می‌دهید، قیمت کره ۲۵۰گرمی زعفرانی غنچه پلاس حدود ۳۵هزار تومان قیمت دارد. کره گیاهی لادن ۲۵۰گرمی نیز با قیمت ۳۸هزار تومان به فروش می‌رسد. کره گیاهی کم‌چرب ۲۵۰گرمی غنچه پلاس حدود ۲۶هزار تومان قیمت دارد و برای خرید کره گیاهی مهگل ۱۵۰گرمی باید ۱۷هزار تومان بپردازید. اگر دنبال کره گیاهی ارزان قیمت می‌گردید، برند مهگل کره ۱۰۰گرمی تولید کرده که با قیمت ۹هزار و ۵۰۰تومان به فروش می‌رسد. مهگل کره ۵۰گرمی هم دارد که قیمت آن حدود پنج‌هزار تومان است.

قیمت انواع دوغ از ۱۲هزار تومان تا ۶۰هزار تومان

بعضی‌ها عاشق دوغ گازدار هستند و بعضی‌ها هم بی‌گاز می‌پسندند. البته دوغ‌های کفیر و لاکتیکی هم داریم که برای کسانی تولید شده که مشکلات گوارشی دارند. ولی اول به سراغ پرفروش‌ترین‌های بازار می‌رویم که از نوع گازدار و از برند مهیار است. دوغ یک لیتری هراز با قیمت حدود ۳۰هزار تومان فروخته می‌شود. دوغ ۲۵۰میلی‌لیتری آبعلی نیز جزو پرفروش‌ها است که با قیمت ۱۲هزار تومان به فروش می‌رسد. دوغ بدون گاز با طعم نعنا چهارلیتری پگاه هم جزو دوغ‌های پرطرفدار بازار است که با قیمت ۷۵هزار تومان فروخته می‌شود. دوغ گازدار یک لیتری آبعلی هم حدود ۲۷هزار تومان قیمت دارد. دوغ دو لیتری گرمابه‌دیده پگاه که گاز هم ندارد، با قیمت ۴۷هزار تومان به فروش می‌رسد. دوغ با سبزیجات دلال هراز ۴۷هزار تومان قیمت دارد و برای خرید دوغ نعناعی ماهشام یک و نیم لیتری باید حدود ۶۰هزار تومان بپردازید. دوغ کفیر پگاه یک لیتری ۵۰۰گرمی با قیمت ۴۳هزار تومان فروخته می‌شود و برای خرید دوغ با سبزیجات معطر دامداران یک لیتری باید ۲۹هزار تومان هزینه کنید. دوغ ترش محلی با طعم گلبر هراز دو لیتری حدود ۶۰هزار تومان قیمت دارد و دوغ گازدار تخمیری کاله نیز با قیمت حدود ۳۰هزار تومان به فروش می‌رسد. اگر طرفدار طعم بهینه در دوغ هستید، دوغ سنتی با طعم بهینه هراز یک و نیم لیتری با قیمت ۴۰هزار تومان فروخته می‌شود و دوغ نعنا و پونه کاله نیز حدود ۴۰هزار تومان قیمت دارد.

قیمت انواع خامه از ۱۷هزار تومان تا ۳۶هزار تومان

ارزان‌ترین خامه پاستوریزه موجود در بازار متعلق به برند پگاه است که یک قوطی ۱۰۰گرمی آن با قیمت ۱۷هزار تومان فروخته می‌شود. خامه کاتالونی پگاه نیز با همین قیمت به فروش می‌رسد. خامه عسلی پگاه نیز جزو ارزان‌ترین‌ها است و ۱۷هزار تومان قیمت دارد. قیمت خامه ۱۰۰گرمی دامداران حدود ۱۸هزار تومان است و برای خرید خامه شکلاتی ۱۰۰گرمی از برند شکلی باید ۱۸هزار تومان هزینه کنید. خامه کاتالونی پاک با قیمت حدود ۲۰هزار تومان فروخته می‌شود و همچنین برای خرید خامه عسلی پاک هم باید همین قدر هزینه کنید. اگر دوست دارید خامه صبحانه‌تان طعم خاصی داشته باشد، خامه عسل و گردو کاله ۱۰۰گرمی با قیمت ۲۱هزار تومان به فروش می‌رسد. کسانی که طرفدار سرشیر هستند برای خرید سرشیر سنتی ۱۰۰گرمی دامداران باید ۲۵هزار تومان هزینه کنند. ولی قیمت خامه‌های پرفروش ۲۰۰میلی‌لیتری فراداما پگاه باید ۳۳هزار تومان بپردازید. خامه صباح حدود ۳۲هزار تومان قیمت دارد و خامه ۲۰۰گرمی رامک نیز با قیمت ۳۶هزار تومان فروخته می‌شود و خامه با طعم شیره انگور پگاه ۲۰۰ گرمی حدود ۳۳هزار تومان به فروش می‌رسد.

قیمت کشک از ۲۴هزار تومان تا ۹۵هزار تومان

کشک یکی از اعضای خانواده لبنیات است که برای آشپزی استفاده می‌شود و اتفاقا جزو پرفروش‌هاست. چون هیچ کشک و بادمجان، کله جوش و آش رشته‌ای بدون کشک، طعم و مزه واقعی خودش را پیدا نمی‌کند. اگر دنبال کشک ارزان‌قیمت هستید، کشک پاستوریزه ۲۵۰گرمی کاله با قیمت ۲۴هزار تومان فروخته می‌شود. کشک رامک ۲۵۰گرمی نیز ۲۷هزار تومان قیمت دارد. کشک ۴۵۰گرمی کاله با قیمت ۴۵هزار تومان فروخته می‌شود و برای خرید کشک هراز ۶۸۰ گرمی نیز حدود ۹۵هزار تومان هزینه کنید. در بین کشک‌هایی که معرفی کردیم کشک ۴۵۰گرمی کاله که ۴۵هزار تومان قیمت دارد، جزو پرفروش‌های بازار است. کسانی که طرفدار کشک خشک پاستوریزه و به شکل ورقه‌ای هستند، می‌توانند کشک خشک از برند کشکام را خریداری کنند که با طعم‌های مختلف وارد بازار شده است. مثلا کشک خشک با طعم زیره بازی طولانی و قابلیت اتصال شمارد دسگاهی، این هدفون را به انتخابی محبوب برای استفاده در طول روز تبدیل می‌کند.

SoundCore Ra - i A3949 مدل Soundcore P2s1 با قیمت نزدیک به ۷۰۰ هزار تومان تا ۱۰ متر فاصله جواب می‌دهد و همانجا بفروشید که به درصد سود از مبلغ خریدتان برداشته خواهد شد.

اگر کماکان با وجود این اطلاعات اصرار به خرید طلای بدون اجرت دارید، توصیه حرفه‌ای‌ها این است که در طولانی‌مدت روی آن حساب کنید تا آن میزانی که جهت سود می‌پردازید، از جیبتان نرود. به‌طور متوسط اگر بخواهید روی چنین طلایی سود قابل قبولی داشته باشید، باید دو تا سه سال صبر داشته باشید.

قیمت پرفروش‌ترین پوزبندها

۱	میگل	GRC 135	دو میلیون و ۵۳۰ هزار
۲	توليپس	rc-a 442 f	چهار میلیون و ۸۲۰ هزار
۳	میگل	GRC 890	پنج میلیون و ۶۹۰ هزار
۴	گوسونیک	GRC-688	سه میلیون و ۷۸۰ هزار
۵	بیم	RC1204	سه میلیون و ۹۹۰ هزار
۶	ارشیا	SF-155-2606	دو میلیون
۷	تفال	RK7088	چهار میلیون و ۵۷۰ هزار
۸	توليپس	RC-441 F	چهار میلیون و ۲۷۰ هزار
۹	تک‌الکتریک	MC1108-18WG	دو میلیون و ۵۰ هزار
۱۰	ترام هاوس	RC-20051	چهار میلیون و ۲۰۰ هزار

قیمت انواع بارورباتک

۱	باسئوس	Bipow Pro	یک میلیون و ۹۷۵ هزار
۲	ای دیتا	T10000	۶۳۵ هزار
۳	سیلیکون‌پلور	QX55	دو میلیون و ۵۲۰ هزار
۴	ای‌دیتا	P20000QCD	یک میلیون و ۴۵۰ هزار
۵	اکسیژن	EB-P3400	یک میلیون و ۴۰ هزار
۶	شیائومی	OX-230	یک میلیون و ۴۷۰ هزار
۷	سامسونگ	Redmi PB200LZM	۷۶۰ هزار
۸	موکسوم	EB-P5300	دو میلیون و ۵۰۰ هزار
۹	اکسیژن	MX-PB53	۳۹۵ هزار
۱۰	اکسیژن	OX-140 22.5W	یک میلیون و ۵۰۰ هزار

قیمت‌های فوق حاصل بررسی میدانی گران‌ترین هفت مورد از هر گروه مختلف سطح شهر بوده است و لزوما قیمت اعلام شده از سوی نمایندگی‌های فروش برندهای فوق نیست (قیمت‌ها به تومان است).

دیجیتال

با کمتر از دو میلیون تومان کدام هندزفری را بخریم؟

وقتی برای خرید هندزفری بلوتوثی به بازار سر می‌زنید ده‌ها گزینه با قیمت‌های مختلف جلوی روی شما ردیف می‌شود. برخی از آنها برندهای شناخته شده‌ای نیستند و برخی آنقدر قدیمی هستند که ممکن است سرتان به‌نحوی کلاه برود. اما اگر دو میلیون تومان داشته باشید، کدام گزینه‌های پرفروش انتظارتان را می‌کشند؟

هدفون بلوتوثی انکر مدل Soundcore P2s1 با قیمت نزدیک به ۷۰۰ هزار تومان تا ۱۰ متر فاصله جواب می‌دهد و همانجا بفروشید که به درصد سود از مبلغ خریدتان برداشته خواهد شد.

تاریخ برگزاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و محل تحویل پاکت تضمین:

از پیشنهاد دهندگان تقاضا می گردد ؛ ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک (پاکت الف ،ب و ج) را درسامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۲ ظهر دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ بارگذاری نمایند. همچنین اصل پاکت الف با شرایط درج شده دراسناد مناقصه دریاکت لاک و مهرشده تا ساعت ۷ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق به آدرس: مشهد – انتهای بلوار وکیل آباد – نرسیده به حاشیه شاندیز –سمت راست – شرکت برق منطقه ای خراسان – به امور تدارکات و قراردادها تحویل نمایند.

تاریخ و محل گشایش پاکات:

ساعت ۹:۰۰ سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ در محل امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه ای خراسان.

* متقاضیان باید جهت ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به دفاتر پیشخوان دولت مراجعه نمایند که لیست دفاتر منتخب در سامانه ستاد (www.setadiran.ir) موجود می باشد.

* در صورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می توانند با مشاور (شرکت منیریان) به شماره ۰۵۱-۳۸۷۱۷۲۰۰ (مهندس اسکندری) یا با امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه ای خراسان به شماره ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۱۰ و فاکس ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۲۹ تماس حاصل نمایند.

* به پیشنهادها و مستندات فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* پیشنهاد دهنده موظف به ارایه تضامین معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین درمعاملات دولتی می باشد و پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتراز‌میزان مقرر، چک شخصی و نظایراَن مورد پذیرش واقع نخواهد شد.

* سایر اطلاعات و جزئیات دراسناد درج شده است.

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاههای اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

پایگاه اطلاع رسانی معاملات توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات	http:iets.mporg.ir
پایگاه اطلاع رسانی مناقصات شرکت برق منطقه ای خراسان	www.krec.ir
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد»	www.setadiran.ir

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای خراسان

۵۰۲

به هنگام ترک خانه با محل کار ، چراغ‌ها و وسایل سرمایشی را خاموش کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی یکپارچه با شماره ش /۱۸ /۱۴۰۳

شناسه آگهی : ۱۷۸۹۰۸۷

شرکت برق منطقه ای خراسان در نظر دارد عملیات خرید تجهیزات مخابراتی و عملیات سیمکشی OPGW مسیر خط پستهای بدرالتو تا تاجرم را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی یکپارچه، از طریق پیمانکاران حائز شرایط اجرا نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد	موضوع‌مناقصه	مدت اجرا	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)	محل اعتبار
۲۰۰۳۰۰۱۱۲۳۰۰۰۰۳۶	عملیات خرید تجهیزات مخابراتی و عملیات سیمکشی OPGW مسیر خط پستهای بدرالتو تا تاجرم	۱۸ ماه	۶,۳۷۶,۸۸۶,۷۵۸	منابع داخلی

* شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه:
دارا بودن گواهینامه صلاحیت معتبر پیمانکاری با حداقل پایه ۵ رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه و ظرفیت آزاد

* نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه :
مناقصه‌گران جاری شرایط می‌توانند پس از ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و بدون واریز وجه می‌توانند فایل اسناد مناقصه را بارگیری نمایند.

* تاریخ دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه :
از ساعت ۱۰:۰۰ چهار شنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ تا ساعت ۱۹ دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

* تاریخ بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و محل تحویل پاکات تضمین:
از پیشنهاد دهندگان تقاضا می گردد ؛ ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک (پاکت الف ،ب و ج) را درسامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۲ ظهر دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ بارگذاری نمایند. همچنین اصل پاکت الف با شرایط درج شده دراسناد مناقصه دریاکت لاک و مهرشده تا ساعت ۷ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق به آدرس: مشهد – انتهای بلوار وکیل آباد – نرسیده به حاشیه شاندیز –سمت راست – شرکت برق منطقه ای خراسان – به امور تدارکات و قراردادها تحویل نمایند.

* تاریخ و محل گشایش پاکات:
ساعت ۹:۰۰ سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ در محل امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه ای خراسان.

* متقاضیان باید جهت ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به دفاتر پیشخوان دولت مراجعه نمایند که لیست دفاتر منتخب در سامانه ستاد (www.setadiran.ir) موجود می باشد.

* در صورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می توانند با مشاور (شرکت منیریان) به شماره ۰۵۱-۳۸۷۱۷۲۰۰ (مهندس اسکندری) یا با امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه ای خراسان به شماره ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۱۰ و فاکس ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۲۹ تماس حاصل نمایند.

* به پیشنهادها و مستندات فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* پیشنهاد دهنده موظف به ارایه تضامین معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین درمعاملات دولتی می باشد و پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتراز‌میزان مقرر، چک شخصی و نظایراَن مورد پذیرش واقع نخواهد شد.

* سایر اطلاعات و جزئیات دراسناد درج شده است.

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاههای اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

پایگاه اطلاع رسانی معاملات توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقص

وراثت امپراتوری مرداک؛ درامی که به تازگی کلید خورد

سرنوشت میراث پدرسالار رسانه‌های آمریکا چه خواهد شد؟

روز دوشنبه، روپرت مرداک که در ۹۳ سالگی هنوز سر حال و قبراق به نظر می‌رسد، مقابل دادگاه از ماشین شخصی خود پیاده شد و درحالی که به سمت محل رسیدگی به پرونده جنجالی و پیچیده خانوادگی‌اش قدم برمی‌داشت، به سمت دوربین‌هایی که منتظر ورود او بودند، لبخند می‌زد. پشت درهای این دادگاه قرار است تکلیف آینده امپراتوری رسانه‌ای روپرت مرداک، غول و پدرسالار رسانه‌های خبری آمریکا و «تراست خانوادگی» او به ارزش ۱۹/۵میلیارد دلار مشخص شود. مرداک صاحب روزنامه‌های تایمز و سان در انگلیس است. نیویورک پست و وال استریت ژورنال در آمریکاست. به علاوه از سال ۱۹۹۶ نیز با افتتاح فاکس‌نیوز، او توانست به شبکه اصلی خبری محافظه‌کاران در آمریکا بدل شود. جالب است بدانید که دارایی‌های خالص مرداک ۲۰/۷میلیارد دلار برآورد می‌شود که ۱۹/۵میلیارد دلار آن مربوط به دو شرکت نیوز کورپ و فاکس است، شرکت‌هایی که تکلیف اداره آنها پس از مرگ روپرت مرداک در همین دادگاه مشخص خواهد شد. گفتنی است، خانواده معروف مرداک یکی از موضوعات الهام‌بخش سریال تلویزیونی بسیار محبوب «وراثت» بوده است؛ امری که مرداک‌ها همیشه از اظهارنظر درباره آن خودداری کرده‌اند اما باید اعتراف کنیم آنچه امروز در خانواده مرداک در جریان است، از آنچه در سریال درام وراثت دیدیم، جذاب‌تر است.

روپرت مرداک صاحب ۶ فرزند است. پرودنس، الیزابت، لاکلان، جیمز، گریس و کلویی ۶ فرزند و وارث مرداک بزرگ به شمار می‌روند. از آنجایی که گریس و کلویی به ترتیب ۲۲ و ۲۱ ساله‌اند، ضمن دریافت یک ششم از دارایی‌های مرداک پس از مرگ، از حق رای و مدیریت در اموال او منع شده‌اند. درباره سایر فرزندان که سن و سالی از هر کدام گذشته و اکنون همگی دهه ششم زندگی خود را سپری می‌کنند، اوضاع فرق می‌کند. در سال ۱۹۹۹ قرار بود که برنامه‌های وراثت و جانشینی مرداک، تا حد زیادی از طریق تراست خانوادگی او که مالک شرکت‌های رسانه‌ای است، حل‌وفصل شود. این موضوع شد که آقای مرداک به فرزندان بزرگ‌تر خود در شرکت‌هایش نقش‌های مختلفی بدهد. این تراست به خانواده ۸ رأی می‌دهد که آنها می‌توانند از آن برای اعمال نظر در هیات مدیره نیوز کورپ و فاکس از آن استفاده کنند. آقای مرداک در حال حاضر و تا زمان حیات کنترل ۴ رأی از این آرا را در اختیار دارد و ۴ فرزند بزرگ‌تر او هر کدام کنترل یک رأی را در دست دارند. بر اساس مقررات این تراست، قرار بود که پس از فوت آقای مرداک، آرای او به‌طور مساوی به ۴ فرزند بزرگ‌تر او منتقل شود. اما تفاوت دیدگاه، به ویژه تفاوت دیدگاه سیاسی بین فرزندان او باعث شد تا مرداک مصمم شود تا سکانداری امپراتوری خود را به دست فرزند راستگرا و محافظه‌کارتر خود یعنی لاکلان بسپارد. اتفاقی که قرار است در این دادگاه در موردش تصمیم‌گیری شود.

لازم به ذکر است، روپرت مرداک در سال ۲۰۲۳ و پیش از ازدواج پنجم خود، از اداره امپراتوری خود عقب‌نشینی کرد و ریاست نیوز کورپ را به پسر ارشد خود، لاکلان سپرد. از سوی دیگر لاکلان به عنوان مدیر عامل فاکس به کار خود ادامه داد و به طور عملی پیش از این دادگاه نیز اختیار تام در دستان لاکلان بود. او از نظر سیاسی بیشتر با پدرش هماهنگ و منطبق است و دیدگاه‌های محافظه‌کارانه، از نوع دیدگاه‌های نزدیک به ترامپ دارد. مرداک پیش از مرگ خود تصمیم گرفته که میراث خود را نه از منظر مادی مالی که از منظر ایدئولوژیک بین فرزندانش تقسیم کند. برخلاف لاکلان، سه خواهر و برادر بزرگ او شامل جیمز، الیزابت و پرودنس، بیشتر به عنوان مرکزگرا و افرادی که به گفتمان میت رامنی نزدیک‌ترند تا ترامپ، تلقی می‌شوند و می‌توانند رسانه‌های خانواده را به سمتی معتدل‌تر سوق دهند که این اتفاق مورد نظر و خوشایند مرداک بزرگ نیست. این ماجرایی است که اعضای خانواده مرداک را به دادگاه کشانده تا تکلیف سکانداری و مدیریت محتوایی ۱۹/۵ میلیارد دلار از اموال او را روشن کند. (وکس و بی‌بی‌سی)

کمیک

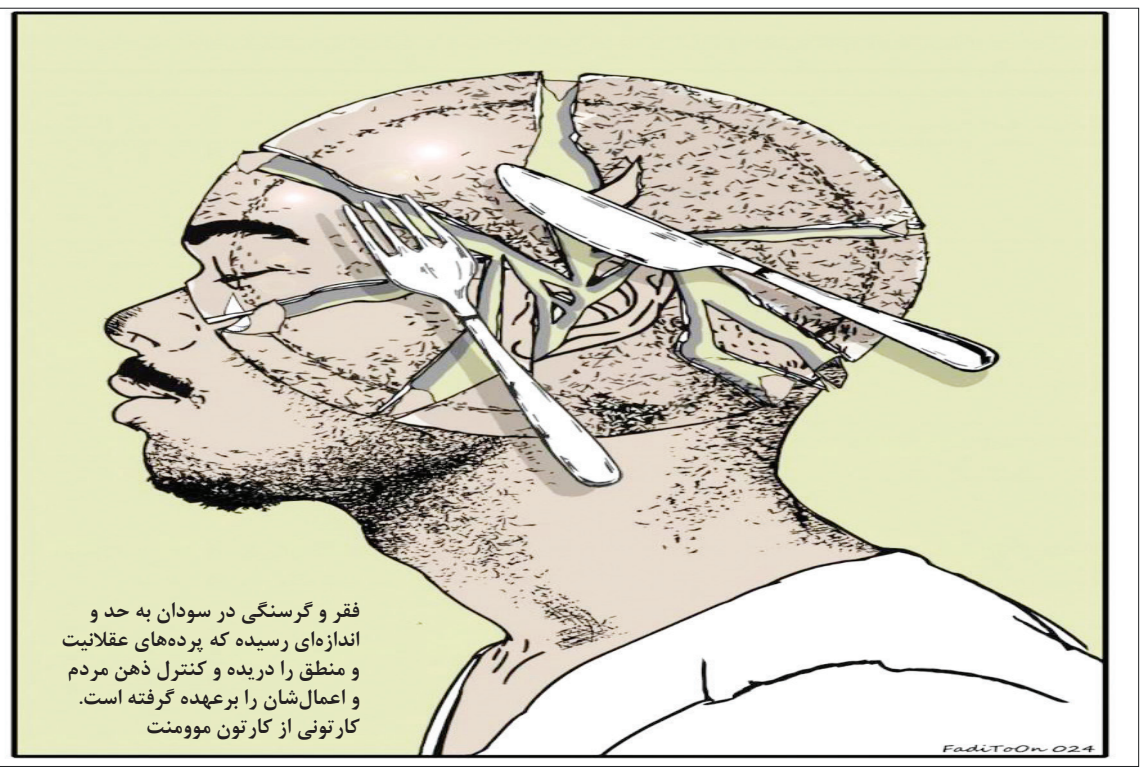

فقر و گرسنگی در سودان به حد و اندازه‌ای رسیده که پرده‌های عقلانیت و منطق را دریده و کنترل ذهن مردم و اعمال‌شان را برعهده گرفته است. کارتونی از کارتون موومنت

انتخابات

نبرد سلبریتی‌ها در رینگ انتخابات

نگاهی به حمایت و حضور چهره‌های سرشناس در کمپین‌های هریس و ترامپ

رامتین لطیفی | در انتخابات ۲۰۲۰ و رقابت تنگاتنگ جو بایدن و دونالد ترامپ، سلبریتی‌ها و چهره‌های سرشناس بسیاری از کمپین نامزد دموکرات‌ها حمایت کردند و پشت سر جو بایدن صف کشیدند. از اپرا وینفری تا جورج کلونی، از بیانسه تا تیلور سوئیفت و از لبرون جیمز تا کانر مک‌گرگور همه تا آخرین لحظه از جو بایدن حمایت کردند تا راه ورود مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید مسدود شود. پیرامون ترامپ در آن روزها خلوت بود و سلبریتی‌های اندکی از او حمایت می‌کردند. کانیه وست در عین حمایت از ترامپ، خودش نیز به عنوان نامزد در انتخابات شرکت کرد. حمایت کلینت ایستوود از دونالد ترامپ هم همواره موجب افسوس دوستداران این اسطوره سینمای آمریکا شد. در انتخابات ۲۰۲۴ اما شرایط طور دیگری رقم خورد. هرچند این چهره‌های سرشناس و مشهور، همچنان بازگشت ترامپ به کاخ سفید را کابوسی تلخ می‌دانستند اما نسبت به حمایت از بایدن در این دوره نیز سرد شده بودند و از این رو صدایی از آنها شنیده نمی‌شد. در این بین، جورج کلونی به عنوان نماینده سلبریتی‌های حامی حزب دموکرات نقش موثری در ماجرای افزایش فشار منجر بر انصراف بایدن از رقابت‌ها داشت.

حالا با نامزدی هریس و در فاصله ۴۷ روزه تا روز رای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، سلبریتی‌ها یکی پس از دیگری با حمایت از هریس و دعوت از طرفداران‌شان برای رای دادن به او، بر رونق این انتخابات می‌افزایند. پس از حمایت‌های بیانسه از هریس و اجازه استفاده از قطعه محبوب «آزادی» او در کمپین‌های هریس، ساعتی پس از مناظره هریس با ترامپ، تیلور سوئیفت با انتشار پستی از نامزدی هریس در انتخابات حمایت کرد و از رای‌اولی‌ها خواست که دست بجنبانند و برای رای به هریس آستین بالا بزنند. او این درخواست را در مراسم جوایز ویدئویی ام‌تی‌وی هم تکرار کرد که سبب شد دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی تروث بنویسد «من از تیلور سوئیفت متنفرم.» برآوردها نشان می‌دهد که حمایت سوئیفت به تنهایی موجب ثبت‌نام یک تا ۱/۲ میلیون نفر برای رای دادن در انتخابات شده است. همین امر سبب شد تا کمپین هریس برنامه‌ای را طراحی کند که این شور و حال متوقف نشود.

در تازه‌ترین خبر، بیلی آیلیش، خواننده موفق و مشهور و البته محبوب نوجوانان و جوانان آمریکایی که هم جایزه اسکار و هم جوایز گرمی متعددی را تا کنون به دست آورده است، با انتشار یک ویدئو، حمایت خود از هریس را اعلام کرد. البته بیلی در این ویدئو تنها نبود؛ فینال اوکانل، خواننده و آهنگساز محبوب نسل جوان و برادر بزرگتر بیلی نیز کنار او حضور داشت و او نیز از هریس حمایت کرد. بیلی از هواداران خود خواست تا با رای به هریس، ناجی آزادی، دموکراسی و حفظ سیاره زمین شوند. فینال نیز خطاب به هوادارانش گفت ما نباید به مشتی افراطی اجازه بدهیم که بر آزادی و آینده ما چیزه شوند. در این میان، این خواهر و برادر به هوادارانشان تاکید کردند که به سادگی از کنار این ماجرا نگذرند و مثل یک مسئله مرگ و زندگی به آن نگاه کنند. رابرت دنیرو، جورج کلونی، مارک رافالو، آلن دیجنرس، اپرا وینفری، اسپایک لی، جف بریجز، پینک، جی‌جی آبرامز، جنیفر لوپز و بسیاری دیگر از چهره‌ها تاکنون به طور رسمی از نامزدی هریس در این انتخابات حمایت کرده‌اند.

در سمت مقابل و در کمپین انتخاباتی ترامپ، از تعدد این چهره‌ها خبری نیست. مهمترین و نامی‌ترین حامی ترامپ در این انتخابات ایلان ماسک است. ماسک که به‌طور پنهانی در حال کمک مالی به کمپین ترامپ بود، پس از انتشار خبر و عکس‌های اولین سوءقصد به ترامپ در پنسیلوانیا که منجر به زخمی شدن او شد، حمایت خود از ترامپ را علنی کرد. ماسک ۱۹۷ میلیون دنبال‌کننده در شبکه اجتماعی ایکس دارد و به عنوان مالک این پلتفرم می‌تواند کمک‌های بسیاری به ترامپ در این انتخابات بکند اما تا اینجای کار، به دلیل دامن زدن به شایعه سرقت و سلاخی حیوانات خانگی توسط مهاجران و خوردن آن‌ها به عنوان غذا که سبب شد ترامپ این مطلب را در مناظره بازگو کند و موجب سرافکندگی او شود، ماسک بیشترین ضرر را به کمپین ترامپ زده است. از حامیان قابل ذکر دیگر ترامپ، می‌توان به هالک هوگان، کشتی‌گیر آزاد و مسن آمریکایی اشاره کرد که با سبیل‌های مشهورش در اذهان ماندگار شده است. حمایت‌های او از ترامپ با زبان نه‌چندان مناسب و به کارگیری اصطلاحاتی که ورد زبان اوباش و خلافکاران است، بیش از آنکه به ترامپ کمک کند، موجب دوری افراد مردد از او شده است. در نهایت هم می‌توان به پاتریک میهومز، فوتبالیست مشهور و محبوب و البته سیاه‌پوست آمریکایی از ترامپ اشاره کرد. علاقه شدید او به مسائل مذهبی سبب نزدیکی ترامپ و او شده است. یکی از دلایل نزدیکی میهومز به گفتمان ترامپ، تاکید او به تشکیل خانواده و فرزندآوری است.

گفتنی است میهومز به طور متوسط هر ۱۸ ماه صاحب یک فرزند می‌شود. اگرچه او ورزشکار محبوبی است اما تعصبات مذهبی او مانع از آن می‌شود که آرا و نظراتش نفوذ قابل توجهی در ذهن و دل رای‌دهندگان داشته باشد. با توجه به جمیع جوانب، تا اینجای کار باید بگوییم دونالد ترامپ رقابت حمایت افراد مشهور از نامزدهای انتخابات را به کاملا هریس باخته است. باید منتظر ماند و دید آیا این تلاش‌ها برای ترغیب بیشتر افراد به حضور در انتخابات، به پیروزی هریس منجر می‌شود یا خیر.

کیوسک

گاردین انگلیس در تیتر یک خود به ماجرای انفجار پیجرها در لبنان پرداخت و از قول حزب‌الله نوشت که اسرائیل منتظر پاسخ این عملیات باشد.

وال استریت ژورنال، عکس و تیتر یک خود را به ابرماه جذاب و پرشکوه روز گذشته اختصاص داد که نظر بسیاری از مردم را به خود جلب کرده بود.

سایت‌نگار

مجمع عمومی سازمان ملل پایان اشغالگری اسرائیل بر سرزمین‌های فلسطینی را به رای می‌گذارد

کشورهای عضو سازمان ملل روز چهارشنبه برای رای دادن به قطعنامه‌ای که در آن لزوم پایان اشغالگری اسرائیل بر سرزمین‌های فلسطینی ظرف یک مهلت ۱۲ ماهه مورد تاکید قرار گرفته، در نشست مجمع عمومی گردهم می‌آیند. متن این قطعنامه غیر الزام‌آور که اسرائیل می‌گوید در صورت تصویب به تشدید خشونت‌ها دامن می‌زند، براساس نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری تهیه شده که به موجب آن اشغالگری اسرائیل از سال ۱۹۶۷ به این سو «غیرقانونی» است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود به درخواست مجمع عمومی سازمان ملل، آورده است: «اسرائیل موظف است هرچه سریع‌تر به حضور غیرقانونی خود در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی پایان دهد.» همزمان با صدور این رای مشورتی شماری از کشورهای عربی چند روز پیش از برگزاری نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل با حضور سران کشورهای عضو، خواستار برپایی یک جلسه ویژه برای رای دادن به این قطعنامه در مجمع شدند. پیش‌نویس قطعنامه‌ای که قرار است ساعت ۱۵ روز چهارشنبه به وقت گرینویچ به رأی گذاشته شود، «از اسرائیل می‌خواهد که حضور غیرقانونی خود در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی را بدون تأخیر پایان دهد» و این کار را «حداکثر ظرف ۱۲ ماه پس از تصویب قطعنامه» انجام دهد. (یورونیوز)

اینستاگرام برای کاربران نوجوان محدودیت‌های جدید می‌گذارد و به والدین اجازه کنترل می‌دهد

به زودی اینستاگرام قصد دارد تنظیمات تمام کسانی که خود را زیر ۱۸ سال معرفی کرده‌اند، به حالت خصوصی تغییر دهد. در این تنظیمات، دارنده حساب کاربری باید دنبال‌کنندگان جدیدش را تایید کند. این ویژگی جدید اینستاگرام به طور خودکار تنظیمات خصوصی و کنترل‌های محتوای سخت‌گیرانه‌تری را بر حساب‌های نوجوانان اعمال می‌کند و از این پس، تنها با افرادی که آن‌ها دنبال می‌کنند یا از قبل با آنها در ارتباط هستند، قادر به ارسال پیام خواهند بود. مطابق این تغییرات تازه، کاربران زیر ۱۶ سال فقط با اجازه والدین می‌توانند تنظیمات پیش‌فرض را تغییر دهند. همچنین والدین مجموعه‌ای از تنظیمات را دریافت خواهند کرد تا نظارت کنند که فرزندانشان با چه کسانی در ارتباط بوده‌اند یا بتوانند مدت استفاده آنها از این شبکه اجتماعی را محدود کنند. علاوه بر این، اینستاگرام اعلام کرده که در حساب‌های کاربری نوجوانان، از ساعت ۱۰ شب تا ۷ صبح، تمامی نوتیفیکیشن‌ها را متوقف می‌کند. همچنین براساس این ویژگی، پس از گذشت ۶۰ دقیقه از استفاده از این برنامه، اینستاگرام به کاربران نوجوان یادآوری می‌کند که زمانی را برای استراحت اختصاص دهند. متا، شرکت مادر اینستاگرام، فیسبوک و واتساپ، گفته این تغییرات به تدریج در دو ماه آینده در ایالات متحده، کانادا، بریتانیا و استرالیا اجرا خواهد شد. همچنین این تغییرات تا ژانویه سال آینده در سایر پلتفرم‌های متا نیز اجرایی می‌شود. (بی‌بی‌سی)

درز پیش‌نویس طرح اتحادیه اروپا: استعمال دخانیات در تراس کافه‌ها و رستوران‌ها ممنوع می‌شود

طبق سند فاش‌شده‌ای که یورونیوز نسخه‌ای از آن را به دست آورده است، کمیسیون اروپا قرار است طرحی را پیشنهاد کند که به موجب آن استعمال دخانیات (شامل سیگار الکترونیکی) در تراس کافه‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس و باغ‌وحش‌ها ممنوع می‌شود. اساس این طرح، کمیسیون اروپا پیشنهاد خواهد کرد که ممنوعیت استعمال دخانیات به محصولات نوآورانه‌ای که حاوی نیکوتین نیستند نیز گسترش یابد. این طرح تازه که قرار است روز سه‌شنبه توسط اجرایی اتحادیه اروپا تصویب شود، دستورالعمل‌های سال ۲۰۰۹ در خصوص کاهش دودهای مضر در مکان‌های عمومی، محل‌های کار و حمل‌ونقل عمومی را به روزرسانی کرده است. مطابق آخرین نسخه پیش‌نویس که توسط یورونیوز دیده شده و البته هنوز در معرض تغییر است، مقامات کمیسیون اروپا به دنبال پاکسازی فضاهای عمومی از همه ذرات مضر معلق در هوا و نه فقط دود سیگار، هستند. تصمیمی که منعکس‌کننده نگرانی‌های فزاینده در مورد خطرات سلامتی ناشی از محصولات جدید مبتنی بر تنباکو مانند سیگارهای الکترونیکی است. این دستورالعمل‌ها از نظر قانونی الزام‌آور نیستند، اما چارچوبی را ارائه می‌دهند که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تلاش‌ها برای مهار سرطان‌های مرتبط با استعمال دخانیات را شدت بخشند. هدف توصیه‌های جدید کمیسیون، مقابله با طیف وسیع‌تری از محصولات نوظهور از جمله «محصولات تنباکوی گرم و سیگارهای الکترونیکی، چه حاوی نیکوتین و چه بدون نیکوتین» است. سند فاش‌شده نشان می‌دهد کمیسیون می‌خواهد این ممنوعیت به همین ترتیب «جایگزین‌های تنباکو و هر محصول دیگری که دود یا آئروسل (ذرات معلق در هوا) پخش می‌کند» را نیز شامل شود.

در سند پیشنهادی آمده است این محصولات که اغلب به عنوان جایگزین‌های ایمن‌تر برای سیگار کشیدن سنتی به بازار عرضه می‌شوند، هنوز هم از طریق هواپخش‌های درجه ۲ اطرافیان را در معرض مواد شیمیایی مضر قرار می‌دهند. یکی از بندهای کلیدی پیشنهادات تازه، گسترش ممنوعیت استعمال دخانیات به مکان‌های فضای باز است که تاکنون مورد به مورد در برخی از کشورهای عضو تصویب و اجرایی شده است. بر اساس دستورالعمل‌های جدید، مناطق روباز، نیمه سرپوشیده یا محصور مانند پشت بام‌ها، بالکن‌ها، ایوان‌ها و تراس‌ها در مؤسسات خدماتی مانند رستوران‌ها، بارها و کافه‌ها باید به مکان‌های بدون دود تبدیل شوند. مراکز حمل‌ونقل عمومی از جمله ایستگاه‌های اتوبوس و فرودگاه‌ها نیز تحت پوشش قرار خواهند گرفت و سیگار کشیدن در مناطق بیرونی مرتبط با محل کار، بیمارستان‌ها و خانه‌های سالمندان نیز ممنوع خواهد بود. مناطق تفریحی که کودکان در آن‌ها حضور دارند از جمله زمین‌های بازی عمومی، پارک‌های تفریحی، استخرهای شنا، باغ وحش‌ها و همچنین مکان‌های آموزشی از مهدکودک و پیش‌دبستانی تا دانشگاه نیز مشمول این طرح می‌شوند. (یورونیوز)

گاردین: طالبان به دلیل نگرانی از افشا شدن محل زندگی ملاهبت‌الله، واکسیناسیون فلج اطفال را تعلیق کرده‌اند

دو روز پیش، اعلام شد که طالبان در اقدامی جنجالی دیگر و بدون ارائه دلیل، کارزار تطبیق خانه به خانه واکسن فلج اطفال را متوقف کرده‌اند. آنچه نگرانی کارمندان بخش بهداشت را درپی داشت و هشدار دادند که تعلیق این کارزار، می‌تواند تمام کشور را با خطر روبه‌رو کند. اینک، روزنامه گاردین به نقل از یک منبع آگاه بخش بهداشت افغانستان و به شرط افشا نشدن هویت خود، گفته دلیل اصلی تعلیق موقت این کارزار، مسئله «امنیتی» است. در گزارش گاردین آمده است: یکی از دلایل توقف کارزار خانه به خانه، امنیت بود؛ در جنوب، به ویژه در قندهار، جایی که رهبر طالبان زندگی می‌کند. آنان (طالبان) نگران هستند که کارزار می‌تواند موقعیت آنان را در معرض تهدیدهای خارجی، قرار دهد. در کنار این، حضور کارمندان زن در کارزار خانه به خانه تطبیق واکسن فلج اطفال، یکی دیگر از دلایل تعلیق این کارزار گفته شده است. پیش از این، گزارش شده بود که استخبارات آمریکا برای شناسایی و هدف قرار دادن پناهگاه‌های تروریست‌ها، از کارزار جعلی واکسیناسیون، استفاده کرده‌اند. حتی گفته شده که برای هدف قرار دادن اسامه بن لادن، رهبر پیشین شبکه القاعده نیز از این شیوه کار گرفته شده است. با این حال، یک کارمند بخش صحی در جنوب افغانستان می‌گوید کارزار خانه به خانه تطبیق واکسن فلج اطفال در قندهار، زادگاه طالبان و مکان زندگی رهبر کنونی این گروه، از سال‌ها پیش متوقف شده است. (رادیو فرانسه)

حادثه روز

طراح پیام‌رسان جهانی محبوب مجرمان و تبهکاران در استرالیا دستگیر شد

یک برنامه‌نویس کارکشته ۳۲ ساله رایانه به ظن طراحی پیام‌رسان رمزگذاری شده‌ای که مجرمان در سراسر جهان برای مدیریت قاچاق مواد مخدر، پولشویی یا قتل از آن استفاده می‌کنند، در استرالیا بازداشت شد. نیروهای امنیتی استرالیا روز چهارشنبه اعلام کردند که دستگیری این فرد نتیجه همکاری پلیس در ۹ کشور دیگر بوده است. پلیس فدرال استرالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این برنامه کاربردی با نام «شبح» (Ghost) که نوعی نرم‌افزار وب‌نوشت رمزگذاری شده است و بنا به ادعای طراح آن قابل هک کردن نیست، توسط صدها مجرم و تبهکار در اروپا، خاورمیانه و آسیا مورد استفاده قرار گرفته است.» البته به رغم ادعای طراح این برنامه در خصوص غیرقابل هک بودن آن، ماموران پلیس در سراسر جهان طی دو سال گذشته ضمن هک این شبکه، کاربران آن را حین گفتگو و تبادل اطلاعات درباره قاچاق مواد مخدر، پولشویی، قتل و دیگر جرائم خشونت‌آمیز رصد می‌کردند. معاون کمیسر پلیس فدرال استرالیا می‌گوید طراح برنامه کاربردی شبح که یک جوان استرالیایی است هنگام دستگیری «کمی متعجب» به نظر می‌رسید. این فرد مظنون که نامی از وی برده شده در خانه والدینش در ایالت نیو ساوت ولز زندگی می‌کرد و تا پیش از دستگیری سابقه کیفری نداشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، وی به ارتکاب پنج جرم متهم شده که مجازات سنگین‌ترین آنها تحمل ۱۰ سال زندان است. (یورونیوز)

یلوزون

جنجال در بریتانیا به دلیل لباس اهدایی به همسر نخست‌وزیر

لرد علی، حامی مشهور و ثروتمند حزب کارگر به سیاق مرسوم خود، لباس‌هایی را به عنوان هدیه به ویکتوریا، همسر کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر جدید بریتانیا داده بود که این هدایا پس از گذشت ۲۸ روز به ثبت نرسیدند و همین امر باعث شد جنجال‌هایی در رسانه‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی بریتانیا به راه بیفتد. طبق قانون، نمایندگان پارلمان ملزم‌اند هدایای اهدایی را ظرف ۲۸ روز پس از دریافت، اعلام کنند. لرد علی، که مرتب هدایایی به رهبر حزب کارگر اهدا کرده است، در مرکز مناقشه قرار دارد. در ماه اوت مشخص شد که او بدون داشتن پست رسمی دولتی، کارت امنیتی موقت دفتر نخست‌وزیری را دریافت کرده بود. این مدیر تلویزیونی، لباس‌ها و عینک‌هایی هم برای کی‌یر استارمر خریده بود که در فهرست مزایای نمایندگان مجلس ثبت شده است. استارمر اعلام کرده است که لرد علی محلی برای اقامت چند هفته‌ای او فراهم کرده بود که بیش از ۲۰ هزار پوند هزینه داشته است. اندرو گریفیث، نماینده محافظه‌کار پارلمان، در واکنش به این موضوع گفت: «باور کردنی نیست نخست‌وزیر فکر می‌کند پذیرفتنی است که بازنشستگان با درآمد سالانه ۱۳ هزار پوند استطاعت گرم کردن خانه‌هایشان را دارند، در حالی که او ۱۲ برابر درآمد دارد اما ظاهرا استطاعت تامین لباس خودش و همسرش را ندارد.» گفتنی است استارمر بیش از ۳ میلیون پوند ثروت دارد. (ایندیپندنت)

آخر هفته

داستان استادیوم‌ها: از امجدیه تا قلعه حسن‌خان
تاریخ ورزشگاه‌ها در ایران؛ چه شد که به بحران زمین فوتبال رسیدیم؟ صفحه ۱۰

سینمای ایران در مشت آنهاست
رده‌بندی ده بازیگر کمدی سینما و سریال‌های خانگی صفحه ۱۳

حرف‌های داغ هفته

کیانوش عیاری

من با آقای دولت‌آبادی صحبت کردم تا با اقتباس از «کلیدر» اثری بنویسیم و ایشان هم موافقت کرد اما تهیه‌کننده از نظر مالی با آقای دولت‌آبادی به توافق نرسیدند. یک‌بار هم مدت‌ها قبل «وقتی جای خالی سلوچ» را خواندم خوشم آمد و خواستم بخش لوک مست را بسازم، ایده را با دولت‌آبادی مطرح کردم و قول دادم نظر ایشان برآورده می‌شود، ایشان هم پذیرفتند اما راستش بعدا، از ساختن آن ترسیدم و وارد ساختن آن نشدم... با اولین اثرم «تنوره دیو» عاشق سینما شدم و در دوره نوجوانی که دروازه‌بان بودم هیچگاه فکر نمی‌کردم چیزی بتواند من را از فوتبال جدا کند اما سینما این کار را انجام داد.

پاسداشت فرهنگی روز سینما
۲۵ شهریور

رضا کیانیان

سینما ریگ ته جوی است. آمده و هرگز نمی‌رود؛ خواهد ماند. هیچ دولتی در طول تاریخ نتوانسته هنر را برای همیشه خفه کند یا یک شکل کند. قدرتمندترینش شوروی سوسیالیستی با آن مرد سبیلوی گردن کلفت بود. کجایند؟ رفته‌اند! همه رفتنی هستیم؛ اما هنر هرگز نمی‌رود. چون با تولد هر کودک دوباره متولد می‌شود، دوباره خلق می‌شود، دوباره خلاقیت‌اش را از سر می‌گیرد. هنر تا انسان هست، ماندنی است. حالا وزیر دیگری، وزیر وفاق ملی آمده. ما هم که متعلق به ریگ‌های ته جوی هستیم و منتظریم ببینیم چه می‌کند. برای آبروی سینمای پرافتخارمان اهمیتی قائل است یا نه؟ در را به همان پاشنه کاپشن‌پوش قبلی می‌چرخاند یا نه؟

روزنامه اعتماد
۲۴ شهریور

ستاره اسکندری

به واسطه جشنواره مد و لباس با منطقه بلوچستان آشنا شدم و دیدم درباره این خطه با وجود گستردگی آن چقدر کم می‌دانم. متاسفانه فرهنگ غنی آن مهجور مانده است. در شروع فعالیت‌هایمان، ابتدا منطقه آزاد چابهار اولین حامی ما بود. ما با همراهی سیاوش ستاری اولین ماشین «خیمه شب‌بازی» را آنجا بردیم و ۴۰۰ اجرا در مناطق گوناگون داشتیم. بعد از آن در دوران کرونا، آموزش‌های بهداشتی برای کودکان را به انجام رساندیم و بعدها اولین فیلم سینمایی ایرانی را به زبان بلوچی ساختم. البته فیلم «خورشید آن ماه» کمتر در ایران دیده شد ولی خوشحالم که در آن تصویر واقعی از این قوم منعکس شد.

ایسنا
۲۴ شهریور

ابوالحسن داوودی

امکان فیلمسازی برای کسی که بخواهد زیرزمینی کار کند بسیار راحت‌تر از پیش شده است. فیلمسازی که ببیند در داخل ایران با محدودیت‌های زیادی مواجه است، طرف این قضیه می‌رود که رابطه بینابین دولت و هنرمند را کنار بگذارد و سراغ شرایطی برود که فیلمش را بدون هیچگونه محدودیتی تولید کند. زمانی اگر فیلمی به هر شکلی خارج از محدوده‌های قانونی ساخته می‌شد امکان خروج آن از کشور بسیار مشکل بود اما در حال حاضر با یک آپلود فیلم به‌سادگی آن را برای جشنواره‌های خارجی ارسال می‌کنند. اولین قدم دولت جدید باید این باشد که سینماگران قهرکرده را برگرداند و شکل نظارت باید به‌طور اساسی بازنگری شود.

خبرگزاری مهر
۲۵ شهریور

محیا دهقانی

من با سروش محمدزاده آشنایی کاری داشتم و پیش از این در سریال «هم‌بازی» با ایشان کار کرده بودم و دوست داشتم یک بار دیگر نیز این همکاری خوب را تجربه کنم. زمانی که اولین بار فیلمنامه «غریبه» را خواندم، نقش دیگری به من پیشنهاد شده بود ولی محمدزاده دست مرا برای انتخاب نقش باز گذاشت و من ترجیح دادم راحله را انتخاب کنم. کاراکتر یک دختر سنتی که در خانواده‌ای با همین شرایط بزرگ شده و دغدغه‌هایش برایم بامزه‌تر بود. به نظرم نقش‌های دیگر را در آثار دیگر هم می‌شود بازی کرد ولی این شخصیت‌ها کمتر پیشنهاد می‌شود و سعی کردم این نقش را از دست ندهم.

تسنیم
۲۶ شهریور

چهره هفته

بانوی خوش‌خنده

این روزها الیکا عبدالرزاقی بار دیگر محل توجه است؛ بازیگری که با نقش‌های کمدی چهره شد و در آثار مهران مدیری به محبوبیت رسید. او البته نقش‌های جدی را هم تجربه کرده است که شاخص‌ترین نمونه متاخر آن به سریال تلویزیونی «برف بی‌صدا می‌بارد» برمی‌گردد. طبق خبرها عبدالرزاقی یکی از بازیگران «سلمان فارسی» هم هست و احتمالا وجهی دیگر از توانایی او در همکاری با داوود میرباقری بروز یافته. دو سال دیگر سریال روی آنتن می‌رود. الیکا عبدالرزاقی یکی از شرکت‌کنندگان «جوکر» بانوان است که از قضا اولین کارت زرد و کارت قرمز این مسابقه را دریافت کرد. او حضوری موفق در جمع بانوان دارد و با رفتار و گفتار خود یک دل سیر مخاطبان را خندانده. این بازیگر در قسمت قبل «جوکر» چهره‌اش را دگرگون کرد و برای خنداندن ابایی از «زشت شدن» نداشت! همانطور که در قسمت آخر «شباهنگی» عنوان کرد جنبه‌اش بالاست و از انتقاد هراس ندارد. این برنامه که فصل جدید آن در فیلم‌نت به پایان رسید، نتوانست نظرها را جلب کند. با این همه عبدالرزاقی همه تلاش خود را برای خلق لحظاتی شاد انجام داد. پیش‌تر هم در مسابقه «اسکار» یکی از شرکت‌کنندگان بامزه لقب گرفته بود.

الیکا عبدالرزاقی

این فیلم‌ها را ببینید

غریب / پنجشنبه / ساعت ۸ / شبکه دو

- کارگردان: محمدحسین لطیفی
- تهیه‌کننده: حامد عنقا
- نویسنده: حامد عنقا
- بازیگران: بابک حمیدیان، پردیس پورعابدینی، رحیم نوروزی، حسام محمودی
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

یکی از فیلم‌های پرواکنش در سال‌های اخیر که با محوریت شهدای شاخص جنگ به تولید رسید، همین فیلم محمدحسین لطیفی بود. فیلمی که بابک حمیدیان در نقش شهید بروجردی در آن درخشیده است. این فیلم روایت بخشی از زندگی شهید محمد بروجردی در کردستان و شیوه فرماندهی منحصر به فرد او در اتحاد مردم و رفع شرایط بحران پرداخته است. در سال ۱۳۵۸ با آغاز ناآرامی‌ها در کردستان به دست احزاب کومله و دموکرات، محمد بروجردی از طرف امام مأموریت می‌یابد تا به‌عنوان فرمانده سپاه کردستان وضعیت را به حالت عادی بازگرداند.

هوگو / پنجشنبه / ساعت ۱۵ / شبکه سه

- کارگردان: مارتین اسکورسیزی
- تهیه‌کننده: جانی دپ
- نویسنده: جان لوگان
- بازیگران: آسا باترفیلد، ساشا بارون کوهن و بن کینگزلی
- محصول: آمریکا / ۲۰۱۱

این فیلم خیال‌انگیز و پرهیجان درباره هوگو پسر نوجوانی است که در یکی از ساعت‌های قدیمی ایستگاه راه‌آهن زندگی می‌کند. او بعد از، از دست دادن پدرش به تنهایی و با جدیت به تعمیر ماشین مکانیکیِ پدرش که قدرت نوشتن دارد، می‌پردازد. در همین مسیر با ایزابل، فرزندخوانده پدربزرگش آشنا می‌شود. کمک‌های ایزابل به هوگو موجب می‌شود تا از طریق ماشین مکانیکی متوجه تاریخچه و سرگذشت زندگی پدربزرگ خود شود. حضور هوگو در زندگی پدربزرگش موجب بازگشت دوباره او به خاطرات تلخ گذشته می‌شود. هوگو به او یادآور می‌شود....

لیلی با من است / شنبه / ساعت ۲۱ / شبکه نمایش

- کارگردان: کمال تبریزی
- تهیه‌کننده: سعید حاجی‌میری
- فیلمنامه: رضا مقصودی
- بازیگران: پرویز پرستویی، محمود عزیزی، شهره لرستانی
- محصول: ایران / ۱۳۷۵

یکی از آثار پیشگام سینمای ایران در زمینه شوخی با مضامین مرتبط با دفاع مقدس همین فیلم «لیلی با من است» بود. فیلمی که کمال تبریزی با فیلمنامه‌ای از رضا مقصودی آن را کارگردانی کرد و سیمرغ بهترین فیلمنامه فجر هم به نامش ثبت شد. فیلم درباره صادق مشکینی فیلمبردار تلویزیون است که از جبهه و جنگ می‌ترسد و برای اینکه بتواند از صندوق قرض‌الحسنه وام بگیرد تا خانه‌اش را تکمیل کند، باید برای فیلمبرداری از اسرای عراقی به منطقه جنگی برود. او برای اینکه پایش به جبهه نرسد حوادث جالبی را رقم می‌زند.

پیشنهاد ویژه هفته

سریال «بازنده» | فیلیمو

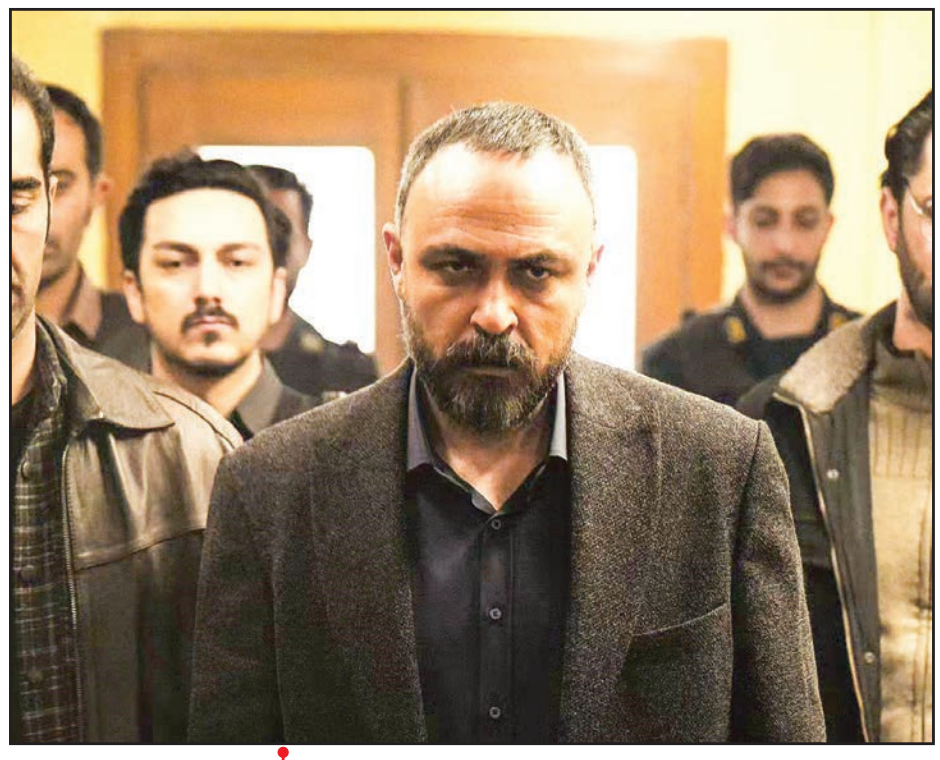

نمای کلی

- کارگردان: امین حسین‌پور
- نویسنده: امین حسین‌پور
- تهیه‌کننده: احسان ظلی‌پور
- بازیگران: علیرضا کمالی، سارا بهرامی، صابر ابر، صدف اسپهبدی، رویا جاویدنیا، پیمان قاسم‌خانی
- محصول: ایران / ۱۴۰۳
- زبان: فارسی
- زمان: ۶۰ دقیقه

درباره فیلم

«باران مدتی است به دلیل افسردگی به صورت مخفیانه دور از چشمان همسرش با روانپزشک اتابک مسعودی دیدار می‌کند اما اینبار اتفاق عجیبی برای او افتاده که از دکترش می‌خواهد برای کمک به دیدارش بیاید...» اشتباه نکنید، این خلاصه داستان ارتباطی با سریال «بازنده» که قصد پیشنهاد آن را داریم، ندارد. ماجرایی که خواندید، خلاصه داستان یکی از متفاوت‌ترین سریال‌های تولید و عرضه‌شده در شبکه خانگی است که به دلیل فرم متفاوتش، کمتر مورد توجه قرار گرفت. «درمانگر» مینی‌سریالی بود که هر قسمت از آن تنها ۱۰ دقیقه بود و همین انتخاب متفاوت آن را به روایتی خاص تبدیل کرده بود. امین حسین‌پور آن سریال را با بازی سارا بهرامی ساخته بود و حالا در دومین تجربه مهم سریال‌سازی خود، «بازنده» را با ترکیب خاص بازیگرانش، به پخش رسانده است.

درباره داستان

امین حسین‌پور در تجربه قبلی خود هم ثابت کرده بود علاقه ویژه‌ای به روایت‌های معمایی و جنایی دارد. او حالا می‌خواهد جایگاه خود را در عرصه ساخت سریال‌های جنایی تثبیت کند و احتمالا به همین پشتوانه هم وعده داده است: «منتظر یک پایان شوکه‌کننده و عجیب و غریب از بازنده باشید.» او همچنین تأکید کرده است: «ما پلیس‌های متفاوتی را ارائه داده‌ایم و سعی کردیم کاراکترهایی بسازیم که مردم دوستشان داشته باشند.» به دلیل معمایی بودن داستان و حفظ جذابیت آن برای مخاطبان، اطلاعات دقیقی درباره سریال بازنده منتشر نشده ولی خلاصه داستان آن آمده است: کارآگاه کیانی، درگیر پرونده‌ای پیچیده می‌شود که رازهای بزرگی از یک خانواده را برملا می‌کند. آنطور که پیداست ما با سریالی جنایی و رازآلود طرفیم که قرار است یک پلیس، راز این ماجرا را کشف کند.

درباره نقدها

تجربه استقبال از سریال‌های مختلف خانگی تا به امروز این واقعیت را ثابت کرده است که هرچند ترکیب چهره‌های حاضر در یک پروژه، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند متضمن استقبال مخاطب از آن باشد اما اصلی‌ترین قلاب سریال‌های موفق برای همراه کردن مخاطبان در همان گام‌های اولیه پخش، فهرست چهره‌های آن است. برهمین اساس هم می‌توان سریال «بازنده» را یکی از موردانتظارترین سریال‌های خانگی دانست که ترکیب کنجکاوی‌برانگیزی از بازیگران در آن ایفای نقش کرده‌اند. اصلی‌ترین چهره حاضر در این سریال هم علیرضا کمالی است که سال گذشته با درخشش در نقش «رضا پروانه» تبدیل به یکی از ستاره‌های «پوست شیر» شد. حالا او ستاره اصلی سریال «بازنده» است. حضور صابر ابر و سارا بهرامی را هم حتما باید از امتیازات سریال دانست اما چهره کنجکاوی‌برانگیز این سریال، بی‌شک پیمان قاسم‌خانی است.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۲۹ شهریور
فیلمسازی / ساعت ۱۳
در جستجوی خوشبختی / ساعت ۱۵
شیلات / ساعت ۱۷
هوگو / ساعت ۱۹
یک ببر / ساعت ۲۱
هیچکس / ساعت ۲۳
جمعه ۳۰ شهریور
جونیور بانر / ساعت ۱
آقای لازار / ساعت ۱۵
هوک / ساعت ۱۷
جامه قهرمانی / ساعت ۱۹

شبکه یک
پنجشنبه ۲۹ شهریور
اتهام / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه ۳۰ شهریور
پسر رمز ارزی / ۳۰ دقیقه بامداد
غریب / ساعت ۱۶

شبکه دو
جمعه ۳۰ شهریور
سکسکه / ساعت ۲:۲۵

شبکه سه
پنجشنبه ۳۹ شهریور
اخراجی‌ها / ساعت ۱۰
جمعه ۳۰ شهریور
ارتش دزدها / ساعت ۴۵ دقیقه بامداد
اخراجی‌ها۲ / ساعت ۸:۳۰
زرگ‌ترین هوادار / ساعت ۱۴:۴۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۲۹ شهریور
ملوان من، عشق من / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه ۳۰ شهریور
رادیکال / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۲۹ شهریور
دیزی کوئوکا / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۳۰ شهریور
در جستجوی دری / ساعت ۹
بچه پرحرف / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۲۹ شهریور
ژی در مسیر رالی / ساعت ۱۴
جمعه ۳۰ شهریور
داستان اسباب‌بازی ۴ / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۲۹ شهریور
دنیای ژوراسیک / ساعت ۱۸
جمعه ۳۰ شهریور
پرواز پیالی / ساعت ۱۸

شبکه افق
جمعه ۳۰ شهریور
اخاذی / ساعت ۱۰
خانه‌ای کنار ابرها / ساعت ۱۷

شبکه سلامت
جمعه ۳۰ شهریور
پنجاه درصد زندگی / ساعت ۱۱

عکس هفته

پرواز ببعی بر فراز سینما

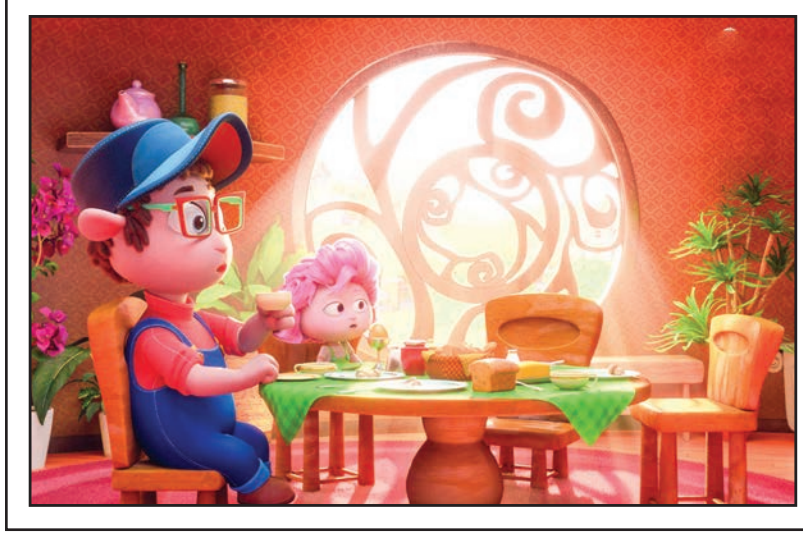

انیمیشن سینمایی «ببعی قهرمان» به کارگردانی حسین صفارزادگان و میثم حسینی و تهیه‌کنندگی محمدمهدی مشکوری از ۴ مهرماه در سینماها روی پرده می‌رود. در آستانه اکران سراسری «ببعی قهرمان»، از پوستر این انیمیشن سینمایی با طراحی میکائیل براتی رونمایی شد. این انیمیشن سینمایی که پیش‌تر نسخه سریال آن مورد توجه ویژه قرار گرفته بود، با تکنیک سه بعدی طراحی و ساخته شده است. انیمیشن سینمایی «ببعی قهرمان» سعی دارد تا مخاطب خود را به باور مفهوم «خواستن توانستن است» برساند. این انیمیشن سینمایی که با آغاز اکران‌های بین‌المللی خود راهی کشورهای آذربایجان و قزاقستان شد، محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که با مشارکت مؤسسه «قاب رؤیا» و همکاری شرکت رایمون مدیا تولید شده است. «ببعی قهرمان» پیش از این در چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر دیپلم افتخار بهترین انیمیشن را از آن خود کرده بود.

ترین‌های هفته

آغاز هفته | بازگشت فصل سوم بگو بخند

پخش فصل جدید برنامه «بگو بخند» از ۳۰ شهریور در شبکه نسیم شروع می‌شود. این مسابقه استعدادیابی که در رشته‌های موسیقی، تئاتر، شعر، استندآپ و... برگزار می‌شود، با یک ویژه‌برنامه به مناسبت میلاد پیامبر (ص) و همچنین بازگشایی مدارس جمعه ۳۰ شهریور ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود. شهرام شکیبا، شهاب عباسی و نعیمه نظام‌دوست مانند فصل گذشته داوران این مسابقه هستند و نصرالله رادش بازیگر سینما و تلویزیون نیز به جمع آنها اضافه شده است. از جمله تفاوت‌های فصل سوم «بگو بخند» اینکه میزبان شرکت‌کنندگانی از کشورهای گوناگون مانند کره‌جنوبی، سنگال، نیجریه، افغانستان و... شده است.

پایان باز هفته | معمای اسکار

ایرنا نوشت: در فاصله کمتر از ۲ هفته تا پایان مهلت کشورها برای معرفی نماینده خود به اسکار ۲۰۲۵، سینمای ایران با وجود نامزدهای استاندارد محدود، هنوز نماینده نهایی خود را معرفی نکرده است. این در حالی است که نماینده سینمای ایران باید در فاصله کوتاه تا نیمه آذرماه، گام‌های بلندی در مسیر اکران اروپایی، اقبال در فصل جوایز و نمایش برای طیفی از داوران آکادمی اسکار بردارد. حالا که زمان را تاحدودی از دست داده‌ایم، نیاز است تا ظرفیت‌های بین‌المللی نهادهایی چون فارابی، در کنار فیلم انتخاب‌شده قرار گرفته تا لااقل فرصت مهر و آبان، به‌سادگی شهریور از دست نرود.

داستان استادیوم‌ها: از امجدیه تا قلعه حسن خان

خرده روایت‌های شهر شلوغ | تاریخ فوتبال رسیدیم؟

مصطفی آرانی

حتی به یک بحران برای کشور تبدیل شده است. ظاهرا هیچکس نمی‌داند چطور این طور شد ولی ناگهان کشوری که به دو ورزشگاه تازه تاسیس در اهواز و مشهد در سال‌های اخیر افتخار می‌کرد و همیشه گزینه ورزشگاه هر چند قدیمی ولی آبرومند آزادی را برای بازی‌های مهم در دست داشت، ناگهان به وضعی دچار شد که باید به سراغ ورزشگاهی کوچک در شهر قدس، یکی از شهرهای حومه‌ای تهران برود تا بتواند یک بازی استقلال در لیگ نخبگان آسیا را برگزار کند.

به همین دلیل به این فکر افتادیم که به بهانه این ماجرا نگاهی کنیم به مجموع استعداد و توانایی‌مان در زمینه استادیوم و ببینیم چه کسانی (از اشخاص حقیقی گرفته تا نهادها یا شرکت‌های حقوقی) در چه زمانی آن را ساخته‌اند و چه کسانی مسئول نگهداری آن هستند و خلاصه تحقیق خلاصه‌ای کنیم در مورد ورزشگاه‌های ایران. البته ورزشگاه‌هایی که در آن بازی فوتبال برگزار می‌شود.

۱ نخستین ورزشگاه کجاست؟

در مورد نخستین ورزشگاه ایران، اختلاف وجود دارد. در واقع یک روایت خارجی، یک روایت نفتی و یک روایت تهرانی در این زمینه وجود دارد.

از روایت خارجی شروع کنیم! این روایت می‌گوید:

«فوتبال در ایران را باید به معلمان مدارس مذهبی و مبیونرهای مسیحی و اعضای سفارت‌های خارجی و کارکنان تلگراف‌خانه در ارومیه، تبریز اصفهان یا به سربازان هنگ جنوب در فارس و بوشهر نسبت داد. بر این‌اساس، نخستین زمین‌های فوتبال در ایران در سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۸۰ در مدرسه مموریال تبریز، کالج مسیحیان اصفهان و مدارس سن‌لویی و فرانس‌پرسان در تهران و زمین چمن سفارت انگلستان، وجود داشته است.»

روایت تهرانی را روزنامه همشهری که متعلق به تهرانی‌ها است، بیان کرده. ولی در مورد محل دقیق آن بسار هم اختلاف وجود دارد؛ مثلا «فاریوش شهبازی» در کتاب «برگ‌های از تاریخ تهران» در این باره نوشته است: «پس از مرگ مظفرالدین‌شاه، انگلیسی‌ها محل بازی خود را به مجاورت حصار ناصری در ضلع شمال سفارت انگلیس در خیابان فردوسی انتقال دادند.» این آدرس حوالی خیابان انقلاب کنونی و محل شرکت بهرم‌برداری متروی فعلی است.

آدرس دیگری که برخی می‌دهند، میدان مشق و باغ ملی تهران و محل وزارت امور خارجه است که برخی می‌گویند محل اصلی فوتبال در پایتخت بوده است.

روایت دیگر این است که در اواپسین سال‌های قرن سیزدهم خورشیدی، وقتی احمدشاه داشت آخرین سال‌های سلطنت خود و سلسله قاجاریه را سپری می‌کرد، در جنوب ارامنی بهجت‌آباد در ضلع شمالی حصار ناصری، خیابان انقلاب، حوالی دبیرستان البرز (دانشگاه امریکیر) به وسیله کمپانی «لنج» نخستین زمین فوتبال شهر تهران ساخته شد. این زمین با دروازه‌های قانونی‌اش، کاملا با زمین‌های امروزی فوتبال مطابقت داشت.

در مورد همین زمین روایت دیگری وجود دارد که می‌گوید در اراضی مسئولی با زمین لنج که امروزه به خانه سوره با چوزه هنری معروف است، یک زمین استاندارد توسط جوانان شهر تاسیس شده است. طبق این روایت این نقطه گاراژ شرکت تجاری هنری لینچ بوده و با تلاش جوانان شهر تسطیح شده و با نام «لنج» به عنوان اولین زمین فوتبال در تهران شناخته می‌شود که در دوران پهلوی اول به حضیرالقدس یا برستگاه ادبان ساختگی اختصاص یافت.

روایت نفتی هم این است که نخستین زمین رسمی فوتبال، زمین مسجدسلیمان است. این زمین در سال ۱۲۸۷، مقارن با کشف نفت توسط دورسی در ناحیه چاه‌نفت، طراحی شد و ساختش یک سال بعد در محله «نمره چهل» مسجدسلیمان، که البته در آن زمان به آن میدان نفتون می‌گفتند، به پایان رسید و در سال ۱۳۹۳ و پس از صعود تیم فوتبال نفت مسجد سلیمان به لیگ برتر باشگاه‌های ورزشگاه که امروز ورزشگاه بهنام محمدی نامیده شده و ۱۰ هزار نفر ظرفیت دارد، نخستین زمین با ابعاد استاندارد و دارای زه‌کشی است. البته متکل جدی این روایت‌ها اما این است که تاریخ زمین فوتبال را

۲ امجدیه در میانه اختلافات تاریخی

در مورد ساخت ورزشگاه امجدیه با شهید شیرودی فعلی، دو روایت ارتجاع وجود دارد. یک روایت عمومی در اغلب وب‌سایت‌ها که در ویکی‌دیا هم وجود دارد و طبق آن، زمین این ورزشگاه طبق یک لایحه در مجلس از فردی به نام امجد نظام که شرط کرده بود باید نامش را روی این ورزشگاه بگذارند تا رضایت به معامله بدهد، خریداری شد و بعد از آن معماری به نام نیکلای مارکوف این ورزشگاه را طراحی کرد و ساخت آن هم حدود پنج تا شش‌سال طول کشید.

روایت دوم را نصرالله حدادی، تهران شناس در نوشته‌ای در یک شماره از ماهنامه قهوه منتشر کرده است. او در این مطلب به نقل از علی اصغرحکمت، وزیر درباری پهلوی اول و دوم، می‌نویسد: «اقدام دیگری که از طرف وزارت معارف در پیروی از امر شاهنشاه [رضاشاه] به عمل آمد، تاسیس کلوپ‌های ورزشی و مخصوصا ساخت‌های پهلوانی مانند فوتبال و غیره بود. برای این کار در شهر پایتخت، چهار زمین وسیع در چهار نقطه شهر: شمال (اراضی باغ امجدیه)، شرق (آکبرآباد دولاب)، غرب (اراضی پشت باغشاه)، جنوب (اراضی معروف به باغ فردوس نزدیک بیمارستان شیر و خورشید سرخ) خریداری و به نام وزارت معارف قباله شد که همه هنوز موجود است.

بدین‌ترتیب میدان‌های نسبتا وسیع در چهار نقطه شهر به وجود آمد که دنبال‌آموزان مدارس هرکدام در ناحیه خود به آنجا رفته، به تمرین و ممارست مشغول‌های بدنی پرداختند. از این میان‌ها، آن که از همه وسیع‌تر بود، بیرون دروازه دولت معروف به باغ امجدیه بود که به مساحت ۲۱هزار ذرع مربع (هفدرع ۱۰سانتی‌متر است) از مرحوم حاج حکیم مهدی قلی مخبرالسلطنه هدایت از قرار، ذرعی سه قران خریداری شد. در اوایل سال ۱۳۱۲ در میدان وزرای امجدیه خلوت بنای یک ورزشگاه عمومی استادیوم (stadium) ریخته شد و بر طبق نقشه موسیو سیرو، مهندس فرانسوی، اگر از دید کج‌سلیقگی مدرنی گرداگرد آن محوطه گنجایش ۱۵ هزار تماشاچی را دارد، در پایین آن سل وقتی که دیوارهای آن ورزشگاه بالا رفته و نقشه آن نمودار می‌شد، شاهنشاه شبی در جلسه هیات‌وزرا از وزیر معارف سوال کردند: «این قلعه مدوّر که در بیرون دروازه دولت می‌سازید، برای چیست؟» وی در پاسخ عرض کرد: «این ورزشگاهی است که به سبک استادیوم‌های فرنگستان ساخته می‌شود و در آن، جوانان زورآزمایی و هنرنمایی می‌کنند.» صبح فردای آن شب، شاهنشاه دیدن اطلاع قبلی شخصه به آنجا رفته و آن بنا را دقیقا بازدید فرمودند و طرح سبک آن بنا را پسندیده و در خاطر خطرشان موقع قبول یافت، به طوری که به وزارت کشور امر فرمودند به شهرداری‌ها و ولایات دستور دهند که در همه شهرهای ما هم چنان ورزشگاهی بنا کنند.»

حدادی می‌گوید امجدیه، طی سه‌سال (از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹) ساخته شد و می‌گوید که از ملک‌الشعرای بهار خواسته شد ضمن شعری به تاریخ افتتاح آن اشاره کند که بهار هم با عبارت جنگ‌ست سال ۱۳۱۹ اشاره کرده است. او می‌گوید بهار سروده دیگری نیز درباره این ورزشگاه دارد. آخرین نکته حدادی هم این است که اراضی امجدیه، در ابتدا متعلق به امجد بوده و کمتر به آن بها می‌دهد که در قزوین اقامت داشت و کمتر به این باغ سرکشی می‌کرد، به مرحوم مهدی قلی مخبرالسلطنه هدایت فروخته شد و چون شهره به باغ امجدالوزاره بود، پس از ساختن ورزشگاه، به رسم آن روزگار، نام امجدیه را بر آن گذاردند. ورزشگاه امجدیه، پس از شهادت خلبان علی‌اکبر قربان شیرودی، در سال ۱۳۶۰ در بازی درآمد شد، ذهاب، به نام او، نامگذاری شد. اما داستان‌های امجدیه ادامه دارد. آنطور که در مطلبی از عصرایران ورزشی می‌خوانیم در هفدهم مهر ۱۳۶۴، در جریان جام باشگاه‌های تهران، ورزشگاه شیرودی به محل اغتشاش تماشاگران بدل شد. در آن روز، پس از برگزاری بازی نفت و بانک ملی، تماشاگران زیادی به ورزشگاه شیرودی آمدند تا شاهد بازی دو تیم پاس و پرسپولیس باشند. کثرت حضور تماشاگران به حدی بود که شماری از آنان ناگزیر شدند از سکوهای ورزشگاه، وارد پیست دو میدانی و سپس زمین چمن شوند.

در جنان وضعیتی، طبیعتا برگزاری بازی پاس - پرسپولیس غیرممکن بود. مسئولین هیات فوتبال تهران از بلندگوی ورزشگاه اعلام کردند که به دلیل استقبال زیاد تماشاگران، بازی پاس - پرسپولیس، روز فردوس نزدیک بیمارستان شیر و خورشید سرخ) خریداری و به نام وزارت معارف قباله شد که همه هنوز موجود است.

نزدیک بود تماشاگران جمع شده در چهار نقطه شهر به وجود آمده تا توانست آرامش را ملتهب کردند. تذکر مسئولان ورزشگاه نیز نتوانست آرامش را به تماشاگران بازگرداند و فزون‌ترشدن خشم تماشاگران، موجب حمله آن‌ها به تاسیسات ورزشگاه و آتش‌زدن گوشه و کنار ورزشگاه از سوی آنان شد. با بیرون آمدن تماشاگران از ورزشگاه شیرودی، تراکم سنگینی در خیابان‌های اطراف ورزشگاه ایجاد شد که تا ساعت‌ها ادامه یافت. کار تا جایی پیش رفت که فردای آن روز، نشریات خبر دادند که محمد حجازفرد، رئیس هیات فوتبال تهران، دستگیر و زندانی شده است. اغتشاش در ورزشگاه شیرودی در سال ۱۳۶۳، سرانجام به تعطیلی چهار باشگاه‌های تهران، شش هفته پس از آغاز این مسابقات منجر شد. علاوه بر این، از آن پس دیگر هیچ پنج سال بعد رویدادی مشابه عنوان شده که بازی‌های استقلال هم دیگر در این ورزشگاه برگزار نشود.

به یک مستندسازی در این زمینه که از سوی سرویس جهانی بی‌بی‌سی انجام شده، آمده است: «جمعه ۲۷ بهمن ۱۳۶۸، قرار بود هفته آخر جام باشگاه‌های تهران برگزار شود. پرسپولیس و آذندارمری ساعت ۱۵ در ورزشگاه آزادی و همزمان، استقلال با پاس در شیرودی، لوح حساسیت. پرسپولیس فقط با نیم امتیاز برتری از استقلال پیش است زیرا طبق قوانینی که فقط همان سال تصویب شد، تساوی بدون گل یک امتیاز داشت و با گل، یک و نیم امتیاز. پرسپولیس ۳۵امتیاز دارد، با تفاضل گل ۲۰. استقلال ۳۵امتیازی است با تفاضل ۱۹. بارندگی شدید پنجشنبه باعث می‌شود هیات فوتبال تهران، صبح روز مسابقه تصمیم به لغو بازی‌ها بگیرد؛ گرچه هوا کاملا آفتابی بود! اما آن موقع رسم نبود هنگام بارندگی، زمین را بپوشانند. اولین بخش خبری صداوسیما که هواداران مطلع می‌شوند، ساعت ۱۴ و رادیو است! بسیاری، از ساعت‌ها قبل هواداران ورزشگاه بودند و تعداد پرشماری نیز از تهران و شهرستان‌ها در مسیر. این بار هیچ‌ها جیس است و برخلاف پنج سال قبل، چندان دود و آتشی در کار نیست. برخلاف شوش ۶۳، مردم تماشاگر که دو نوبت در حال احساس غریبانی شعارهای سیاسی می‌دهند.»

به این ترتیب کار ورزشگاه امجدیه، البته زمین فوتبال آن، در دقت بایختخت قرار دارد، برگزار نشده است. زمینی که تصاویر مهمی در خاطر خود دارد؛ از بازی ایران و اسرائیل، در قبل از انقلاب گرفته تا قیام‌های تاج یا همان استقلال در آسیا و البته دربی معروف شش‌تایی‌های پرسپولیس.

۳ مرج ورزشگاه‌سازی در شمال

دستوری که علی اصغر حکمت به نقل از رضا پهلوی بیان کرد را به یاد دارید؟ بعد از ورزشگاه شیرودی، دو ورزشگاه دیگر در زمان رضا پهلوی در تهران ساخته می‌شود که هر دوی آن‌ها در شمال تهران نیست و بعد از آن نیز تا سال ۱۳۳۲ که سال تثبیت حکومت محمدرضا پهلوی است، چهار ورزشگاه دیگر در کشور ساخته می‌شود که باز هم یکی از آن‌ها در شمال کشور و دو مورد دیگر، ورزشگاه‌های بزرگ‌تری در سه شهر شیراز، مشهد و تبریز هستند. دلیل توجه به شمال البته روشن است. خاندان پهلوی متعلق به این بخش از ایران بودند.

سه ورزشگاه ساخته شده در شمال، به ترتیب ورزشگاه هفت تیر بابل، ورزشگاه شهید وطنی در قائمشهر و ورزشگاه سیروس قایقران در انزلی هستند. (ذکر این نکته ضروری است که این نام‌ها، نام‌های فعلی این ورزشگاه‌ها هستند) دو ورزشگاه مازندرانی در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ ساخته شدند و ورزشگاه آزادی در سال ۱۳۲۲.

البته برخی می‌گویند که ورزشگاه وطنی هم بعد از دوران رضا پهلوی ساخته شده است. درباره تاریخچه این ورزشگاه آمده است: «ممکنی که ورزشگاه شهید وطنی در آن واقع است، در نزدیکی خیابان شهید قائم‌شهر قرار دارد و پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، توسط قوای شوروی ابتدا تبدیل به پادگان نظامی شد. به مرور زمان، آن‌ها برای انجام فعالیت‌های ورزشی سربازان خود، زمین فوتبالی در گوشه‌ای از پادگان ایجاد کردند. بعد از خروج قوای شوروی در سال ۱۳۲۵، این مکان تبدیل به ورزشگاه شد. کارکنان کارخانه نساجی بعد از هر شیفت کاری در آن جلسات تمرینی برگزار می‌کردند. آزادی یک زمین شماره ۳ هم دارد و اگر واقعا مورد توجه قرار بگیرد استعداد برگزاری بازی‌های جهانی را دارد.

این استادیوم تاکنون بارها مورد بازسازی قرار گرفته است. یک بار بعد از جمع شدن آب در آن در بازی آسیایی استقلال که زمین زیر آبطوق قوانینی که فقط همان سال تصویب شد، تساوی بدون گل به امتیاز داشت و با گل، یک و نیم امتیاز. پرسپولیس ۳۵امتیاز دارد، با تفاضل گل ۲۰. استقلال ۳۵امتیازی است با تفاضل ۱۹.

در تهران ساخته شدند و سه ورزشگاه دیگر در دورود لرستان، تالش گیلان و آبادان. جالب است که تا اینجای کار، از مجموع ۱۴ ورزشگاه ایران، چهار ورزشگاه در شمال کشور و پنج ورزشگاه در تهران قرار دارند و شهری مثل شهرستان ورامین که در حال حاضر یکی از قطب‌های فوتبال ما است، ورزشگاه برزگر ندارد.

۴ دو ورزشگاه بزرگ برای بازی‌های ۱۹۷۴

دو ورزشگاه بزرگ تهران که هر دو نیمه در حال حاضر غیرقابل استفاده هستند، برای بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ ساخته شدند که ایران، میزبان آن بود. این دو ورزشگاه تختی و آزادی نام دارند.

ورزشگاه تختی پیش از انقلاب، با نام ورزشگاه فرح آباد یا ورزشگاه فرح شناخته می‌شد و ورزشگاه آزادی با نام آریامهر. گنجایش ورزشگاه تختی ۳۰هزار نفر بود و گنجایش ورزشگاه آزادی ۱۰۰هزار نفر. البته، تختی در عوض سقفی برای تماشاگران داشت که آزادی نداشت. سقفی با پوشش خاص کابلی که آن را شبیه یک کشتی هم کرده است. تختی در منتهیالیه شرقی تهران ساخته شده بود و ورزشگاه آزادی در منتهیالیه غربی تهران.

ورزشگاه تختی را چهانگیر درویش طراحی کرد و طراحی آن از پهلوی به دوره آزادی یک مجموعه ورزشی تبدیل شد. تختی البته فقط یک زمین فوتبال نیست و سالن ورزشگاه آزادی یک مجموعه ورزشی است؛ شامل یک استادیوم کامل با یک زمین فوتبال چمن، به اضافه پیست دو و میدانی (نوع تارتان)، زمین شماره ۲، چهار زمین چمن تمرینی و ۲ زمین خاکی، شش زمین تنیس خاکی، سالن سرپوشیده با امکاناتی مثل زمین فوتبال، بسکتبال، والیبال، هندبال، ژیمناستیک و بدنسازی بانوان و در نهایت مجموعه ورزشی آبی شامل استخر و سونا و ...

طراح ورزشگاه آزادی، عبدالمزیز فرمانفرماییان بود. این ورزشگاه در مهر سال ۱۳۵۰ افتتاح شد و در سال ۱۳۵۳ و همزمان با بازی‌های آسیایی رسما بازگشایی شد. ابده اولیه این بود که بعدها بتوان بازی‌های المپیک سال ۱۹۸۴ و جام جهانی ۱۹۹۰ را در این ورزشگاه برگزار کرد.

ورزشگاه آزادی هم مثل تختی، بخشی از مجموعه ورزشی آزادی است که مثلا در آن استادیوم ۲ هزار نفری آزادی هم قرار دارد. اما در مورد فوتبال جالب است بدانید که این شماره دو ورزشگاه آزادی هم، زمین استانداری است و در حال حاضر، قطرات هزار نفر تماشاگر را دارد ولی بیشتر برای تمرین تیم‌های فوتبال مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی تیم ملی یا تیم‌های استقلال و پرسپولیس هم در آن جلسات تمرینی برگزار می‌کردند. آزادی یک زمین شماره ۳ هم دارد و اگر واقعا مورد توجه قرار بگیرد استعداد برگزاری بازی‌های جهانی را دارد.

این استادیوم تاکنون بارها مورد بازسازی قرار گرفته است. یک بار بعد از جمع شدن آب در آن در بازی آسیایی استقلال که زمین زیر آبطوق قوانینی که فقط همان سال تصویب شد، تساوی بدون گل به امتیاز داشت و با گل، یک و نیم امتیاز. پرسپولیس ۳۵امتیاز دارد، با تفاضل گل ۲۰. استقلال ۳۵امتیازی است با تفاضل ۱۹.

بازندگی شدید پنجشنبه باعث می‌شود هیات فوتبال تهران، صبح

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده‌است. بدیهی‌است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

چهار ورزشگاه بزرگ بعد از انقلاب

۱ ورزشگاه نقش جهان

در مجاورت پارک جنگلی هراز و بین دو شهر اصفهان و دولت‌آباد، طرح ورزشگاه با نام ورزشگاه بزرگ با ورزشگاه المپیک (دهکده المپیک) در سال ۱۳۶۷ تعریف شد. زمانی که غلامحسین کرباسچی، استاندار اصفهان بود. بنا این حال ساخت این ورزشگاه در سال ۱۳۷۲ آغاز شد و در سال ۱۳۷۵، وقتی اسحاق جهانگیری استاندار اصفهان بود، برای این مراسم از عناصر غیبت سرخ استفاده شد. البته، ورزشگاه در سال ۱۳۸۱، یعنی شش‌سال بعد تحویل تیم سپاهان داده شد و این تیم پنج سال در این ورزشگاه بازی کرد و یک قهرمانی لیگ برتر و دو قهرمانی جام حذفی را در آن جشن گرفت تا اینکه ورزشگاه نقش جهان به سمت یک چراغ برق می‌برد اما در وسط راه دستش لیز خورده و به زمین می‌افتد. این ویدئو با عنوان «شجاعت یا حماقت؟» وایرال شد. یکی از هواداران ملوان حین بازی با سپاهان متاسفانه به دلیل هیجان زیاد روی سکوها دچار سکته قلبی شد و جانش را از دست داد. آمبولانس‌ها به موقع نرسیدند و بازی هم متوقف نشد. ناظر فوتبال در مصاحبه تلویزیونی گفت: «بر اساس کدوم قوانین من باید آمبولانس رو در اختیار تماشاچی بذارم؟ بر اساس کدوم قانون بازی‌رو

۲ ورزشگاه بزرگ

ورزشگاه بزرگ تهران که هر دو نیمه در حال حاضر غیرقابل استفاده هستند، برای بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ ساخته شدند که ایران، میزبان آن بود. این دو ورزشگاه تختی و آزادی نام دارند.

ورزشگاه تختی پیش از انقلاب، با نام ورزشگاه فرح آباد یا ورزشگاه فرح شناخته می‌شد و ورزشگاه آزادی با نام آریامهر. گنجایش ورزشگاه تختی ۳۰هزار نفر بود و گنجایش ورزشگاه آزادی ۱۰۰هزار نفر. البته، تختی در عوض سقفی برای تماشاگران داشت که آزادی نداشت. سقفی با پوشش خاص کابلی که آن را شبیه یک کشتی هم کرده است. تختی در منتهیالیه شرقی تهران ساخته شده بود و ورزشگاه آزادی در منتهیالیه غربی تهران.

ورزشگاه تختی را چهانگیر درویش طراحی کرد و طراحی آن از پهلوی به دوره آزادی یک مجموعه ورزشی تبدیل شد. تختی البته فقط یک زمین فوتبال نیست و سالن ورزشگاه آزادی یک مجموعه ورزشی است؛ شامل یک استادیوم کامل با یک زمین فوتبال چمن، به اضافه پیست دو و میدانی (نوع تارتان)، زمین شماره ۲، چهار زمین چمن تمرینی و ۲ زمین خاکی، شش زمین تنیس خاکی، سالن سرپوشیده با امکاناتی مثل زمین فوتبال، بسکتبال، والیبال، هندبال، ژیمناستیک و بدنسازی بانوان و در نهایت مجموعه ورزشی آبی شامل استخر و سونا و ...

طراح ورزشگاه آزادی، عبدالمزیز فرمانفرماییان بود. این ورزشگاه در مهر سال ۱۳۵۰ افتتاح شد و در سال ۱۳۵۳ و همزمان با بازی‌های آسیایی رسما بازگشایی شد. ابده اولیه این بود که بعدها بتوان بازی‌های المپیک سال ۱۹۸۴ و جام جهانی ۱۹۹۰ را در این ورزشگاه برگزار کرد.

البته برخی می‌گویند که ورزشگاه وطنی هم بعد از دوران رضا پهلوی ساخته شده است. درباره تاریخچه این ورزشگاه آمده است: «ممکنی که ورزشگاه شهید وطنی در آن واقع است، در نزدیکی خیابان شهید قائم‌شهر قرار دارد و پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، توسط قوای شوروی ابتدا تبدیل به پادگان نظامی شد. به مرور زمان، آن‌ها برای انجام فعالیت‌های ورزشی سربازان خود، زمین فوتبالی در گوشه‌ای از پادگان ایجاد کردند. بعد از خروج قوای شوروی در سال ۱۳۲۵، این مکان تبدیل به ورزشگاه شد. کارکنان کارخانه نساجی بعد از هر شیفت کاری در آن جلسات تمرینی برگزار می‌کردند. آزادی یک زمین شماره ۳ هم دارد و اگر واقعا مورد توجه قرار بگیرد استعداد برگزاری بازی‌های جهانی را دارد.

این استادیوم تاکنون بارها مورد بازسازی قرار گرفته است. یک بار بعد از جمع شدن آب در آن در بازی آسیایی استقلال که زمین زیر آبطوق قوانینی که فقط همان سال تصویب شد، تساوی بدون گل به امتیاز داشت و با گل، یک و نیم امتیاز. پرسپولیس ۳۵امتیاز دارد، با تفاضل گل ۲۰. استقلال ۳۵امتیازی است با تفاضل ۱۹.

بازندگی شدید پنجشنبه باعث می‌شود هیات فوتبال تهران، صبح

طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

نجات‌دهنده من در آینه اتاقِ شماست

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید نوتیفهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً خبرمان نشود. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌های تان لبخند می‌زنند و در دل تحسین‌تان می‌کنند.

۲ زندگی مثل به بازی شطرنجه، یکی شاهه. خیلیا سرباز، مثه اسبم. ❤ از نظر ماماناو اخلاق بدرخاتشون به عمه‌هاشون، زنه و هرچی خوبی دخترانشون دارن، به خودشون رفته. ❤ به جهنم که تو اینایا را سیی اصلی پاستا گفت: بیشتر از کافی‌ای. چایی هستی. ❤ امان بزن تمامیاتاب؟ این غایت تعریفی بود که یک نفر می‌تونست ازم بکنه. ❤ خاله مامانم فریبوترا لیی میره. اسامی دوستایی که اونجا پیدا کرده رو با اسم مریضاشون سیو کرده که یادش بمونه، مینو گفت رامت. کبری بی‌انگشت، نسترن کمر. ❤ همین مجازات تو رابس، که من دیگر برای تو مینویمی‌کنی. ❤ مامان بزرگم بهم گفت اَلی باهات چقدر کوچیکه اگرنال پای جنه. ❤ سفر رول می‌خواد! انقد دیگه حالتون خوب نیست برید سفر. ما که پول داشتیم حال‌مون بد نبود! ❤ عزیزم تو خیلی خوشگلی، خیلی هم افسردهای. مثل دسته‌گلی که روی سنگ فبر می‌بارن هستی. ❤ مهمترین علت اینکه بهتر من تو کل زندگی‌ش یک نخ سیگار هم نکشید، این اعتقادش بود که: وابستگی، ضعف میاره. هرچی می‌خواد باشه. ❤ بوسیدن رو تخت، بوسیدن رو زمین، بوسیدن رو میل، بوسیدن تو خونه، بوسیدن بیرون از خونه، بوسیدن.

استفاده می‌کنن و به گمان‌شون خیلی کولن. یحتمل کفش کالجی بدون جوراب هم می‌پوشن. ❤ حال خوبتو همونایی خراب می‌کنن که با تمام وجود حال خرابشونو خوب می‌کردی. ❤ چقدر مردها تنهان. بابا به جز کار و فوتبال درمورد قلب شکسته‌تون هم با همدیگه صحبت کنید. زندگی گوناهه. ❤ هر ایرانی‌ای هرکجا ایستاده، به قدم از هوش مصنوعی فقط بگیره. ❤ شاید فکر کنید دارم جرت میگیم، اما خدا شاهده عین واقعیته. اِیه سنی به بعد، آدم حتی آرزوی رانندگی طرف هم می‌تونه بفهمه که باد تایش هست یا نیست. ❤ این مسئله هرشب برگشتن به خونه‌ای که برفش خاموشه هم مسئله جالبی نیست. ❤ ازش بپرسیم: کافی‌ام؟ گفت: بیشتر از کافی‌ای. چایی هستی. این غایت تعریفی بود که یک نفر می‌تونست ازم بکنه. ❤ خاله مامانم فریبوترا لیی میره. اسامی دوستایی که اونجا پیدا کرده رو با اسم مریضاشون سیو کرده که یادش بمونه، مینو گفت رامت. کبری بی‌انگشت، نسترن کمر. ❤ همین مجازات تو رابس، که من دیگر برای تو مینویمی‌کنی. ❤ مامان بزرگم بهم گفت اَلی باهات چقدر کوچیکه اگرنال پای جنه. ❤ سفر رول می‌خواد! انقد دیگه حالتون خوب نیست برید سفر. ما که پول داشتیم حال‌مون بد نبود! ❤ عزیزم تو خیلی خوشگلی، خیلی هم افسردهای. مثل دسته‌گلی که روی سنگ فبر می‌بارن هستی. ❤ مهمترین علت اینکه بهتر من تو کل زندگی‌ش یک نخ سیگار هم نکشید، این اعتقادش بود که: وابستگی، ضعف میاره. هرچی می‌خواد باشه. ❤ بوسیدن رو تخت، بوسیدن رو زمین، بوسیدن رو میل، بوسیدن تو خونه، بوسیدن بیرون از خونه، بوسیدن.

قاب ایرانی

۷ رعنا آزادی‌پور و جواد عزتی در اکران قسمت پایانی فصل سوم سریال زخم کاری در سینما آزادی

قابی از استایل لبنا کیانی در روز تولدش

نهاد رهنما و کلاه بلندگی‌اش در نمایش خصوصی «کوشوارهای گیلاس» در پردیس مکامال

ماشین عجیب یک شهروند با طرح پرچم نازی و هیتلر از توئیتر Flexinc

حامد کمیلی و گلاره عباسی در اکران فیلم «آغوش باز»، تغییر چهره حامد کمیلی مورد توجه کاربران قرار گرفته است

صدف اسپیهبدی در فرش قرمز سریال بازنده

قاب فرنگی

عکس خانوادگی کیت میدلتون به همراه دختر و همسرش شاهزاده ویلیام. این تصویر مربوط به ویدئویی است که به تازگی کیت میدلتون منتشر کرده و خبر داده دوره شیمی‌درمانی‌اش به پایان رسیده است.

کالین فرل و پسرش هنری در فرش قرمز افتتاحیه سریال جدیدشان «بنگون»، شهره آغداشلو هم در این افتتاحیه حضور داشت

ویدئوهای پربازدید هفته

«اون یکی»، شجاعت پارکورکار و یه حلقه طلایی در ورزشگاه یزد

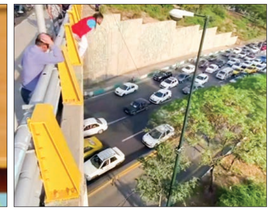

تصویری از یک پسر مغول در حال سوارکاری با گوزن، از توئیتر سیروس شهبازی

این هفته اولین نشست خبری مسعود پزشکیان بود و قسمت‌هایی از این نشست در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت. مریم شبانی، روزنامه‌نگار مجله اندیشه پویا وقتی که پشت تریبون رفت تا سوالش را از رئیس‌جمهور بپرسد، گفت: «من قبل از طرح سوالم یک نکته‌ای بگم. من برای اینکه به اینجا برسم خیلی میانبر و کوچه پس کوچه رفتم که گیر گشت ارشاد نیفتم.» پزشکیان در جواب خندید و گفت: «لازم گشت ارشاد اذیت می‌کنه؟ قرار نبود برخورد کنن. پیگیری می‌کنیم اذیت نکنن شما رو.» همچنین در قسمت دیگری از این نشست، خبرنگار چینی سوال خود را به انگلیسی پرسید و پزشکیان منتظر ترجمه مترجم نماند و شروع به جواب دادن کرد. وقتی مترجم خواست صحبت‌های خبرنگار چینی را ترجمه کند، پزشکیان گفت: «می‌خای ترجمه کنی؟ خب بکن.»

محمدجواد حسین‌نژاد، از بونر ایرانی در کنار اسلام ماخاچف، یکی از ترسناک‌ترین مبارزهای UFC

رویداد هفته

ماجراهای خوسلو و...

این هفته خوسلو، ستاره اسپانیایی الفراقه که برای بازی با استقلال به ورزشگاه قلعه حسن‌خان آمده بود، اتفاقات عجیبی را تجربه کرد. از وضعیت افتتاح چمن گرفته تا رفتن برق موقع تمرین. هرچند در آخر استقلال از خجالت الفراقه درآمد و سه - هیچ این تیم را شکست داد.

پوریا شریفی: فکر کن خوسلو چند ماه بعد از گلزنی و قهرمانی تو فینال چمپیونزلیگ بیاد شهرقدس و آرش رضاوند به تیمش گل بزنه تو لیگ نخبگان آسیا! برتابیدنه نمیشه هر کاری می‌کنم!

مینو: خوسلو تا حالا چمن به این خوبی ندیده بود! شگفت‌زده شده و ویدئوکال می‌کنه هم‌تیمی‌های قدیمیش هم ببینن.

بری دریایی: قشنگ با این اتفاقایی که واسه خوسلو افتاده، تو این دو روز یه سریال قشنگ با کارگردانی رضا عطاران ازش در میاد.

ممد: قال خوسلو: یکی از جذابیت‌های ایران این بود که همزمان می‌شد فوتبال و گلف رو تو یه زمین بازی کرد.

آرمن: خوسلو برگرده اسپانیا به آرایشگرش میگه طرح غروب رباط کریمو روی سرش اجرا کنه.

ترول فوتبال: خوسلو راه میره و از چاله‌چوله‌های زمین، ویدئو مسیج می‌گیره و می‌فرسته تو گروه رئال مادرید و به رفیقاش میگه پسر بیمن گردش روز گار مارو به کجا رسوند.

پاندا: فوتبال چیز عجیبیه. کاری که فصل گذشته دلیخت و کیمیش و نوبر با خوسلو نتونستن بکنن روزبه چشمی و سامان فلاح و حسین حسینی انجام دادن.

الین: خب دیگه بازی تموم شد. یکی خوسلو رو از جیب چشمی دربیاره.

عرفان: سرنوشت خوسلو در زمین چمن قلعه حسن‌خان رو که می‌بینم، بیش از قبل به اون سخن حکیمانه امیرخان پی می‌برم که گفت: عزت و ذلت فقط دست اون بالاییه.

شاهین: خوسلو در زمین چمن شهر قدس: من کی‌ام؟ اینجا کجاست؟ آمدنم بهر چه بود؟

المپیک فا: خوسلو ۴ ماه قبل جلوی باب

نکته بازی

استقلال متخصص آسیاست؟ پس الهلال چه؟

پیروزی ۳ بر صفر استقلال مقابل الغرافه، اعتماد به نفس را به اردوی این تیم برگردانده است. درباره دلایل فنی این پیروزی امروز به شکل مفصل نوشته‌ایم اما وقتی می‌بینیم پیشکسوتان و مسئولان این باشگاه، با تکیه بر این پیروزی حرف‌های عجیب و غریب می‌زنند، نمی‌دانیم چه بگوییم. مثلا جناب ایمان عالمی سرپرست استقلال در مصاحبه‌ای گفته: «در همه سال‌های حیات استقلال از این تیم به‌عنوان متخصص آسیا نام برده شده و در این دیدار یک‌بار دیگر ثابت شد که تخصص ما آسیاست.» کاری به این نداریم که چه کسی یا کسانی از استقلال به عنوان متخصص آسیا نام برده‌اند، اما سوال ما از جناب عالمی این است که دقیقا می‌دانید متخصص یعنی چه؟ در لغت‌نامه‌ها آمده: «متخصص یعنی کسی که در شغلی یا فنی تخصص و کاردانی به کمال دارد.» و این یعنی استقلال در آسیا تخصص و کاردانی به کمال دارد. و خب سوال بعد این است که دقیقا کدام نتیجه در کدام دوران باعث شده تا ایشان و دیگران به استقلال لقب متخصص آسیا بدهند؟ دقیقا از آخرین موفقیت استقلال در آسیا چقدر می‌گذرد؟ اینکه استقلال یک بار ۵۴ سال پیش و یک بار دیگر ۳۳ سال پیش قهرمان باشگاه‌های آسیا شده، به این معنی است که این تیم الان متخصص آسیاست؟ بله! آبی‌ها در همان سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ قهرمان و نایب قهرمان آسیا شدند و می‌شد در آن مقطع این تیم را قدرت برتر و متخصص آسیا دانست اما امروز چه؟ اگر استقلال متخصص آسیاست، پس به الهلال با ۴ قهرمانی و ۵ نایب‌قهرمانی چه لقبی باید داد؟ کمی منطقی باشید دوستان!

مسئول ورزشگاه‌ها چه کسی است؟

احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان در جلسه با چند مدیر ورزشی و فوتبالی کشور، با قدردانی از مردم و مسئولان شهر قدس برای فراهم کردن شرایط میزبانی از بازی‌های لیگ نخبگان، گفته: «انتخاب این ورزشگاه برای میزبانی بازی‌ها کج‌سلیقگی بود. درست است که AFC این ورزشگاه را تأیید کرد، ولی متأسفانه در ذهن مردم اتفاق خوشایندی نبود و شأنیت فوتبال ایران رعایت نشد. باید در این خصوص حرفه‌ای‌تر عمل می‌کردیم.» مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال هم در همین جلسه گفته: «مدیران کل زحمات بسیاری کشیدند تا ورزشگاه را به شرایط فعلی برسانند. برخی نمی‌دانم به چه دلیل سیاه‌نمایی می‌کنند! مسئول ورزشگاه‌ها فدراسیون فوتبال نیست. همانگونه که می‌دانید خود من برای برگزاری بازی استقلال خوزستان در ورزشگاه شهدای فولاد به مدیرعامل کارخانه فولاد خوزستان زنگ زدم.» واقعا حق با آقای دنیامالی است. اصلا قبل از انتخاب ورزشگاه شهرقدس باید با ایشان مشورت می‌کردند. این همه ورزشگاه در کشور داریم و ایشان حتما می‌توانستند از بین آزادی و نقش جهان و شهدای فولاد و یادگار امام و امام رضا و ... یکی را معرفی می‌کردند! واقعا نمی‌دانیم با وجود این همه استادیوم، چرا دوستان اینقدر بدسلیقه عمل کرده‌اند و شهر قدس را انتخاب کرده‌اند! درباره صحبت‌های آقای تاج هم دیگر همه چیز کاملا مشخص است. ایشان بارها اعلام کرده‌اند که فدراسیون مسئول ورزشگاه‌ها نیست. باشگاه‌ها هم که آنقدر پولدار نیستند که ورزشگاه داشته باشند و خب آنها هم گردن نمی‌گیرند. فقط می‌ماند عمه ما که اگر کمی با او حرف بزنید و از زیر زبانش حرف بکشید، اقرار خواهد کرد که مسئول استادیوم‌ها و زیرساخت‌های ورزشی در کشور خود اوست!

خوب بودید اما گول نخورید

استقلال اگر در باد پیروزی مقابل تیم ضعیف الغرافه بخوابد، با سیلی سخت حریفانی قدرتمندتر از خواب بیدار خواهد شد

«استقلال از منجلاب در آمد»، «نشان دادیم که متخصص آسیا هستیم» و چند اظهارنظر دیگر پس از پیروزی قاطعانه استقلال در مقابل الغرافه! این پیروزی ظاهرا به مذاق پیشکسوتان و مدیران باشگاه خوش آمده و آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات فنی تیم حل شده و حتی یکی دو پیشکسوت هم به هواداران طعنه زده‌اند که چرا خواهان اخراج جواد نکونام بوده‌اند؟ اما آیا این پیروزی به معنای حل شدن همه مشکلات استقلال است؟

پیشرفت انکارنشدنی

قبل از هر چیز باید پذیرفت که استقلال دوشنبه شب با تیمی که در ۳ هفته اول لیگ برتر دیده بودیم تفاوت داشت. جدا از سیستم متفاوت بازی تیم نکونام، آبی‌ها جسورانه‌تر از همیشه بازی کردند و بعد از زدن گل اول، به دفاع مطلق روی نیاوردند و با کنترل منطقی بازی، هم اجازه خلق موقعیت به حریف ندادند و هم توانستند فرصت‌های زیادی برای خودشان ایجاد کنند که نتیجه آن زدن دو گل دیگر و کسب بهترین پیروزی هفته اول و صدرنشینی در منطقه غرب بود. جواد نکونام در این دیدار به سیستم سه دفاعه خود که در لیگ بیست‌وسوم استفاده می‌کرد، برگشت و همین موضوع باعث شد شاهد اولین کلین‌شیت این فصل استقلال باشیم. نکونام در برابر الغرافه، در خط دفاعی از سامان فلاح، روزبه چشمی و رافائل سیلوا استفاده کرد. هر ۳ بازیکن عملکرد بسیار خوبی مقابل رقیب قطری داشتند و شاهد هیچ موقعیت جدی روی دروازه حسین حسینی نبودیم. جواد اکنون به آرایش سه دفاعه خود برگشته و باید دید در ادامه راه و ۳ تقابل حساس آبی‌ها مقابل نساجی، السد و پرسپولیس چه نتایجی به‌دست می‌آید.

ضعف حریف را نادیده نگیرید

نباید این پیروزی را تمام و کمال به نام استقلال و بازیکنان و کادر فنی‌اش نوشت. واقعیت این است که حریف آبی‌ها در هفته اول اصلا قدرتمند نبود و اگر بگوییم این تیم ضعیف‌ترین تیم غرب آسیا در این فصل از لیگ نخبگان است، اغراق نکرده‌ایم. اصلا قصد کوچک کردن و کم ارزش جلوه دادن پیروزی استقلال را نداریم و می‌دانیم که الغرافه بازیکنان بزرگی مثل خوسلو و دو سه بازیکن خارجی خوب دیگر را در اختیار دارد اما اولا اینکه یاسین براهیمی و مورنو به بازی مقابل استقلال نرسیدند، دوما، خوسلو مثل تمام هفته‌های اخیر اصلا روی فرم نبود. او از روزی که به الغرافه پیوسته حتی یک بار هم برای این تیم گل نزده است.

نکته دوم، درباره قدرت کلی تیم الغرافه است. واقعیت این است که الغرافه هرگز تیم بزرگ و قدرتمندی در قطر نبوده است. این تیم با وجود جذب بازیکنان بزرگی مثل مهدی طارمی، وزلی اسنایدر، شیخ دیاباته و خوسلو در مقاطع مختلف و استخدام مربیانی مثل استراماچونی، هرگز نتوانسته خودش را به سطح تیم‌هایی مثل الدحیل، السد و حتی الریان برساند و همیشه زیر سایه این تیم‌ها قرار داشته است. این تیم همین حالا با ۵ امتیاز از ۴ بازی در رده ششم جدول ۱۲ تیمی لیگ ستارگان قرار دارد، حتی پایین‌تر از امصلال و الاهلی! بهترین رتبه الغرافه در سال‌های اخیر مربوط به دو فصل پیش است که در رده سوم قرار گرفت، آن هم به دلیل اینکه الدحیل در طول فصل بازیکنانش را در اختیار تیم ملی قطر قرار داد و در رده‌های میانی جدول قرار گرفت و الغرافه این شانس را به دست آورد که برای اولین بار در میان ۳ تیم اول جدول قرار بگیرد.

بقیه رقیبان، الغرافه نیستند

مرور نتایج هفته اول و نمایش‌هایی که از تیم‌های مختلف دیدیم، نشان می‌دهد که استقلال احتمالا آسان‌ترین بازی خود را در مرحله گروهی پشت سر گذاشته و ۷ بازی بعدی این تیم به مراتب سخت‌تر خواهد بود. به همین الشرطه عراق نگاه کنید که قرار است در تهران میهمان استقلال باشد. این تیم دوشنبه شب النصر عربستان را در حالی که فقط رونالدو را در اختیار نداشت، با تساوی یک - یک متوقف کرد! النصر خوش‌شانس هم بود که یک پنالتی الشرطه با دخالت VAR باطل اعلام شد. با الهلال و النصر و السد و الاهلی که قطعا پرستاره‌تر و قوی‌تر از استقلال هستند کاری نداریم اما کاملا مشخص است که پاختاکور و الریان هم قدرتمندتر از الغرافه هستند و آبی‌ها نباید تصور کنند که در ادامه باز هم قرار است با تیم‌هایی در حد و اندازه الغرافه روبرو شوند. باز هم تاکید می‌کنیم که استقلال نسبت به بازی‌های خود در لیگ‌برتر بهتر و آماده‌تر نشان داد اما نکونام و شاگردانش نباید گول این پیروزی را بخورند و تصور کنند که از بحران و منجلاب! خارج شده‌اند. این اتفاق فقط وقتی می‌تواند با قاطعیت رخ بدهد که آبی‌ها در چند بازی متوالی موفق به ارائه نمایش‌های خوب و گرفتن نتایج خوب شوند وگرنه خیلی زود با یک نتیجه ضعیف دیگر، حرف و حدیث‌ها درباره تغییر در کادر فنی تیم شروع خواهد شد.

گزارش

توتو ایتالیا را سیاهپوش کرد

سالواتوره اسکیلاچی، ستاره سابق تیم ملی ایتالیا دیروز در سن ۵۹ سالگی از دنیا رفت

توتو اسکیلاچی، ستاره سابق تیم ملی ایتالیا دیروز در سن ۵۹ سالگی از دنیا رفت. اسکیلاچی در بیمارستان چیویک در پالرمو از دنیا رفت. جایی که او یکی دو هفته اخیر را به دلیل وخامت حالش در آن بستری بود. فوتبالیست سابق مسینا، یوونتوس، اینتر و تیم ملی ایتالیا، آقای گل جام جهانی ۹۰ شده بود.

توتو، همانطور که همه او را صدا می‌کردند، در ۱ دسامبر ۱۹۶۴ در پالرمو به دنیا آمد. او که مدتی از تومور بدخیم رنج می‌برد، چند روزی در بخش پنومولوژی در بیمارستان بستری بود. وضعیت او بهبود یافته بود تا اینکه پزشکان از بدتر شدن شرایط او صحبت کردند و در نهایت دیروز از دنیا رفت. او سه فرزند از خود به جا گذاشت.

جالب اینکه اسکیلاچی تا قبل از جام جهانی به ندرت به تیم ملی دعوت می‌شد ولی در جام‌جهانی در اولین بازی برابر اتریش به میدان رفت و گل زد. او در ادامه کنار روبرتو باجو زوج خط حمله ایتالیا را تشکیل داد و با وجود سوم شدن ایتالیا، توانست آقای گلی را از آن خود کند. توتو زمان جام جهانی بازیکن یوونتوس بود ولی در سال ۱۹۹۲ راهی اینتر شد و دو فصل نیز برای نراتزوری بازی کرد. او در سال ۱۹۹۷ با پیراهن جوبیلو ایواتا از فوتبال کنار رفت.

اسکیلاچی حتی تا مارس ۱۹۹۰ برای تیم ملی ایتالیا بازی نکرده بود. درواقع تنها در یک بازی دوستانه با انگلیس در ۱۹۸۹ به عنوان یک بازیکن سن بالا در تیم زیر ۲۱ سال امتحان شده بود. نکته قابل توجه دیگر این است که آن موقع در زمین گلداستون برایتون، پل گاسکوئین برای تیم انگلیس بازی می‌کرد. و این گاسکوئین بود که بعد از ۴۴ دقیقه به اولین بازی ملی اسکیلاچی پایان داد. «او یک لگد حواله ساق پایم کرد. و من سه تا بخیه خوردم. من خیلی گاسکوئین را دوست داشتم چون او به فوتبال به عنوان یک نمایش بزرگ نگاه می‌کرد. آن موقع‌ها بازیکنان بزرگی وجود داشتند. بازیکنان برای روحیه رقابت بود که بازی می‌کردند، برای عطش بازی، برای پیراهن. امروز دیگر آنطور نیست. از لحاظ فنی به آن خوبی نیستند. امروز فوتبال بیشتر درباره قدرت بدنی، سرعت و دویدن است. الان دیگر مهاجمان اصیل وجود ندارند. دیگر خبری از مهاجمی که فقط مهاجم باشد، نیست. من خودم آن شکلی بودم. بعضی وقت‌ها کل بازی خبری از من نبود اما وقت‌هایی که سر و کله‌ام پیدا می‌شد، بازی را می‌بردم.»

اسکیلاچی توانایی‌های مورد نیاز برای شکوفا شدن در سطح جهانی را داشت. جیوانی آنیلی، مدیر باشگاه یوونتوس در سال ۱۹۸۹ موقع انتقالش از مسینا به تورین، به او گفت: «تو گل زدن توی خونت است. از غرایز طبیعی‌ات پیروی کن و مطمئن باش که دستاوردهای بزرگی در راه است.» غرایز او در جام جهانی ۱۹۹۰ سرراست بودند: فقط برو گلش کن. او بیشترین ضربه به سمت دروازه را داشت (۲۱ بار، برابر با رکورد یورگن کلینزمن. همچنین ۱۲ ضربه داخل چارچوب).

کاپیتان تیم ملی ایتالیا در جام جهانی، جوزپه برگومی، اینطور به یاد می‌آورد: «من با توتو در اینتر بازی کردم، باید می‌گذاشتی بازی‌اش را بکند. می‌دانید از آنجور پسرهایی که فقط می‌خواهند توپ را بگیرند، غیرقابل پیش‌بینی هستند، از ۳۰ متری دروازه شوت می‌کنند و گل می‌شود: اسکیلاچی چنین چیزی بود. او بی‌قید و پرانرژی بود و بازی کردن در کنارش حس خوبی داشت.»

آلدو سرنا، هم‌تیمی و مهاجم دیگر تیم ایتالیای جام جهانی ۱۹۹۰، همین‌طور فکر می‌کند: «اسکیلاچی یک بازیکن آنارشیست بود که نمی‌توانستی در قالب بازی تیمی جایش بدهی، اما او به طرز باورنکردنی سریع و همیشه آماده شوت زدن بود و این لحظه طلایی او بود. همچنین او حمایت تماشاچی‌ها را داشت چون در یوونتوس بازی کرده بود که در سراسر کشور هوادار دارد.»

سوژه روز

موریس، بازنده همیشگی آسیا

طلایی‌پوشان اصفهان در ۲ فصل گذشته و فصل جاری با هدایت ژوزه موریس کار خود را پیش برده‌اند و روند پرنوسان سرمربی پرتغالی باعث شده تا او نه چهره‌ای بسیار محبوب نزد هواداران سپاهان باشد و نه جزو چهره‌های نامحبوب هواداران. گوشه‌ای از پرنوسان بودن عملکرد موریس را می‌توان با کسب ۴ برد در ۴ مسابقه فصل جدید لیگ‌برتر و شکست در اولین بازی لیگ قهرمانان آسیا ۲ و پیش از آن باخت در مرحله پلی‌آف لیگ نخبگان آسیا متوجه شد و بازخوانی کارنامه موریس نشان می‌دهد که او در مسابقات قاره‌ای عملکرد دور از انتظاری داشته است.

۵ باخت پیاپی در آسیا با سپاهان!

موریس با وجود کسب بردهای سریالی در لیگ برتر، در مسابقات آسیایی در حال تحمل شکست‌های متوالی است؛ به‌طوری که شاگردان او فصل گذشته در آخرین بازی مرحله گروهی مقابل الاتحاد عربستان مغلوب شدند و سپس با توجه به صعود سپاهان از مرحله گروهی، طلایی‌پوشان در بازی رفت‌وبرگشت برابر الهلال بازنده شدند و ماموریت‌شان در لیگ قهرمانان آسیا ۲۴-۲۰۲۳ به پایان رسید. در شروع فصل جدید رقابت‌های باشگاهی هم سپاهانی‌ها در مرحله پلی‌آف لیگ نخبگان آسیا با نتیجه ۴ بر یک مقابل شباب‌الاهلی شکست خوردند و به سطح دوم رقابت‌های آسیایی رفتند و باخت برابر الوحدات اردن در نخستین بازی طلایی‌پوشان در لیگ قهرمانان آسیا ۲، پنجمین باخت پیاپی آن‌ها در مسابقات آسیایی بود!

موریس و باخت‌هایی که با آنها بیگانه نیست!

ژوزه موریس پیش از پذیرش هدایت سپاهان، تجربه حضور در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا را همراه با تیم‌های الشباب عربستان و جونبوک موتورز کره‌جنوبی داشت که در ۳ حضور روی نیمکت نماینده عربستان، موریس طعم یک برد را فقط چشید و در ۲ مسابقه مغلوب شد. در دوره حضور او در تیم چونبوک موتورز هم نماینده کره‌جنوبی در ۱۴ مسابقه (در طول ۲ فصل پیاپی) در لیگ قهرمانان آسیا، فقط ۶ بار برنده شد و ۳ تساوی و ۵ باخت در کارنامه ژوزه موریس دیده می‌شود.

امیدوار به صعود از گروه مرگ

سپاهان در لیگ قهرمانان آسیا ۲ با سخت‌ترین قرعه ممکن مواجه شده و رویارویی با استقلال تاجیکستان و شارجه امارات در کنار الوحدات اردن سبب شده تا طلایی‌پوشان کار سختی برای صعود از مرحله گروهی داشته باشند. روی کاغذ تصور می‌شد که الوحدات آسان‌ترین حریف سپاهان باشد اما باخت دور از انتظار شاگردان ژوزه موریس در مسابقه سه‌شنبه، معادلات را تغییر داد. موریس که در دوره حضوش در سپاهان در ۱۰ بازی آسیایی، ۶ بار بازنده شده و فقط ۳ بار طعم برد را چشیده، امیدوار است در ادامه راه بتواند نوار باخت‌های سریالی تیمش در مسابقات آسیایی را قطع کند و سپاهان را به سلامت از مرحله گروهی عبور دهد و به مرحله حذفی برساند.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

دروسی از سرمربیگری رُم اخراج شد

باشگاه رُم صبح روز چهارشنبه به طور رسمی خبر از اخراج دنیله دروسی از سمت سرمربیگری این تیم داد؛ این در حالی است که روز گذشته برخی رسانه‌های ایتالیایی گزارش داده بودند که مالکان آمریکایی این باشگاه ایتالیایی قصد دارند همچنان با این مربی ۴۱ ساله به کار خود ادامه دهند. اخراج دروسی از سمت سرمربیگری رُم در حالی رقم خورد که جالوروسی از چهار بازی اول خود در فصل جدید سری A ایتالیا تنها ۳ امتیاز (سه تساوی و یک شکست) کسب کرده است. دروسی در ۳۰ دیداری که هدایت این تیم را برعهده داشت، آمار ۱۴ برد، ۹ تساوی و ۷ شکست را از خود بر جای گذاشت. اسکای اسپورت ایتالیا مدعی شده است که مدیران رم در روزهای گذشته با سه مربی برای حضور روی نیمکت جالوروسی مذاکره کرده بودند. ایوان یوریچ، ادین ترزیچ و استفانو پیولی سه گزینه مدنظر آنها برای هدایت این تیم در ادامه فصل پیش رو بودند که حالا پیولی در آستانه قبول هدایت النصر قرار دارد و به آنها اعلام کرده بود که در حال پرواز به عربستان است. از مکس آلگری و مائوریتزیو ساری هم به‌عنوان گزینه‌های احتمالی که شرایط اضافه شدن به این فهرست را دارند، نام برده می‌شود.

روزهای سخت لئو: مسی نمی‌تواند همیشه بازی کند

لیونل مسی در جریان حضورش در ترکیب تیم ملی آرژانتین در دیدار فینال رقابت‌های کوپا آمه‌ریکای ۲۰۲۴ مصدوم شد و برای مدتی طولانی درگیر طی کردن روند درمان مصدومیتش بود و به همین دلیل نتوانست اینترمیامی را در دیدارهایی که در رقابت‌های مختلف داشت همراهی کند. این بازیکن تقریباً پس از دو ماه دوری از میادین بالاخره فرصت بازگشت به ترکیب تیمش را پیدا کرد و در جریان پیروزی ۱-۳ اینترمیامی برابر فیلادلفیا ستاره بی‌چون و چرای تیمش بود و موفق شد دو گل به ثمر برساند و یک پاس گل را هم برای لوییس سوارز ارسال کرد و ۹۰ دقیقه هم در ترکیب حضور داشت. اما مارتینو تایید کرد که این روند همیشگی نخواهد بود و به خبرنگاران گفت: «حال لئو خوب است. او بازی را خوب تمام کرد اما مشخصا خسته است. این اولین ۹۰ دقیقه او پس از مدتی طولانی بود اما همه چیز خیلی خوب به پایان رسید. او با ما برای برگزاری هر دو بازی سفر خواهد کرد و در دسترس تیم است اما سه بازی این هفته با توجه به طی کردن مسافت‌های طولانی وجود دارد و باید ببینیم که شرایط چطور خواهد شد.

بهترین دروازه‌بان دنیا: کورتوا با ۶ دست

مقابل اشتوتگارت، این دومین بازی بود که تیبو کورتوا از زمان بازگشتش مجبور شد بیشترین مهار را داشته باشد. سه‌شنبه شب مشخص شد که دروازه یک رئال مادرید دور از انتظار، هنوز از فولاد ساخته شده است. مهارهای متوالی کورتوا و مقاومت تک نفره او برابر حملات اشتوتگارت در نیمه اول بازی، چیزی که برای هر انسانی غیرعادی است، برای تیبو امری عادی بود. این دومین بازی بود که او از زمان بازگشتش مجبور شد بیشترین مهار را انجام دهد: هفت شوت به دروازه زده شد و شش مهار (بیشترین سیو بعد از بازی با آلاوس در هفته ۳۶ فصل قبل با ۱۰ مهار). اگر رئال مادرید در نیمه اول با دو گل شکست خورده به رختکن می‌رفت، اصلا عجیب نبود. اما تیبو کورتوا آنجا بود و اجازه نداد. با این سطح از آمادگی و کسب دو لیگ قهرمانان در ۶ سال گذشته بحث بر سر اینکه تیبو کورتوا را می‌توان بالاتر از ایکر کاسیاس بهترین گلر تاریخ رئال دانست نیز مطرح شده است. چیزی که واضح است اینکه رئال اکنون بهترین دروازه‌بان جهان را دارد که در هر بازی می‌تواند تیم را نجات دهد.

اسدبیگی رسما از پرسپولیس جدا شد

سایت رسمی باشگاه پرسپولیس نوشت: «سینا اسدبیگی بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس روز چهارشنبه در باشگاه حضور یافت و پس از دیدار و گفت‌وگو با حسین بادامکی معاون باشگاه و در پی توافق طرفین از جمع قرمزپوشان ایران جدا شد.» از فولاد خوزستان به عنوان مقصد بعدی اسدبیگی نام برده می‌شود.

یامگا به نساجی پیوست

رسانه باشگاه نساجی مازندران نوشت: «کوین یامگا مدافع - هافبک فرانسوی فصول گذشته استقلال با امضای قراردادی به نساجی پیوست. این بازیکن در سه فصل حضور در استقلال با زدن ۲۳ گل در تمام رقابت‌ها، دومین گلزن خارجی تاریخ این تیم بعد از دیاباته محسوب می‌شود. ۲۱ گل یامگا برای استقلال در لیگ برتر به ثمر رسیده که طبق آمار بهترین گلزن خارجی تاریخ این تیم در این لیگ است. با توجه به مصدومیت یامگا در فصل گذشته از ناحیه چشم، تأییدات لازم مبنی بر سلامت و مجوز بازی وی از ایفمارک نیز گرفته شده است.» یامگا دیروز با انتشار پستی در اینستاگرام از هواداران استقلال خداحافظی کرد.

استقلال در اراک میزبان دربی رفت خواهد بود

باشگاه استقلال پیشنهاد برگزاری دربی رفت لیگ برتر را در ورزشگاه امام خمینی اراک داد که این درخواست مورد تایید سازمان لیگ قرار گرفت و قرار است دربی رفت در این استادیوم انجام شود. شاگردان جواد نکونام که سه روز قبل در ورزشگاه شهدای شهرقدس نخستین میزبانی در لیگ نخبگان آسیا را انجام دادند و مقابل الغرافه قطر قرار گرفتند، در فصل جاری لیگ برتر فقط در یک مسابقه از سه بازی انجام شده میزبان بودند که استادیوم سردار آزادگان قزوین را انتخاب کردند، ولی حالا قرار است در اراک به مصاف پرسپولیس بروند. باشگاه استقلال پس از دو میزبانی در فصل جدید در قزوین و شهرقدس، محل برگزاری مسابقه خود در لیگ برتر را تغییر داد و قرار است در بازی حساس هفته ششم لیگ برتر مقابل پرسپولیس، در استادیوم امام خمینی اراک مقابل سرخپوشان قرار بگیرد. پرسپولیس در سالیان اخیر همواره مشکل جدی در مهمانی یا میزبانی از حریفان خود در اراک داشته و فقط دو پیروزی برابر سپاهان و آلومینیوم داشته و ۴ بار در همین استادیوم برابر اراکی‌ها شکست خورده و از سوی دیگر در نخستین مسابقه لیگ برتری همین فصل هم که میزبان ذوب‌آهن بود، به تساوی رسیده است.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده اتحادیه تعاونی های تامین نیاز صنفی استادکاران و کارگران ساختمانی و فصلی آتیه نگر فراگیر

بدینوسیله از کلیه تعاونی های عضو دعوت می نماید نسبت به معرفی نماینده جهت حضور در مجمع عمومی که در روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ ساعت ۱۱ صبح در سالن تجمعات اتحادیه واقع در تهران میدان بهارستان ، خیابان مصطفی خمینی ، خیابان صیرفی پور ، پلاک ۳۰ (ساختمان شهید بهشتی) با دستور جلسه زیر برگزار می گردد اقدام نمایند.

دستور جلسه :

۱- گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرسین برای سال ۱۳۹۹ – ۱۴۰۰ – ۱۴۰۱ – ۱۴۰۲ – ۱۴۰۳

۲- اخذ تصمیم نسبت به تصویب صورتهای مالی برای سالهای ۱۳۹۹ – ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ – ۱۴۰۲ – ۱۴۰۳ پس از استماع گزارش بازرسی

۳- انتخابات اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره

۴- انتخابات اعضای اصلی و علی البدل هیئت بازرسی

۵- تصمیم گیری نسبت به افزایش سرمایه اتحادیه و تغییرات اعضا

اعضایی که تمایل به کاندیداتوری جهت هیات بازرسی و هیات مدیره را دارند می بایست درخواست خود را حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ انتشار آگهی به همراه تصویر کارت ملی ، تصویر شناسنامه ، تصویر مدرک تحصیلی ، تصویر پایان خدمت ، برگ سوء پیشینه ، آخرین آگهی روزنامه رسمی ، معرفی نامه تعاونی عضو اتحادیه ، بهمراه تکمیل فرم درخواست کاندیداتوری به دفتر اتحادیه ارسال نمایید.

هیات مدیره

۲۵۰ فیلم . شمارش معکوس -۷

ششلولبندها و خرابکارها

هفتمین قســمت از پاورقی جدید ما بعد از دو تا پنجشنبه تعطیلی امروز منتشر می‌شود. امیدوارم این فاصله زمانی شما را از این پاورقی دور نکرده باشد. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شــمارش معکوس. شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول‌تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیســتند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد!

۱۸۶- خرابکاری. اقتباس هیچکاک از یک نوول جوزف کنراد که داســتان یک جاسوس در لندن دهه سی را نمایش می‌دهد که برای ارسال یک محموله بمب موجب مرگ پسرک دوازده ساله معشوقه‌اش می‌شود. فیلمی تراژیک و پر از همان تکانه‌های خاص هیچکاکی. به عقیده نگارنده بهترین فیلم انگلیسی هیچکاک.
Sabotage.1936

۱۸۵- عشق دیوانه وار. این سومین فیلم ژاک ریوت است اما اولین فیلمی است که دستمایه‌های مورد علاقه این ســینماگر بزرگ فرانسوی را مشخص می کند. یک درام رمانتیک ۲۵۰ دقیقه‌ای بازیگوشانه سیاه و سفید متمرکز رابطه ویرانگر زوجی به نام کلر و سباستین. اگر عاشق ســینمای موج نو هستید این فیلم را از دست ندهید.
Lamour fou.1969

۱۸۴- روزی روزگاری هالیوود. پارودی جالب کوئنتین تارانتینو بر مبنای داستان قتل رومن پولانسکی و شــارون تیت اینجا به مرزهای جدیدی از تخیل می‌رسد و با لحنی طنزآمیز یک نسخه انســانی‌تر و البته تخیلی از این فاجعه می‌آفریند. حضور دی کاپریو و مارگو رابی و براد پیت در کنار هم از نقاط قوت‌های این آخرین فیلم تارانتینو است.
Once upon a time Hollywood.2018

۱۸۳- قاتلین پیرزن. کمدی دیوانه‌وار و سیاه الکســاندر مکندریک که از یک فیلمنامه دقیق، بازی‌هــای درجه یــک (از جمله الک گینس و پیتر ســلرز) و کارگردانی هوشمندانه سود می‌برد. داستان یک گروه دزد بی‌رحم که در خانه یک پیرزن مخفی می‌شوند و در حالیکه می‌خواهند خودشان را از دست او راحت کنند دانه به دانه به شکلی باورنکردنی از بین می‌روند.
Lady killers. 1955

۱۸۲- مهمیز برهنه. بهترین وسترن از میان ۵ وسترنی که آنتونی مان با جیمز استوارت ساخت. آندره بازن همان سال‌ها فیلم را بهترین وسترن دهه خوانده بود. ترکیب جیمز استوارت با جانت لی و رابرت رایان، فیلم را چشم نواز و موثر ساخته بود. داستان یک جایزه بگیر که درگیر ماجراهای پیچیده‌ای می‌شود.
Naked Spurs. 1953

۱۸۱- گل‌های شانگهای. فیلم ظریف و اســتادانه و البته سخت هوشیائو شین ســینماگر تایوانی. درباره گروهی از زنان خاص و گران قیمت شانگهای در اوایل قرن بیستم و رابطه پیچیده و فاخری که با مردان خود و حامیان خود داشته‌اند. یک فیلم دقیق و ظریف و نجیبانه در عرصه فرم.
Flowers of shanghai.1988

۱۸۰- بری لیندون. فیلم شکوهمند استنلی کوبریک که مثل همه آثارش یک جاه طلبی خاص فرمال در درون خود نهان دارد. مثلا این که تمام نورپردازی‌ها به شکل طبیعی و بدون هیچ منبع نور مصنوعی انجام شده است. فیلم بر مبنای رمانی از ویلیان تکری به عنوان شانس بری لیندون ساخته شده است. رایان اونیل و ماریزا برنسون بازیگران اصلی این فیلم هستند.
Barry lyndon.1975

۱۷۹- بانوی زیبای من. موزیکال مخملی جورج کیوکر بر مبنای نمایشنامه مشهور جرج برنارد شاو با بازی‌های خوب رکس هریســون و ادری هپبورن. این فیلم در ایران محبوبیتی مضاعف پیدا کرد. برخی تم‌های مشهور فیلم ابعاد آشکار ضد زن دارد که ناشی از نگاه خاص برنارد شاو بوده است. با این حال فیلم فوق‌العاده سرگرم کننده و حاوی یک زیبایی شناسی سطح بالاست.

My fair lady.1964

۱۷۸- ای برادر کجایی. کمدی درخشان برادران کوئن درباره سرنوشت خاص سه زندانی فراری از ایالت‌های مرکزی آمریکا که به نوعی ادای دین به سینمای پرستن استرجس است. فیلمی درجه یک، درخشان و آکنده از سکانس‌های ساختار شکن آن هم در یک بافت کمدی استثنایی. جورج کلونی یکی از بهترین بازی‌های خود را در این فیلم به نمایش می گذارد.
O brother where art thou?.2001

۱۷۷- خاموشی دریا. اثر کلاسیک ژان پی یر ملویل که به نوعی اولین فیلم اوست و بر مبنای اثر درخشان ورکور ساخته شده است. نگاهی سرد و اگزیستانسیالیستی به ماجرای اشــغال فرانسه توسط آلمان از زاویه نگاه عشــق یک افسر فرهیخته آلمانی به یک دختر جوان فرانسوی که در ســکوت به تقلای افسر اشغالگر برای ایجاد ارتباط نگاه می کند .فیلمی استیلیزه و از بهترین کارهای ملویل.
Le silence de la mer.1948

۱۷۶- مردی از غرب. وسترن روانشناسانه آنتونی مان با بازی گری کوپر که برخی آن را بهترین فیلم مان می‌دانند. داستان یک ششلول‌بند سابق که برای پیدا کردن معلم برای شهر خود سروکارش به همان دارو دسته وحشی قدیمی میافتد. فیلمی سیاه و موثر و درجه یک. گری کوپر هرگز بهتر از این فیلم نبوده است.
The man from west.1958

۱۷۵- آوای کوهستان. یک ملودرام گزنده از میکیو ناروسه. داستان زنی خانه دار در توکیو که از بی توجهی‌های همسرش به سرحد فروپاشی عصبی رسیده و در این میان تنها پدرشوهرش محرم راز اوســت. فیلمی گرم و عالی محصول دوران اوج فعالیت طولانی ناروسه در سینمای ژاپن. خانم ستسوکو هارا در این فیلم بازی می کند و پرتره‌ای شــکننده‌تر از تصاویر مشهورش در فیلم‌های ازو می‌آفریند.
Sound of mountain.1954

سینمای ایران در مشت آنهاست

رده‌بندی ده بازیگر کمدی سینما و سریال‌های خانگی

۱ پژمان جمشیدی. او سلطان گیشه است. بازیکن سابق پرسپولیس در شش سال گذشته بی‌شمار کمدی موفق در کارنامه داشــته: تگزاس ۳، هتل، شهر هرت، بخارســت، ویلای ســاحلی و قبلش هم مجموعه آثار پرتماشــاگری مثل خوب بدجلف و پژمان. در کنار این کمدی‌ها، تجربه‌هــای موفق در فیلم‌هــای جدی کم نداشته است: بی بدن، علفزار، یادگار جنوب. او در حال حاضر سلطان ســینمای کمدی ایران است. جمشیدی ۴۷ ساله است.

۲ رضا عطاران. در سال‌های اخیر کم کار بود که یکی از دلایلش دستمزدهای کلانی بود که طلب می کرد. با این حال حضور موفقش در سریال دفترچه یادداشت و بعد هم کمدی‌های پرفروشی مثل قیف و انفرادی و یک توفیق نصفه و نیمه با ویلای ســاحلی نشان می‌دهد که عطاران هنوز هم از بامزه‌ترین کمدین‌های ایرانی است. هرچند شــاید دوران اوجش گذشته است. دورانی که با سریال‌های کمدی ماه رمضان شروع شده بود و با نهنگ عنبر و مصادره و هزارپا و ورود آقایان ممنوع به اوج خود رسیده بود. عطاران ۵۶ ساله و اهل مشهد است.

۳ مهران مدیری. پادشــاه ســابق که در یک دهه گذشته زیاد به خودش ســختی نداد. مجری شد و یکی دوتا سریال مبالغه آمیز ساخت و بر تیپ مورد علاقه‌اش یعنی «مرد حقه باز زن بــاره» تاکید کرد. مدیری هنوز کم نظیر است اما تلاشــش برای نمایش وجه متفکر و خودآگاه و کنترلش بر میمیک‌های چهره‌اش کمی او را از تخت ســلطنت به کناری رانده است. مدیری احتمالا بالای شصت سال ســن دارد اما خودش اصرار دارد که بگوید ۵۶ ساله است .

۴ سام درخشانی. بازیگر ۴۹ ســاله تهرانی که در ســال‌های اخیر اســتعداد غافلگیر کننده‌ای از خود به نمایش گذاشته و روز به روز بازیگر بهتری می‌شود. زمانی با پژمان جمشیدی یک زوج تماشایی عرضه کردند که در سری خوب بد جلف و ســری پژمان و همین طور در مجموعه تگزاس ثابت کردند که چه زوج موفق و قابلی هســتند با این حال درخشــانی بدون جمشیدی هم ارزش‌های خود را نشان داده است. مثل حضور موفقش در سریال کم قدر دیده روزی روزگاری مریخ. کارنامه کمدی او در یک دهه گذشته پر از موفقیت‌های پیاپی است.

۵ جواد عزتی. چند ســال قبل به نظر می‌رســید مهم‌ترین تهدید جایگاه عطاران او باشــد اما شــیفت ناگهانی‌اش به سمت سینمای جدی او را از این موفقیت دور نگه داشت. او با هزارپا درخشــید و حتی عطاران را نیز در لحظاتی تحت‌الشــعاع خود قرار داده بود. او بعد از موفقیت هزارپا تا به امروز تنهــا در یک نقش کمدی ظاهر شده که همان تمساح خونی است که خودش هم کارگردان بوده است و زمانش را در بازی در سریال زخم کاری و فیلم مردبازنده و شــنای پروانه و آتابای تقسیم کرده و ثابت کرده بازیگر خوب نقش‌های درام است.

۶ هوتن شکیبا. مهم‌ترین چهــره و پدیده یک دهه گذشــته که با تئاتر شــروع کرد و وقتی سروش صحت فرصت بازی در نقش حبیب در سریال لیسانسه‌ها را به او بخشید، کمال اســتفاده را کرد. حضورش در مهمانی ایرج طهماســب و کاراکتر بچه بر محبوبیت او افزود. با این حال خیلی راغب به نقش آفرینی در عرصه کمدی نیست و در ســه گانه‌اش با الناز شاکردوست (شبی که ماه ...تی تی و ابلق) و فیلمی که بــا پریناز ایزدیار بازی کرد(ملاقات خصوصی) این عدم تمایل را نشان داده است و در سینمای کمدی به همان کاراکتر بسیط و محبوب حبیب بسنده کرده است. شکیبا ۴۰ ساله است.

۷ بهرام افشــاری. بازیگر بلند قامت ۳۷ ســاله که با ســریال پایتخت شناسانده شد و در ســال‌های اخیر با فیلم‌های پرفروشی مثل فسیل، سگ بند، رحمان ۱۴۰۰ و سال گربه خودش را به عنوان یک کمدین شناسانده است .

۸ جواد رضویان. یک استعداد خالص و ناب عرصه کمدی که مشخص نیست چرا ســینماگرها از او کمتر استفاده می کنند. بازیگر ۵۰ســاله اهل قم سال‌هاست که در عرصه ســینما بازی جدیدی ارائه نکرده ووقت و اســتعدادش را در مجری گری برنامه‌های تلویزیونی و تاک‌شوها هدر داده است.

۹ بیژن بنفشه خواه. آچــار فرانسه همه سریال‌ها و فیلم‌ها. امکان ندارد از پس نقشــی بر نیاید. ذاتا با نمک اســت و از اندازه لازم کمدی برای هر نقش کاملا مطلع اســت. با این حال زمین بازی او بیشتر سینمای خانگی است.

۱۰ ایمان صفا. برنامه جوکر او را شناســاند تا از یک بازیگر حاشــیه‌ای به یک بازیگر مهم کمدی بدل شود. نقش آفرینی‌هایش در چند سریال نمایش خانگی نشان از استعداد پنهان او داشــتند. او در فسیل و بخارست به عنوان دو فیلم بسیار پرفروش این سال‌ها حضور داشته است. صفا ۴۰ ساله است.

تکمله۱: با حفظ جایگاه مهران غفوریان، رضا شفیعی جم، حسن معجونی، رضانیکخواه و همین طور پدیده‌ای که در سریال مگه همه عمر چندتا بهاره کشف شده بود: مجید یوســفی و همین طور چهره‌هایی مثل قدرت‌الله ایزدی و کاظم سیاحی و البته سیامک انصاری.

تکمله ۲: نیما شــعبان نژاد می‌تواند پدیده بزرگ کمدی ایرانی باشد اگر بیشتر نقش‌های کمدی بازی کند و وقت خود را در رئالیتی‌شوها و تاک‌شوها هدر ندهد.

روایت

روایت فریدون جم درباره وضعیت رضاشاه پس از استعفا از سلطنت

حوالی بیست‌ویک، بیست‌ودوم شهریور بود که از رادیو شنیدیم که اعلیحضرت [رضا شاه] از تهران حرکت کرده‌اند به طرف اصفهان و از سلطنت استعفا کرده‌اند به نفع ولیعهد. با وجودی که تب داشتم، سوار ماشین شدم و به استقبال رفتم. تقریباً یک پنجاه شصت کیلومتر من با آن حالت تب در حالی که سرم دَوَران داشت، ماشین راندم و بعد رسیدم به یک جایی، کنار جاده ماشین را نگه داشتم و به‌قدری حالم بد بود که پیاده شده و جلوی اتومبیل روی زمین دراز کشیده بودم.

نیم‌ساعت سه‌ربعی که گذشت دیدم یک اتومبیل خیلی قراضه و لکنته‌ای آمد و ایستاد و درش باز شد. دیدم اعلیحضرت تک‌وتنها با یک کیف‌دستی از ماشین پیاده شدند. گویا در راه ماشین‌شان خراب شده و اعلیحضرت و عده‌ای مسافر که اعلیحضرت را شناخته بودند پیاده شده بودند و اتومبیلشان را داده بودند به اعلیحضرت. اعلیحضرت هم گفته بود که «خیلی خوب این ماشین را که تعمیر کردید آن‌ها را سوار کنید و بیاورید»، با آن ماشین آمده بودند بدون اسکورت و کاملاً تنها با یک کیف‌دستی و عصا.

من که دراز کشیده بودم دیدم یک کسی با عصا به من می‌زند که «پسر بلند شو تو اینجا چرا خوابیده‌ای، روی زمین چرا خوابیده‌ای؟» من تب خیلی شدیدی داشتم بلند شدم و وقتی اعلیحضرت را دیدم البته خیلی به من تأثیر کرد. دیگر به این وضع که اعلیحضرت را دیدم اصلاً نمی‌توانستم خودم را نگه دارم. شروع کردم به گریه کردن. هم مریض بودم و اعلیحضرت با آن دم‌ودستگاه و با آن شخصیت را با این وضع دیدم آمده‌اند. اعلیحضرت گفتند که یعنی چه؟ پاشو و بنشین اتومبیل مرا ببر خانه. سؤال فرمودند کجا هستید و گفتم در اصفهان در خانه‌ای هستیم. عقب اتومبیل سوار شدند و من راندم و بردمشان خانه.

دو سه روزی آنجا بودند، صحبت‌هایی شد که کجا بروند، بنا بود از ایران خارج شوند، ایشان می گفتند برای من فرقی نمی کند. من مایل به خارج شدن از ایران نیستم. مردن در ایران را به زندگی در خارج ترجیح می‌دهند. می گفتند زندگی ایشان دیگر تمام است... پیشنهاد شد که برویم شیلی یا آرژانتین و اقداماتی هم بعداً در تهران شد، حتی انگلیسی‌ها هم شنیدم موافقت کرده بودند که حاضرند ایشان بروند به آمریکای جنوبی و قرار بر این شده بود که حرکت کنند بروند به بمبئی، در بمبئی ده یا بیست روز بمانند و بعد یک کشتی جنگی بیاید و ایشان را بردارد و ببرد مثلاً به طرف سواحل شیلی...

کشتی راه افتاد و ما رفتیم... از دور پس از دو سه روز ساحل بمبئی پیدا شد و ما با دوربین نگاه می کردیم. یک هتلی بود هتل تاج‌محل معروف است. از راه دوربین این را می‌دیدیم و نگاه می کردیم و لباس پوشیده بودیم و چمدان‌ها را بسته بودیم و حاضر شده بودیم که برویم آنجا پایین. بعد از مدتی که آنجا ایستاده بودیم در صحنه کشتی ما دیدیم که چندتا از این ام‌تی‌بی‌ها (موتور توربیدو بوت) می‌آید. تویش هم سربازهایی که لباس سفید پوشیده بودند و تفنگ دستشان هست. به‌سرعت به طرف کشتی می‌آیند. کشتی ما هم وسط دریا ایستاد... پرسیدم موضوع چیست؟ گفتند که «بله دولت پادشاه انگلستان تصمیم گرفته است و از طرف وایس روی (نایب‌السلطنه) به ما دستور داده شده که من بیایم اینجا و به اعلیحضرت ابلاغ کنم که دریاها ناامن است و خطر دارد. کشتی‌های ژاپنی در دریا هستند و از این حرف‌ها و مدتی حالا لازم است بروند جزیره موریس...»

بخشی از مصاحبه فریدون جم (۱۲۹۳-۱۳۷۸) با پروژه تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد، نوار اول و دوم
تاریخ مصاحبه: ۳ آذر ۱۳۶۰

نشان باشگاهی انگلیس؛ از پسران آبی تراکتور تا رابین‌هود

شهنام صفاجو | نشــان باشگاهی در ورزش فوتبال نشــانه هویت فرهنگــی و منطقه‌ای رایج در هر جغرافیای ملی است که بسیاری از تیم‌ها به آن اهمیت داده و ســابقه دیرین خود را در آن بروز می‌دهند. در ایران با وجود انبوه تیم‌هــای صنعتی، ایــن موضوع رنگ متفاوتی دارد و بیشــتر جنبــه تبلیغی پیدا کرده است؛ اما هدف این مقاله که توسط «تام هنکوک» در ۲۰ اوت ۲۰۲۴ در مجله مطرح fourfourtwo منتشــر شــده، تحلیل و ارزیابی ۹۲ آرم باشــگاهی در همه رده‌های فوتبال انگلیس است. برخی از نشان شهر خود استفاده کردند، برخی دیگر هم از حروف اول نام تیم، پرندگان، حیوانات، اســلحه و حتی تصویــر گرافیکی بازیکنان ســابق تیم الهام گرفتند. ترجمه و تلخیص ۲۰ تیم انگلیسی که نشــان زیبا، متفاوت و بعضــاً غیرجذاب دارند، از نظر شما می گذرد...

۲۰ بورنموث
بورنموث تنها باشگاه انگلیســی است که از تصویر یک بازیکن ســابق روی نشــان خود استفاده کرده است، سیلوئتی که در حال هد زدن به توپ دیده می‌شــود، اسطوره باشگاه دیکی داوست (Dickie Dowsett) است که مهاجمی گلزن طی ســال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۲ بود و نقشــی کلیدی در شــکل‌دهی هویت مدرن این تیم داشت.

۱۹ هادرسفیلد
نشــان هادرســفیلد به طُرق مختلف تاریخ باشــگاه و منطقه یورکشــایر را ارج می‌نهد. در لوگو هاردسفیلد ســگی از نژاد تریر دیده می‌شــود که پُرانرژی و باهوش است و لقب این تیم هم خوانده می‌شود؛ تریر یورکشایر با ظاهری خشن که مطلقاً توپ را پس نمی‌دهد! و مبارزه می کند.

۱۸ لیدزیونایتد
گل رُز سفید یورکشایر منقش به توپ فوتبال، ویژگی برجسته یک نشان ساده اما باکلاس است که ماهیت آن بیش از ۲۰ سال تغییری نکرده بود، اما با یک پیشنهاد در سال ۲۰۱۸ تقریباً خراب شده است.

۱۷ سوانسی
این یک افسانه است که قوها می‌توانند بازوی شما را بشکنند، اما شما این پرنده باشکوه که بر نشان به روز شــده سوانسی نقش بسته را نخواهید گرفت. این قلعه قبلاً فتح شده است.

۱۶ ساندرلند
تاج کنونی ســاندرلند که دارای نشانه‌های محلی بنای یادبود پنشاو و پل ورموت است، همزمان با افتتاح ورزشــگاه Of Light در سال ۱۹۹۷ سر به آسمان گذاشت؛ اگرچه در آزمون زمان ایستاده است.

۱۵ ترانمر رووِرز
ارتش ســفید ترانمر از ناحیه مرسی‌ساید، با شــروع فصل ۲۲-۲۰۲۱ در تاریخ و نشان و پیراهن یکپارچه شــده و با توجه به صنعت کشتی‌ســازی این منطقه، لوگو این باشگاه قدیمی ۱۴۰ ســاله گزینه رنگ و فوتبال که با کشتی جنگی مزین شده را نشان می‌دهد.

۱۴ بولتون واندرز
لوگو گرافیکی تمیز و مدرن با آرایش دایره‌ای BWFC برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ روی پیراهن بولتون نقش بســت و فوراً در جمع ســرگردان‌ها (لقب تیم) قابل تشخیص شد؛ جایی که سال تاسیس باشگاه ۱۸۷۷ هم ذیل این نشان خودنمایی می کند.

۱۳ اپسویچ تاون
تابه‌حال دیده‌اید اسبی پا به توپ در حال زدن یک گل انفرادی شگفت‌انگیز باشد؟ این نشان باشگاه آبی‌ها با لقب پسران تراکتور است که توسط «جان گاماژ» طراحی شده است؛ با این توصیف که این حیوان نجیب برای تسلط بر یک نشان مناسب است.

۱۲ ناتس کانتی
اگر هر باشــگاهی ســزاوار اســت که سال تاســیس خود را در نشان باشــگاه بگنجاند، شماره یک این ایده ناتس کانتی است؛ یکی از قدیمی‌ترین تیم‌های حرفه‌ای فوتبال بریتانیا که ســال ۱۸۶۲ تاسیس شــده و با افتخار و صدای بلند در قلب نشان تیم نشسته است. زاغ‌هایی که بالای توپ نشسته‌اند و راه‌راه‌های سیاه و ســفید نمادین هم درجه یک به نظر می‌رسند.

۱۱ دربی کانتی
طرح گرافیکــی انواع حیوانات روی نشــان تیم‌های باشــگاهی در لیگ برتر و ســطوح پایین‌تــر دیده شــده‌اند، اما هنــوز هم فکر می کنم قوچ سفید دربی که ظاهری خصمانه هم دارد، ضعیف‌ترین برداشــت از این ایده عمومی است که نیازی هم به توضیح بیشتر ندارد!

۱۰ رکسهام
این لوگو یک تاج درخشــان ولزی اســت، با اژدهای قرمز و ترکیب رنگ زرد و ســبز که عالی به نظر می‌رسد. رکسهام برای استفاده از نشان شاهزاده ولز نیاز به اجازه کاخ باکینگهام داشت؛ در حالی که نوشته Ich Dein روی لوگو به زبــان آلمانی معنــای «من خدمت می کنم» را دارد، ایــن واژه مرکب را به زبان ولزی قدیمی Eich Dyn هم نسبت دادند که به معنی «مرد شما» است. تیم پُرطرفدار رایــان رینولدز و راب مک‌الهنی یک نشــان زیبای هالیوودی دارد؛ اگرچه هنوز در لیگ ملی انگلیس است.

۹ لوتون تاون
دیدن نشــان‌هایی بــا کلاه شــوالیه قرون وسطایی معمول است، نه کلاه قایق‌سواری؛ اما کلاه‌دوزی میراث لوتون است و این نسخه اصلاح‌شــده، تاج شــهر منطقه بدفوردشایر انگلســتان را همراه محصولات کشاورزی و زنبور عسل به زیبایی تکمیل می کند.

۸ بلک‌برن رووِرز
این یک گل رز قرمز لنکســتر است که روی چیزی شبیه لوح، همراه شعار لاتین باشگاه «هنر و کار» Arte et Labore حک شــده است. این نشان قطعاً شایسته قهرمان سابق لیگ برتر انگلیس هست.

۷ منچستریونایتد
سران منچســتریونایتد از سال ۱۹۷۳ زمانی که لقب شــیاطین ســرخ Red Devals را به نام خود اضافه کردند، نشــان باشــگاه را تغییر نداده‌انــد؛ چرا که این نشــان قابل تشخیص‌ترین لوگوی تیمی در فوتبال جهان است.

۶ لیورپول
نشان لیورپول یک نســخه مینیمالیستی از Liver Bird یا پرنده لیور است که نماد شهر بندری لیورپول به‌شــمار می‌رود؛ موجودی اسطوره‌ای که ریشه در تاریخ کهن بریتانیا در منطقه مرسی‌ساید دارد. در این لوگو دو شعله ابدی برای ادای احترام بــه قربانیان تراژدی هیلزبورو هم دیده می‌شود.

۵ نیوکاسل
سپر سیاه و سفید که توسط دو اسب دریایی قوی محافظت می‌شــود، همراه با یک شیر طلایی که پرچم بریتانیا را در دســت دارد، نشان تیم شهر بندری نیوکاسل است که یکی از متمایزترین نشان‌های باشگاهی در فوتبال انگلیس را به ارمغان می‌آورد.

۴ بارنزلی
یک شیشــه‌گر و یــک معــدن‌کار، تلفیقی گرافیکی از هنر و صنعت روی لوگو باشــگاه فوتبال بارنزلی اســت. امیدواریم آن اژدهای نامتجانس میانه طرح قصد نداشته باشد که آنها را به خاکستر تبدیل کند!

۳ بارو
آیا می‌توانید تفاوت عناصر بصری لوگو باشگاه فوتبال بارو Barrow را ببینید؟ یک زنبور روی یک تیروکمان، گل ســرخ شکوفا و یک زیردریایی که نشاندهنده میراث کشتی‌سازی در شهر کامبریا انگلیس است و روی پیراهن پرنــدگان آبی لیگ دو انگلیس نقش بســته است.

۲ ولورهمپتون
ولوز تنها باشــگاه لیگ برتری است که لوگو آن نیاز به هیچ توضیحی ندارد! این یک طرح نمادین از تیم گرگ‌ها اســت که برای شــما شکی باقی نمی‌گذارد که چه تیمی این نشان جذاب را بر سینه دارد.

۱ ناتینگهام فارست
نشان این باشگاه بزرگ در عین سادگی خود هیجان‌انگیز و کاملاً نمادین اســت. یک نما از درخت‌های سر به آســمان سائیده جنگل شــروود که تا ابد نام رابین‌هــود را زنده نگه می‌دارد.

خط قرمز و دیدبانی و پاسخگویی
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
پنجشنبه | ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۶۸

پیام‌های برگزیده خوانندگان/پنجشنبه‌ها/ پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

اندر حکایت خاله خرس‌ها و عمه خرس‌ها

سحر دولتشاهی، قیمت بنزین، روز سیگار، فرشته حسینی، شبکه افق، جلال آل‌احمد و پری صابری

۰۹۱۹۵۰۶: اقاما من از این گوشی! که نه با نگلرام چیزی می‌شه فرستاد برانون و نه با واتساپ و نه با اینستا و نه با هیچی دیگه...! فقط پیامک! گوشی شده مثل به تیکه چوب!

تیکه چوب مگه کم چیزیه داش؟ قدرشو بدون و باهاش حال کن اساسی. اتفاقا مال من همان پیامک هم نمی‌فرسته! فقط ماسماسکیه که باهاش همسترایزی می‌کنم!

۰۹۳۶۵۰۹: اقای افشار. عکس خانم حسینی سوپراستار سینما رو با سیگار چاپ کردین. جالب نبود. برای ما جاپ عکس شما در حال یک زدن به سیگار، خیلی ارزشمندتر است. راستی چرا توی تقویم روز سیگار نداریم.

اینم از شانس ماست که نه روز سیگار، نه روز کفتر و نه روز لیمو نداریم! (به یاد رفتی آخرین شماره کفتر رو درآوردیـــ. خودم از اینـــرام خواهش می‌کنم سیگار بر لب و لیمو در دهان و چای در دست، به عکس جیگر از خودش براتون چاپ کنه که بگید واخواه اون ایرام ایرام که می‌گفتن همین لعنته؟!)

۰۹۱۸۹۶۹: چرا اراده‌ای در کشور برای تعیین وضعیت مالکیت اراضی کشاورزی دارای برگ نسق یا بنچاق که قبل از انقلاب به کشاورزان روستاهای خومه شهرستان‌ها (مراکز استان‌ها) تحویل داده شـد وجود ندارد؟ با در نظر گیری عوارض انسانی، محیط زیستی و اداری گسترده از!

۰۹۱۲۲۱۱: هفتـــه قبـــل مطلبـــی راجـــع بـــه نحوه شایعه‌پراکنی جلال آل‌احمد برای درگذشت شادروان تختی نوشته بودید؛ می‌شه تاریخش رو بفرمایید؟ چون بعض نیاز دارم در ضمن فکر کنم در قصه‌های گمشده ۲۰ شهریور بود ولی جالبه که این قسمت در سامانه اینترنتی روزنامه نیست.

خدا بگم چیکارت کنه جلال! اگه الان بودی، کفترباز من هم به شـاه نسبت می‌دادی جان خودم!

۰۹۳۵۰۹: من خواننده هر روز روزنامه شـما هستم. به عنوان یک روزنامه‌خوان همیشگی و شاید حرفه‌ای، متوجه تلفن شما برای انتشـار یک روزنامه منصف و البته واقع‌گرا و در عین حال جامع هســتم اما یک نکته برام خیلی جالب‌توجه هست. شما سعی کردید در کلیه بخش‌ها (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) رعایت انصاف و بی‌طرفی و بکشید اما به طرز عجیبی در بخش ورزشی، تمایل به رنگ آبی توی چشم میاد. به مسئول و دبیر آن بخش بفرمایید فوتبال ایران فقط به رنگ آبی نیســت، ترکیبی از رنگ‌های مختلفه. این حجم از خبر و تحلیل و گزارش از استقلال در نیم‌صفحه، اونم به‌صورت تقریبا هر روز، یکم سیاست انصاف حاکم بر روزنامه شماره و زبر سوال می‌بره. موفق باشید.

۰۹۱۵۱۰۴: چرا امکان خرید اینترنتی روزنامه به صورت تک‌شماره حذف شده است؟

پس چند شماره؟!

۰۹۳۶۶۲۹: یک شبکه تلویزیونی به‌نام (افق) داریم که در من (انقلابی) سال هاســت یک ساعت هم نتونستم یک برنامه‌ش را تحمـــل کنم! و فوری کانـــال عوض کردم!! کار این شـــبکه کارشـــکنی علیه دولت‌هاســت! یک زمانی تخریب دولت شـــهید رئیسی و حالا دولت نوپای پزشـــکیان!! واقعا به‌قول بعضیا کمین کـــرده که دولت دیکته بنویسه و ریشه‌کن‌ش کنه!! من نمی‌دونم اساسا این شـــبکه برای چی تاسیس شـــده؟ چون در انقلابی بودش هم سال‌هاست شک داشتیم و داریم!!! اما می‌شود به جای یک شـــبکه بدون مخاطبی مثل افق، شـــبکه‌ای داشته باشیم که به اقوام و اداب و رسوم و فرهنگ‌های ایرانی بپردازد؛ نخبه جوان اگر تاریخ و فرهنگ و اقوامش را بشناســـد به جای فرار به غرب؛ به عمران و پیشرفت وطنش کمک می‌کند.(مجتبی گروسی از مشهد)

نخبـــه جوان نیســـا می‌کنه کجا بمونه! به‌ش پول می‌دن بره؛ اونجا (مثـــل خود ایرام که الان سال‌هاست منتظره از لومونت تبریز پیشنهاد سردبیری برسه، اونام که وقعی نمی‌نهن!)

۰۹۱۶۶۵۱: استاد افشـــار، ما که به خاطر گزارشگران و بعضی مهمانان برنامه‌های ورزشـــی و غیره؛ از تماشای تلویزیون کلا منصرف شده‌یم! چون روی اعصاب بودند. اما صفحه ورزشـــی روزنامه هفت‌صبح هم بدتر شـــده؛ شده صفحه «خلاق در خانواده». ۱۰ روزه که به خداداد عزیزی بند کرده؛ باباخداداد همیشه، عوض نمی‌شه. بعد هم فقط در مورد فوتبال نوشته می‌شه. بدون ذکر نتیجه بازی، ریخ صفحه در مورد آن توضیح می‌نویســـد. اما ورزش‌های دیگر هم وجود دارد؛ از آنها بنویســـید. کلا صفحه ورزشی باید تغییر کند؛ نقطه ضعفه.

و باقی شما کل صفحه ورزشی مارو بگردید، به جواد خیابانی و به میثاقی و به سرهنگ علیفر، توش پیدا نمی‌کنین. بس که همه‌شون آقان!

۰۹۱۱۸۴۶: در شـــجاعت و عدالت قاضـــی خلج، نباید ذره‌ای شـــک کرد ولی ای کاش می‌توانســـت قضاوت شجاعانه‌ای نیز در مورد آنان که بیت‌المال را مأخ چپاول قرار دادند می‌کرد نه تنها اختلاگران گوشـــت و غیره را (جمالی لاهیجان)

۰۹۳۸۹۴۵: اقای خوشـــخو، شما و حســـین عصران و خانم نصراللهی و... فر هیخته و بـــارون و نگرگ و رگبار و پاییز و غیره خز و خیل دم‌تونم گرم اما روزنامه‌تون رو با همه تناقض‌هاش واقعا دوس دارم. (ارادتمند... مخاطب پیگیر فرومایه)

منم خواهشتا جزء همون «خز و خیل»ها حســـاب کنین من بمیـــرم! مخصوصا ایـــن روز! که از «خز»ی درآومدم و خیلی «خیل» شدم!

۰۹۱۸۲۰۴: بـــا درود و خســـته نباشـــید خدمـــت هفت‌صبحی‌های گرامی، می‌خواستم راجع به مسئولینی که در رابطه با ســـریال داربوش موضع گرفته و حرکات دست و گردن سحر دولتشاهی را خلاف اعلام کردن بگم اخه با این حرکات تکان دادن دست، از خلاف سنگین این شـــبکه برای چی تاسیس شـــده؟ چون در انقلابی بودنش هم سال‌هاست شک داشتیم و داریم!!! اما می‌شود به جای یک شـــبکه بدون مخاطبی مثل افق، شـــبکه‌ای داشته باشیم که به اقوام و اداب و رسوم و فرهنگ‌های ایرانی بپردازد؛ نخبه جوان اگر تاریخ و فرهنگ و اقوامش را بشناســـد به جای فرار به غرب؛ به عمران و پیشرفت وطنش کمک می‌کند.(مجتبی گروسی از مشهد)

نخبـــه جوان نیســـا می‌کنه کجا بمونه! به‌ش پول می‌دن بره؛ اونجا (مثـــل خود ایرام که الان سال‌هاســـت منتظره از لومونت تبریز پیشنهاد سردبیری برسه، اونام که وقعی نمی‌نهن!)

۰۹۳۸۹۴۵: اقای هفت‌صبح! از ۲۴ شهریور بارش‌های پاییزی بیش از ۱۰ اســـتان کشـــور را در گیر کرده اما مسئولین هواشناسی از مرداد ماه مرتب اعلام می‌کردند که امســـال پاییز دیرتر می‌آید. همه نیک می‌دانیم که بزرگترین ماهواره‌ها و دستگاه‌های پیشرفته مانند ناسا و سال‌هاست منتظره از لومونت تبریز پیشنهاد سردبیری برسه، اونام که وقعی نمی‌نهن!)

۰۹۳۸۹۴۵: اقای هفت‌صبح! از ۲۴ شهریور بارش‌های پاییزی بیش از ۱۰ اســـتان کشـــور را در گیر کرده اما مسئولین هواشناسی از مرداد ماه مرتب اعلام می‌کردند که امســـال پاییز دیرتر می‌آید. همه نیک می‌دانیم که بزرگترین ماهواره‌ها و دستگاه‌های پیشرفته مانند ناسا و سال‌هاست منتظره از لومونت تبریز پیشنهاد سردبیری برسه، اونام که وقعی نمی‌نهن! و باقی شما کل صفحه ورزشی مارو بگردید، به جواد خیابانی و به میثاقی و به سرهنگ علیفر، توش پیدا نمی‌کنین. بس که همه‌شون آقان!

۰۹۱۱۸۴۶: در شـــجاعت و عدالت قاضـــی خلج، نباید ذره‌ای شـــک کرد ولی ای کاش می‌توانســـت قضاوت «چهارچرخ‌ساز» از جیب مردم با افزایش قیمت جبران شود. زیان را مردم متحمل شـــدند و روزانه ۵۰ نفر را به قتل می‌رســـانند. مدیران این دو چهار چرخ‌ساز و امثال شما باید محاکمه شوند. شـــانس آوردید. چون اینجا ایرانه.

مـــن بدیخ کـــه دارم نـــون و ماســـتم‌رو می‌خورم دیگه واســـه چی محاکمه بشـــم؟ من خودم محاکمه کنندمام دلش!

۰۹۱۲۲۵۴: ســـایت‌نگار ۲۵ شـــهریور خرده‌حسابی با محمد درویش داشته که بارها نوشـــته «تسویه‌خانه» فاضلاب!؟

تصفیه‌حساب کرده باهاش دیگه!

۰۹۱۲۷۷۸: اقای سردبیر. در صفحه دو روزنامه دوشنبه درستون گزارش روز درباره افتضاحات ایرانیان آن سوی مرز، مفصل حرف زده‌اید که شاید درست هم باشد ولی بیایید از موفقیت‌های فرزندان ایران در آن سوی مرز هم گزارش تهیه کنید تا علاقه‌منـــدان روزنامه هفت‌صبح، شـــما را به بی‌طرفی بشناســـند؛ در این موضوع من از اینستاگرام کمک گرفته و به کمک شما می‌آیم.

بعد خدا راضی نیستم شما کار و زندگی‌تونو ول کنین و بیایین کمک!

۰۹۱۰۱۹۳: خدمت بزرگوار جناب اقای خوشخو، سوالی شخصی دارم؛ آیا جنابعالی فرزند استاد گرانقدر جلیل خوشخو هستید؟ و اگر درست اســـت، با چه شماره‌ای می‌توانم با شما صحبت کنم؟ شاد و سلامت باشید.

بله‌ش. شماره روزنامه! (خوشخو از ساعت ۳ بعدازظهر دفتر روزنامه است. هر روز)

۰۹۳۸۱۲۰: اقای افشار. به مقاله روز دوشنبه در مورد مرحوم طالقانی نوشـــته بودید که خلاصه آن می‌شـــد احترام به نظر مـــردم و مهم بودن نظر مـــردم در اداره مملکت. آخرش مـــا نفهمیدیم این مردم شـــامل کدام بخش از این جمعیت ۸۵ میلیونی می‌شن؟ به قول یکی از بچه‌ها «اینا همش حرفه...»

۰۹۱۰۹۹۶: علیرغم صداقت و تأکید دکتر پزشکیان بر ارائه وفای و همدلی برای رفع مشکلات، با تأسف فراوان شاهد بیم مخالفت‌ها و خرده‌گیری تنگ‌نظران از همین ابتدای کار دولت، شروع شده است. گویا قرار نیست حب و بغض‌ها به سادگی این کشور را رها کند. (مدقق)

حُب؟ کدوم حُب؟!

۰۹۲۲۰۴۲: اقای امیر حسین کاکای‌ی، شما خیلی ما مردم ایران را گوســـفند می پنداری که میگی زبان دو پرکردن ســـتون چاپ شـــده. خب مطلب فوتبالی رو تو صفحه ورزشـــی چاپ کنید و این صفحات و اختصاص بدید به مطالب مفیدتر.

مفیدتر از فوتبال!؟

۰۹۳۰۰۵۲: واژه «فرهیختگان» که شـــبکه ۴ را به آن موصوف می‌کنن، نیاز به بازتعریـــف دارد. چون از دید رؤسا، بر پایی نمایشگاه نوشـــت‌افزار، بر خر طوت پری صابری ارجحیت داره.

۰۹۱۲۲۵۴: آخه سودی که تو فروش مادرنذگی واسه بچه‌های محصل هست که تو خبر مرگ پری‌خانوم نیـــت. این هفته می‌دونی چندتا مداد شمعی فروختیم؟!

۰۹۲۰۴۲: اقای پزشـــکیان حواسش به خاله‌خرس‌ها باشد که سیاست‌های نسخه‌های قتل کاسبکارانه‌شان را به کار نبرد؛ ایـــن خاله‌خرس‌ها از طریق رانت تحمیل مسئولان بالادســـتی، می‌خوان در دولت نفوذ کنند که همین خاله‌خرس‌ها بودند که در دولت سیزدهم آمدند و از خودرو و مســـکن در شرایط تورم دلار، نجومی و انحصار خودرو، مالیات گرفتند.

خاله‌خرس... خاله‌خرس... پس چرا دایی خرس نه؟ چرا عمه خرس نه. چرا خالفظری خرس نه؟

۰۹۳۰۴۶۹: هر زمان واردات خـــودرو با مجموع تعرفه ۴درصد آزاد شـــد، تحریم رفع شد، حقوق مردم به دلار شد، حمل و نقل ریلی و جاده‌ای و هوایی به‌روز ارزان شد و تورم تک‌رقمی شد، آن وقت دولت انشقاق ملی، حرف از منطق بزند. آیا منطقی اســـت که مردم ایران خودروی واردات‌ی را ۱۴۰ برابر گرانتر از جهان بخرند که اینمالش ۰لمیلیون بشود؟

۰۹۳۸۱۲۰: ایـــنه چـــون نقش تـــو بنمود راســـت/ راست‌شکن، ایبرام شکستن خطاســـت!

۰۹۳۰۲۸: عـــدای تبهکار ارازل و اوبـــاش منتفع از مافیای تبهکار دو «چهارچرخ‌ساز» می‌نالند که قیمت باید آزاد شود چون زیان می‌دهیم؟ زمانی باید قیمت آزاد شود که مانند ۱۹۵ کشور دنیا و اسلامی و مسلمان، واردات انـــواع خودرو بدون محدودیـــت ۲۵۰۰ و بدون محدودیت قیمت بـــا مجموع تعرفه عـــوارض ۵درصد آزاد شود.

به همه روزی که «چهارچرخ‌ساز» بسازیم و از دست‌شون راحت شیم!

۰۹۲۲۰۳۱: قیمـــت بنزین در ایران به نســـبت منطقه جهان بســـیار بالاتر اســـت چون حاکمیت ۴دهه است پیشـــاپیش با اخذ تعرفه ۱۴۰درصد بر واردات خودرو، پیش‌بینی دارد یارانه بنزین را از جیب ملت برداشـــت می‌کند و خودرو را چندصد برابـــر گران‌تر می‌چپاند به مردم. در دنیا تعرفه واردات خـــودرو تک‌رقمی قیمت بنزین جهانی است؛ این منطق‌تر است.

خوب اومدی!

۰۹۳۶۴۲۲: بنـــده اگر بخـــوام اون کســـانی که دارن آگهی کلاهبرداری می‌دارن -ســـایت‌هایی مثل ... که با فروشـــنده‌ها گاوبندی می‌کنه برای کلاه ســـر مردم گذاشـــتن- چه‌جوری می‌تونم با شواهد و مدارک معرفی کنم که قبل از اینکه لااقل تعداد مالباخته زیاد بشـــه، جلوگیری بشه؟ مورد بوده یک نفر با یک مدل آگهی در ســـایت ... که خود بنده هم ۲بار اطلاع دادم باز می‌بینم کاری به کارش نـــدارن و پررو تر هم می‌شـــه. خواهش می‌کنم راه ساده‌ای برای این همکاری بفرمایید. خیلی ممنون.

مـــن جات بـــودم ادله‌ها و مســـندهامو می‌فرستادم به خوشخو، اونم چاپ می‌کرد. البته اگه این سایت‌های گاوبند! اسپانسر براهم سینه کفتری نباش!

۰۹۳۳۳۸۰: ای کاش حـــق را به اهـــل می‌دادند! ای کاش عالم به منبر می‌رفت و عالِم، امام‌جماعت و جمعه می‌شـــد! ای کاش کســـی که حاکم بر شهوت و غضب بود حاکم بر جامعه می‌شـــد نه محکوم غضب و شهوت. (اینالله محمدتقی بهجت رحمت‌الله)

۰۹۳۶۶۱۶: بِراهم‌جـــان. این تابســـتون مارو عاشـــق زمستون کرد. به خدا.

مار که همیشه عاشق زمستونه داش!

۰۹۲۲۰۳۱: هر وقت چند نفر از مدیران دبیران مافیای ... و ... به خاطر قتل عام سال‌ی ۱۹ هزار نفر محاکمه شدند آن وقت حرف از زیان این دو خودروســـاز بزنند. زیان را مردم متحمل شـــدند. مگر بازار انحصاری تبهکارانه خودرو در اینجا ماندنه جهان و دیگر کشورها است؟

ای بابا! از دار دنیا به دانه برابد فکســـنی دارم، اونم باس فکر کنیم مدیرانش رو نفرین کنیم یا نه!

۰۹۰۳۰۱۵: اگر شما رسانه‌ها ادعای شفافیت و مردمی بـــودن و حق‌طلبانه بـــودن را دارید از کل کشـــورهای مســـلمان و اروپـــا و آمریکا و آســـیا گزارش شـــفاف بدون‌مصیری، از خودروهایشان و قیمت بزند تعرفه‌شان بگیرید و در روزنامه و رسانه‌تان اعلام کنید. مردم دیگر تحمل این فـــاد انحصار خودرو را ندارند.

من غلط کردم ادعـــای حق‌طلبی بکنم! شـــیتیل هر جا باشـــه من اونجام! (دیگه ببین چقدر از دست اســـمی‌های تکراری‌تون خســـته شدم که زدم به دینبلو!)

۰۹۳۶۴۲۲: بنـــده اگر بخـــوام اون کســـانی که دارن آگهی کلاهبرداری می‌دارن -ســـایت‌هایی مثل ... که با فروشـــنده‌ها گاوبندی می‌کنه برای کلاه ســـر مردم گذاشـــتن- چه‌جوری می‌تونم با شواهد و مدارک معرفی کنم که قبل از اینکه لااقل تعداد مالباخته زیاد بشـــه، جلوگیری بشه؟ مورد بوده یک نفر با یک مدل آگهی در ســـایت ... که خود بنده هم ۲بار اطلاع دادم باز می‌بینم کاری به کارش نـــدارن و پررو تر هم می‌شـــه. خواهش می‌کنم راه ساده‌ای برای این همکاری بفرمایید. خیلی ممنون.

مـــن جات بـــودم ادله‌ها و مســـندهامو می‌فرستادم به خوشخو، اونم چاپ می‌کرد. البته اگه این سایت‌های گاوبند! اسپانسر براهم سینه کفتری نباش!

۰۹۳۳۳۸۰: ای کاش حـــق را به اهـــل می‌دادند! ای کاش عالم به منبر می‌رفت و عالِم، امام‌جماعت و جمعه می‌شـــد! ای کاش کســـی که حاکم بر شهوت و غضب بود حاکم بر جامعه می‌شـــد نه محکوم غضب و شهوت. (اینالله محمدتقی بهجت رحمت‌الله)

۰۹۳۶۶۱۶: بِراهم‌جـــان. این تابســـتون مارو عاشـــق زمستون کرد. به خدا.

مار که همیشه عاشق زمستونه داش!

۰۹۲۲۰۳۱: هر وقت چند نفر از مدیران دبیران مافیای ... و ... به خاطر قتل عام سال‌ی ۱۹ هزار نفر محاکمه شدند آن وقت حرف از زیان این دو خودروســـاز بزنند. زیان را مردم متحمل شـــدند. مگر بازار انحصاری تبهکارانه خودرو در اینجا ماندنه جهان و دیگر کشورها است؟

ای بابا! از دار دنیا به دانه برابد فکســـنی دارم، اونم باس فکر کنیم مدیرانش رو نفرین کنیم یا نه!

۰۹۰۳۰۱۵: اگر شما رسانه‌ها ادعای شفافیت و مردمی بـــودن و حق‌طلبانه بـــودن را دارید از کل کشـــورهای مســـلمان و اروپـــا و آمریکا و آســـیا گزارش شـــفاف بدون‌مصیری، از خودروهایشان و قیمت بزند تعرفه‌شان بگیرید و در روزنامه و رسانه‌تان اعلام کنید. مردم دیگر تحمل این فـــاد انحصار خودرو را ندارند.

من غلط کردم ادعـــای حق‌طلبی بکنم! شـــیتیل هر جا باشـــه من اونجام! (دیگه ببین چقدر از دست اســـمی‌های تکراری‌تون خســـته شدم که زدم به دینبلو!)

جدول و سرگرمی

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

جدول سودوکو

	۲	۷	۶	۸	۵	۳	۹	
	۸			۹			۵	
	۴			۶			۸	
	۶	۲	۴	۵	۱	۷	۳	
	۵			۷			۱	
	۱			۴			۷	
	۷	۸	۱	۳	۹	۵	۴	

	۵	۲	۹	۶	۸	۷	۱	
	۹			۷			۳	
	۴			۱			۵	
	۲	۷	۶	۸	۴	۳	۹	
	۳			۵			۶	
	۱			۳			۲	
	۸	۳	۲	۴	۱	۵	۷	

				۳	۴	۸	۹	۲
				۹		۶		۴
				۵	۷	۴	۸	۳
				۶		۲		۱
				۴	۵	۹	۷	۸
	۷	۲	۳	۹	۶	۸	۵	
	۸			۲			۹	
	۲			۶			۸	
	۳	۷	۲	۸	۴	۵	۶	
	۶			۵			۷	
	۴			۱			۳	
	۱	۹	۸	۳	۲	۷	۴	

	۶	۹	۲	۸	۳	۵	۱	
	۴			۷			۸	
	۲			۳			۶	
	۵	۸	۷	۲	۶	۱	۴	
	۹			۱			۵	
	۷			۹			۳	
	۱	۳	۴	۶	۷	۸	۲	

جدول شرح در متن

دستور دادن — بزرگترین بهینه آبی دنیا — بخار دهان — کج و متمایل — بسیار بزرگ — مقابل نسبه — ستون بدن — عدد بعد از دو — عضله — عقل گرایی — با آرامش و ملاطفت

راست و صریح — شلوغی و هیاهو — سر کوه — نیکوکار — سربه‌راه — بالای فرنگی

دورتر یا بالاتر — لفزنده — از لوازم برقی منزل — سیری شد

رواندار صنخیم — آشوب به پا کردن — نافرمانی و تمرد — از روی گمان

یکنایرست — اطراف و پیرامون — پندار و خیال — کامپیوتر ارتقی

دشنام دادن — نشانه و علامت — قطار — بریدن — نجوم — رشته لامپ‌های رنگارنگ تزیینی

اداره‌های وابسته به دولت — اولین شهید اسلام — تدریس کردن

تنها و فقط انگلیسی — ظاهر ساختمان — رسوایی و بی‌آبروئی — همدستی و شرکت — مقابل خیر — برنده خرانده — گلی سفید و خوشبو — دارویی بود در طب قدیم

نجابت در گفتار — گله‌مند — پیله ابریشم — خط کش مهندسی — دارای رتبه یا شماره ده

خودرویی چندمنظوره — بسیار شیرین و خواستنی — خوراک پرندگان — شمردن — انتقام‌جو و کینه‌توز — پس‌غذا — از افعال ربشی — چنین معنی می‌دهد

سریع‌السیر — دین و مذهب — مربوط به جنسیت — در مقابل خاص — محل و مکان

پاسخ‌های شماره قبل

۱	۲	۵	۸	۳	۹	۷	۶	۴
۳	۸	۴	۶	۷	۲	۱	۹	۵
۶	۷	۹	۵	۴	۱	۸	۳	۲
۸	۵	۷	۳	۹	۶	۲	۴	۱
۲	۶	۳	۱	۵	۴	۹	۸	۷
۴	۹	۱	۷	۲	۸	۳	۵	۶
۷	۴	۶	۹	۱	۳	۵	۲	۸
۵	۳	۲	۴	۸	۷	۶	۱	۹
۹	۱	۸	۲	۶	۵	۴	۷	۳

۳	۴	۵	۹	۸	۷	۲	۶	۱
۷	۹	۱	۲	۳	۶	۵	۴	۸
۲	۸	۶	۱	۵	۴	۳	۷	۹
۸	۷	۲	۸	۹	۱	۴	۳	۶
۹	۶	۴	۳	۷	۲	۸	۱	۵
۶	۳	۷	۴	۱	۸	۹	۲	۴
۴	۲	۸	۷	۶	۹	۱	۵	۳
۱	۵	۹	۶	۲	۳	۷	۸	۲
۵	۱	۳	۸	۴	۲	۶	۹	۷

	۶	۷	۴	۵	۱	۷	۳	۹
	۸			۹			۵	
	۴			۶			۸	
	۶	۲	۴	۵	۱	۷	۳	
	۵			۷			۱	
	۱			۴			۷	
	۷	۸	۱	۳	۹	۵	۴	

	۶	۷	۴	۵	۱	۳	۹	۲

سوژه هفته
بازی‌های نوستالژیک ما

هفت صبح

پنجشنبه | ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ | شماره ۳۸۶۸

ابراهیم افشار

یک پاکت پُر از موی سبیل!

۱ آقا ما هر کدام یکجوری عاشق تُرنابازی و تیله‌بازی و قاپ‌بازی و بیخ دیواری و لیس‌پَس‌لیس و شوت یه‌ضرب و دَبرنا بودیم. اما کمی که بزرگ شدیم شرط‌بندی هم از مامان‌ترین تفریحات‌مان شد. زیاد طالب «پاپالان» نبودیم. اما کل کل و شرط‌بندی روی هر چیزی به رگ گردن‌مان بسته بود. من بهترین شرط‌بندی که در عمرم دیدم روی «یک پاکت پر از موی سبیل!» بود. حالا اگر رفقای عظمی‌مان روی زدن موهای سرشان شرط‌بندی می‌کردند عمرا تعجبی نداشت اما اینکه مردان متعصب دهه ۵۰ در یکجور شرط‌بندی غیرمعمول -فوتبالی- سبیل خود را بتراشند واقعا بدیل نداشت. بیچاره‌ها تا ماه‌ها جرات بیرون آمدن از خانه را نداشتند ولی خوب دیگر، مرد بود و قولش!

۲ رسم معمول قدیمی‌ها در آن روزگاران، پر کردن یک پاکت از تارموی سبیل نبود، دیگر نهایت کل کل درباره نتیجه یک بازی مهم، یک تارموی سبیل بود که می‌کندند و وسط می‌گذاشتند و به شرافت آن قسم می‌خوردند و می‌رفتند، نه این که یک پاکت نامه بزرگ را پر مو کنند و بگویند بفرما! داستان سبیل‌های مجید حلوایی، مدافع قدرقدرت تیم پاس، ۵۳ سال پیش و در زمستان سال پنجاه رخ داد. آنقدر «قدرقدرت» که هر کس در حین بازی به او می‌خورد تلنگش درمی‌رفت و می‌شکست. یعنی از درون می‌شکست و خرد می‌شد. مردی سخت‌جان و سخت‌کوش و سخت‌سر که شوت‌هایش را معمولا با پرتاب آجر مقایسه می‌کردند. فاتح دروازه برزیل در المپیک مونیخ ۱۹۷۲، سد سکندری بود که وقتی جلوی دروازه پاس می‌ایستاد دیگر هیچ بنی‌بشری نای چپ‌چپ نگاه کردن به دروازه عموفرامرز یا کیوان‌خان را نداشت. مرد سیه‌چرده و قلچماقی که گمان می‌کردی استخوان‌بندی‌اش از پولاد و چدن است. تازه وارد دانشکده پلیس تهران شده بود. دانشکده‌ای که هر کس واردش می‌شد دیگر فقط مجبور بود پیراهن تیم پاس را بپوشد. و او با سبیل‌های دسته‌دوچرخه‌ای و موهای فرفری سلاخی و صورت سبزه و بازی قلدرانه و جانبازانه‌اش در خط دفاعی تیم پاس به «صخره» معروف شد و دیگر تا آخر عمرش پیراهن سبز پاس را از تن درنیاورد.

۳ همین مرد هم بود که در اوایل دی ماه سال ۱۳۵۰ با یک پاکت پر از مو -موی سبیل‌های بلند مردانه - وارد تحریریه مجله دنیای‌ورزشی شد و همه را انگشت به دهن کرد. حلوایی به بچه‌های دنیا گفته بود «این را برای شما آورده‌ام تا رونوشت آن را برای دیگران بفرستم.» داستان با یک شرط‌بندی اتفاق افتاده بود. برادر حلوایی که در میدان بارفروش‌ها سری بین سرها داشت با سه تن از بزرگان آنجا بر سر بازی پاس با پرسپولیس شرط‌بندی کرده بود که اگر پاس باخت، او سبیل معروفش را که خیلی هم به آن علاقه‌مند بود از ته بتراشد. و اگر پاس پیروز شد، رفقا سبیل‌هایشان را دود بدهند. کار به جایی رسیده بود که حتی یکی از آن سه داشی تعهد کرده بود که اگر پاس برد، با شورت و زیرپیراهن در آن هوای سرد زمستانی، یک‌دور هم دور میدان بدود! شب مسابقه، برادر حلوایی سراغ داش‌مجید رفته و گفته بود «دستم به دومنت، ریش و قیچی دست خودت است، آبروداری کن برادر.» و حلوایی هم سنگ‌تمام گذاشته بود. بعد هم که رفته بودند سبیل‌های بلند آن سه مرد میدانی را از ته زده و توی پاکت گذاشته و آورده بودند دنیای ورزش که ازش عکس بگیرند. یک پاکت پر از موی سبیل جهت عرضه به خبرنگارها!

۴ داستان رونمایی از سبیل پرسپولیسی‌ها اما چنان به تیفوسی‌های سرخ برخورد که حتی یک‌ماه هم نگذاشتند طرفداران‌شان بی‌سبیل بمانند و در اولین مسابقه حساس بین پاس و پرسپولیس از سری رقابت‌های قهرمانی جام باشگاه‌های کشور، پاس را ۲-۰ از پا درآوردند. جمعه ۲۰ اسفند ۱۳۵۰ در حضور سی هزار تماشاگر و به داوری یک قاضی ترکیه‌ای به نام ضیا تورکان، حسینعلی کلانی دوبار در دقایق ۷۶ و ۸۰ دروازه پاس را به آتش کشید تا این بار نیز سبیل‌های طرف مقابل، روی دست شرط‌بندی کنندگان بماند و بسوزد و زیادی بیاید. جالب اینکه، با وجود این دوگل خورده پاس، مجلات وقت از مجید حلوایی به عنوان جنگنده‌ترین چهره میدان و ستاره بازی اسم بردند! این در حالی بود که در مجموع ۴۷ بازی، پرسپولیس با ۳۷ گل زده عنوان حمله‌ورترین تیم و پاس با پنج گل خورده، لقب استوارترین تیم دفاعی جام را از آن خود داشتند.

۵ داستان‌هایی که زیرساعت امجدیه می‌گذشت و از سورئال‌ترین داستان‌های عالم، رئالیستی‌تر بود! داستان توپ و بوکردن گل‌ها و قمار به شرط چاقو و شرط‌بندی درباره اینکه چندتا بازیکن هما سبیل دارند و اولین دریبل را کی به کی می‌زند؟! اینجور وقت‌ها پای پول وسط بود. پای پول هم که شبیه «پای سیب» بود. شرط‌بندها خیلی زود سر از عالم فوتبالفارسی درآوردند. اگر در قمارهای کلان کاخ‌های شمال شهر، در گعده سرلشگران و دیپلمات‌ها و تجار شیکان‌پیکان، گونی‌گونی اسکناس، اینور و آنور می‌شد عوام عاطل و باطل جنوب‌شهری هم در زیرساعت امجدیه، شرط‌بندی ایستاده را جایگزین بیخ دیفالی کرده بودند. اوایل تک و توکی زیرساعت امجدیه می‌نشستند و شرط می‌بستند. شرط‌های کاملا شفاهی. با وسط گذاشتن یه لاخ سبیل. سبیل‌های مشکی دسته‌دوچرخه‌ای و اسکناس‌های دوزاری و صداهای کلفت و سکه‌های نقره‌پوش تاجدار و رجزهای خر در چمن. آن اوایل، بیشتر شرط‌ها معمولا درباره نتیجه کلی بازی بود؛ کی می‌برد؟ کی می‌بازد؟ کی مساوی؟ آنهم سر یه قرون و دوزار، اما یواش‌یواش کار این جماعت هم توسعه پیدا کرد و پرولتاریای نگونبخت -بریده از جامعه نفتی و طبقه جدید سرهنگان- دور هم جمع شدند و زدند به دینبلو. دیگر هم شکل کار عوض شد و هم تلفاتش و هم میزان گردش پولش. یعنی شکل کار، از شرط بستن بر سر نتیجه کلی، به جزئیات بازی رسید؛ مثلا «تو می‌گی اولین اوت، مال کدوم تیمه؟» یا اولین کرنر. اولین خطا. اولین اخطار. اولین تعویض یا مزخرفاتی از این قبیل که اول توپ به تیر کدام دروازه خواهد خورد؟ یا مثلا گل فلان تیم، زمینی است یا هوایی؟ آرام‌آرام کار شرط‌بندها به جایی رسید که برای بردن شرط و پول، نفوذ کردند داخل تیم‌ها و بازیکنان همدست برای خود پیدا کردند که با آن‌ها گاو ببندد و نهایتا درصدی از سود قمار هم به آنها برسد. پس لاجرم بعضی از این بازیکن‌های جعلق می‌دانستند که باید در دقیقه چند، توپ را به اوت بزنند یا کرنر و کارت زرد بگیرند که شرط‌بندهای زیرساعت به پول «یامفت»شان برسند. شیتیل آنها هم محفوظ بود البته. شاید رقمی خیلی بیشتر از اینکه از کلوپ خود درمی‌آوردند. مگر کلوپ‌های دهه ۵۰ به ستاره‌های خود چقدر می‌سلفیدند؟

۶ ما داستان داشتیم. فوتبال داستان داشت. داستانی با پایان‌های باز و کاراکترهای جعلق و کارگردان‌های بی‌صفت و لمپن. داستان پول سیاه. اقتصاد سیاه. اقتصاد سائلی که از اقتصاد شبانی بدتر بود. آنها فوتبال را هم داشتند سیاه می‌کردند. یک مشت آدم چپرچلاق متعلق به توده‌های پراکنده بی‌هویت، روی سکوهای چوبی نشسته و اُرد می‌دادند. زاکاس می‌دادند و فوتبال از دست آنها داشت به سمت کراهتی غیرقابل‌تحمل پیش می‌رفت. «چه خوش آن قماربازی که باخت هرچه بودش.» امجدیه را اول این‌ها خراب کردند. خانه‌خراب‌هایی که از هفت دولت آزاد بودند و اگر می‌باختند، دنیا را روی سر تیم‌های شرافتمند خراب می‌کردند که چرا در سناریوی پیش‌گویی‌شان همکاری نکرده‌اند؟ اولش تئوری بسیاری از ناصحین این بود که این‌ها را به حال‌شان واگذارید که گله‌گله بروند جمع بشوند زیرساعت و پول شانس و ریسک‌شان را بخورند. بالاخره بهتر از این بود که بروند گله گله پاتوق کنند توی خیابان‌ها و سکه پرت کنند بیخ دیوار یا ورق بیرون بکشند از آستین و یا سر دو عدد شماره راست پلاک‌های ماشین‌ها شرط ببندند و دائم همدیگر را شهله‌شهله کنند. مردانی ناچیز و بی‌چیز که همزمان با این شرط و شروط‌بندی، همسران‌شان در خانه‌های مردم رخت می‌شستند که نگذارند کودکان‌شان شب را گرسنه سر بر بالین بگذارد. زنان شاکی جیغ می‌زدند که «بی‌انصاف! تو پول رختشویی مرا با غلط درآمدن یک کرنر، از دست می‌دهی؟» و چنان مشتی می‌خورد که پای چشمش بادمجان کاشته می‌شد. شرط‌بندها به مرور پیشرفت کردند و دیدند بهترین کس برای شراکت آنی و بردن پول بیشتر و افزایش سرمایه، همان داور سیه‌پوش بینوا است که می‌تواند با یک سوتش، یکی را فربه و دیگری را لاغر کند. کاری نداشت خریدن داورهایی که از دست بچه‌های زیرساعت، ذله شده بودند. حالا شیر یا خط انداختن‌شان هم تویش پول داشت. امجدیه به جولانگاه قماربازها درآمده بود. مردان خون و خنجر و لاخ سبیل. مردان ویلان و سرگردان که وقتی بازی‌ها تعطیل می‌شد اقتصاد خانوادگی‌شان به خاک سیه می‌نشست. آنها حالا برای تیم‌ها هم تعیین‌تکلیف می‌کردند و مثل همه جای دنیا شرط‌بندها در ایران نیز طبقه جدیدی در فوتبال تشکیل داده بودند اگرچه تومنی هفت صنار با خارجی‌ها فرق داشتند. چشم‌آبی‌ها خیلی زود «توتو»را اختراع کردند که نظمی به پیشگویی‌ها و پیش‌بینی‌ها بدهند و قمار پلشت فوتبال را از آن حالت «حضوری» دربیاورند. آنها به مرور آنقدر پول به جیب زدند و در لابیرنت‌های بین‌المللی فوتبال نفوذ کردند که دیگر تو نمی‌فهمیدی که نتیجه کدام بازی، سالم است و کدام بازی برای کارتل‌های «توتو» از آب درآمده است؟ گاه میلیون‌ها دلار، پول اینور و آنور می‌شد و تو نمی‌دانستی که باشگاه موردعلاقه‌ات با این کارتل‌ها غیرمستقیم همکاری دارد یا نه. فوتبالی که یک زمان سهراب سپهری و ساموئل خاچیکیان و فرهاد مهراد و ناصرتقوایی و هوشنگ ابتهاج تماشاگرش بودند جایش را به فوتبالی داده بود که جوجه‌کارتل‌های مفنگی‌شان زیرساعت بزرگ امجدیه، برای هو کردن بازیکنان ناسازگار، نقشه می‌کشیدند. حالا دیگر «اسی دست‌قشنگه» می‌دانست که چه شکلی می‌شود یک مربی باشرف را از سکه انداخت. مربی‌ای که ندانسته، زندگی آنها را از سکه انداخته بود. آنجا زیر ساعت امجدیه با حضور سبیل‌های دسته‌دوچرخه‌ای و شعارهای اگزوزی و یک مشت پول چروک و طرف‌های ببوگلابی، قیامتی برپا بود و من یک دل سیر می‌خندیدم.

احد بابایی منیر

«مارشال رومل» با جیب‌هایی پر از «تخم‌مرغ»های ترک خورده!

۱ اتفاقی در راه بود، یک حادثه بزرگ!
آفتاب پشت پنجره بی‌رمق نبود مانند روزهای پیش، انگار جانی تازه گرفته بود و آسمان اندکی آبی‌تر بود. صاف و زلال و چشم نواز!
سر و صدای جابه‌جا کردن وسایل خانه و غرولندهای مادر و شادی گنگی که در جایی از سینه بود، موج می‌زد، می‌جوشید و جان به لب می‌کرد ما را! برقی که در نگاهمان بود، مجله‌هایی که پدر به خانه می‌آورد با صفحات دو برابر شماره‌های قبلی و آن واژه جادویی «شماره مخصوص نوروز» همه اینها و خیلی خیلی چیزهای دیگر نشان روشن و آشکار همان اتفاق بود: «دخترک شوخ و شنگ» - بهار خانم! - دست افشان و پای کوبان در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر می‌چرخید و از دامنش شکوفه بود که می‌ریخت، عطر و گل و شادابی بود که می‌ریخت، لبخند و شادی بود که می‌ریخت!
ما، که همیشه اینگونه نبودیم: شکسته و عبوس و خسته! کودکانی بودیم که تنها اندوهمان و اندوه بزرگ آن روزگارمان، ترک خوردن تخم مرغ رنگی‌مان بود در نبرد با تخم‌مرغ پسرک یا دخترک همسایه!
و شادی بزرگ تکرار نشدنی‌مان، روزی بود که جیب‌هایمان پر می‌شد از تخم مرغ‌های شکسته همبازی‌هامان که از بازنده‌ها غنیمت گرفته بودیم و چه ژستی می‌گرفتیم فردای آن روز، انگار «مارشال رومل» بودیم و صحرایی که فاتح بزرگ آن بودیم کوچه‌های آبی و آفتابی کودکی‌ها بود، کوچه‌های مهربانی و تبسم و دل بستن‌ها!
این‌روزها ولی ما — کودکان دل روشن دیروز - راحت‌تر از تخم‌مرغ‌های رنگی نوروز، تَرَک بر می‌داریم، می‌شکنیم و تکّه تکّه می‌شویم به اندک بی‌اعتنایی و کمی اخم و کوچک زخمی، به فقط تلنگر کی!

۲ نمی‌دانم از همان بچّگی چه مرضی داشتیم که دنبال «زنجیر» بودیم! چه اصراری بود که بلند بلند می‌خواندیم: عمو زنجیرباف و بعله را که می‌گرفتیم، گیر می‌دادیم به عمو که زنجیر ما را ببافد که چی؟! که زنجیر بافته شده را پشت کوه بیندازد! که لابد برویم پشت کوه و زنجیری که قسمتمان بود را برداریم و پُر هم بدهیم شاید! به گمانم نسل ما همه، تک تکمان در تاریک‌ترین گوشه باورها و افکارمان به «ویروس خود آزاری» مبتلا بودیم و چقدر به عمو زنجیر باف اصرار و التماس می‌کردیم که با چه صدایی دور عمو بچرخیم و بنشینیم و پا شویم! و «عمو زنجیرباف» که می‌فرمود: با صدای گوسفند!
دیدنی بود: دست در دست هم بع بع کردنمان به دستور عمو، آنهم برای مشتی «نخودچی و کشمش» چه مظلوم‌های بی‌گناه گناهکار معصوم ظالمی بودیم ما!

۳ یکی از ما، «چشم می‌گذاشتیم!» یعنی :رو به دیواری پشت به بقیه می‌ایستادیم چشم‌هایمان را می‌بستیم و تا ده یا بیست می‌شمردیم و بقیه باید می‌دویدند و پشت درختی، گوشه انباری، زیر زیر پلّه‌ای، صد جای دیگر! قایم می‌شدند و شمارش ما که تمام می‌شد چشم می‌گشودیم و دنبال پنهان شده‌ها می‌گشتیم، یکی را که پیدا می‌کردیم باید می‌دویدیم و دست می‌زدیم به همان دیوار و همان نقطه‌ای که چشم گذاشته بودیم و می‌گفتیم: «سُک سُک!»، معادل سک سک برای ما آذری‌ها، «شوبَه» بود و آن دوستمان می‌سوخت و از بازی بیرون می‌رفت! و اگر او زودتر به همانجا می‌رسید و سوک سوک یا شوبه می‌کرد یعنی جان سالم به در برده بود و باید آن که چشم گذاشته بود دنبال دیگر پنهان شده‌ها می‌گشت.
ما در آن روزها، در عالم بچگی شعاری ساخته بودیم که رمزی بین خودمان بود:
«آلما دِسَم گل، هیوا دِسَم گَلمَه!»*
زمانی که «چشم گذارنده» از دیوار سک سک دور و دورتر می‌شد اگر رفیقی از ما نزدیک به دیوار پنهان شده بود می‌گفتیم: آلما، آلما! و پنهان شده درمی‌یافت که شانس رسیدنش به دیوار زیاد است و از مخفیگاه بیرون می‌زد و خیز برمی‌داشت سوی دیوار و «جوینده» نیز به دنبالش! دویدن «پنهان شده» برای نسوختن و «جستجوگر» برای سوزاندن! بود.
سال‌ها از آن روزها و از آن بازی می‌گذرد، حالا و هنوز هم که هنوز است معنای «سک سک»و «شوبه» را نمی‌دانم، راستش خیلی هم مهم نیست ولی کاش هیچ وقت این کار را نمی‌کردم!
خیلی از همبازی‌ها، چشم که گذاشتم دویدند و جایی — نمی‌دانم کجا - پنهان شدند و چشم که باز کردم نبودند، نیستند! چقدر زار زدم «آلما، آلما!» و نیامدند که نیامدند! اکنون این من هستم که می‌سوزم و این آتش خاموش نشدنی همیشه و هر زمان در من و با من است.
کاش ای کاش هیچ وقت پشت به عزیزانم، چشم نمی‌گذاشتم! نمی‌ارزید به جدایی و یادهای جانکاه فراموش ناشدنی، نمی‌ارزید به این سوختن دمادم و آه کشیدن و آب رفتن لحظه به لحظه، به دلتنگی بی‌پایان دی ماهی!
نه، نمی‌ارزید!

۴ بیگانه بودیم با زانو درد، با کمر درد و درد مچ پا. اصلا با خود درد، بیگانه بودیم!
چست و چابک، جست و خیز کردنمان روشنای روز را سنجاق می‌کرد به غروب‌های تاریک و صدای مادر بود که در کوچه می‌پیچید: بس است دیگر بیایید تو! دو دسته می‌شدیم و «وسطی» بازی می‌کردیم. یک دسته می‌آمدند وسط و دو نفر از دسته دیگر این سو و آنسوی ما می‌ایستادند و سعی می‌کردند با توپ به ما بزنند. هر کس که توپ به او می‌خورد، می‌سوخت و از بازی بیرون می‌رفت و اگر کسی آن وسط می‌توانست توپ پرت شده را بگیرد، صاحب «دو جان!» می‌شد. و می‌توانست یکی از آن سوخته‌ها و پرت شده‌ها به بیرون را دوباره برگرداند به بازی.
آن روزها، پسرکی لاغر و پر از انرژی بودم و در بازی وسطی به ندرت می‌توانستند مرا بزنند!
در عوض، مرتب توپ بود که می‌گرفتم و صاحب دو جان، سه جان، چهار و پنج و بیشتر و بیشتر جان‌ها می‌شدم و دوستان سوخته را برمی‌گرداندم به بازی.
کاش زندگی هم ،«بازی وسطی» بود! کاش صاحب جان‌های بی‌شمار می‌شدم. کاش می‌توانستم «رفته» ها را با جان اضافی‌ام! برگردانم به زندگی. اگر این «غیر ممکن» تبدیل شده به حسرت همیشگی غمگین‌ترین کنج قلبم، ممکن می‌شد، آخ! چی می‌شد!!

۵ از آن زمان که« نون بیار و کباب ببر» بازی می‌کردیم، روزها و شب‌های زیادی را گذرانده‌ایم، ماه‌ها و سال‌های بسیاری!
حالا، با برفی که شب و روز بر سرمان بر ابروها و مژه‌هایمان می‌نشیند و لحظه به لحظه انبوه و انبوه‌تر می‌بارد در سرمای از دست دادن‌های روز به روز، در کوران دلتنگی‌ها، پیراهنی سیاه بر تن و گوشه چشمی خیس به دنبال نان می‌رویم و روزگار، کبابمان می‌کند.
سهم ما از زندگی همین بود: دست‌های خالی، دلی گرفته و اندوهی بی‌پایان!

*آلما دِسَم گل، هیوا دِسَم گَلمَه=اگر گفتم سیب بیا، اگر گفتم به، نیا!

حمید رستمی

برنگردد شوق روزگار کودکی!

۱ عروسی در محله یک جشن مضاعف بود هم برای صاحبان عروسی هم برای ما طفلکان ندید بدید که وقتی عروس را با روبند قرمز که هر کسی اسکناسی بر پیشانی‌اش چسبانده و گوشه روبندش سنجاق می‌کرد ما ذوق مرگ می‌شدیم و در ادامه آرام آرام با کمک «ینگه» از اسب پیاده می‌شد و روبروی جمعیت می‌ایستاد که کف زنان و رقص کنان دنیا را روی سرشان گذاشته‌اند و آقا داماد ۱۰۰ متر آن طرفتر بر روی یک بلندی همراه با ساقدوش و سولدوش ایستاده و از جیب کتش سه تا سیب سرخ درآورده و یکی یکی به سمت عروس پرتاب می‌کرد تا مهرش را در قالب این میوه‌های بهشتی ممنوعه اعلام کند و بعد از آن مادر و خواهر داماد بر سر عروس شکلات و سکه‌های یکی دو تومانی بریزند و ما بچه‌ها در زیر دست و پای جماعت غلغله گر به دنبال شیرینی و پول سیاه، جنگی تمام عیار با هم داشته باشیم و وقتی حاضرین برای ادامه مراسم به داخل خانه رفتند در به در دنبال جعبه‌های شکلات‌ها باشیم تا با تصاحب چند تا از آنها و بریدنشان به قسمت‌های کوچکتر ۵۲ عدد کارت دست ساز روی دایره داشته باشیم و با نقاشی رویشان شکل‌ها و اعداد دلخواه را بنویسیم و بعد در هزار سوراخ قایمشان کنیم تا روزی که والدین خانه نباشند و بساط جمع و جوری برای عیش برادران قد و نیم قد راه انداخته و ساعت‌ها با هم کارت بازی کنیم تا چند روز بعد که پدر به خانه مراجعت کرد دهن لقی یکی از برادران همیشه بازنده پدر را وا دارد تا آن آلات گناه را پیدا کرده و به چاه مستراح بیندازد و خانه را از شر بی برکتی نجات دهد تا شاید شاه و ملکه‌ای که در عالم واقعیت هیچ وقت به هم نمی‌رسیدند در عمق ۱۰ متری زمین و در جایی خوش آب و هواتر به هم برسند و به سادگی و سفاهت مان هزار سال بخندند!

۲ ما نسل بی‌آرزو و کم هزینه‌ای بودیم که به جرات می‌توان گفت ریالی برای بازی‌هایمان خرج نشد و نوع بازی‌هایمان بسته به موقعیت جغرافیایی و تعدادمان تغییر می‌کرد و اگر شش هفت نفر بودیم با یک عدد نخود یا عدس گل یا پوچ راه می‌انداختیم و آنجا هم آنقدر اعتماد به نفس پایین داشتیم که اگر گاه گداری از سر تصادف و لطف گل در مشت‌مان می‌گذاشتم چنان چشمانمان برق می‌زد و سرخ و سفید می‌شدیم که طرف مقابل از پنج فرسخی در جا حدس می‌زد و گل را می‌خواست یا در بازی‌های دو سه نفره در یک آشغالدانی قوطی خالی روغن نباتی ۵ کیلویی پیدا کرده و از دور نشانه گیری می‌کردیم و به طرفش سنگ پرتاب می‌کردیم. یک بار که سنگم به هدف خورد و خواستم بروم قوطی را سر جایش بگذارم داداش بزرگتر نامردی نکرد و در همان حال سنگ تیزی را سمت من و قوطی همزمان پرتاب کرد تا بخورد پس سرم و خون زمین و زمان را بردارد و تا به امروز هر آرایشگری قیچی به سرم می‌زند از آن مکان دیدن کرده و حال ماوقع را بپرسد. این البته دومین سر شکستگی دوران کودکی‌ام بود و قبل از آن یک بار هم که «پاسگاه بازی» می‌کردیم و هر کدام در نقش یکی از ارکان پاسگاهی که پدر شاغلش بود ظاهر می‌شدیم من در نقش مسئول خرید پاسگاه با دستانم ادای موتور سواری درآورده و برای خرید گوشت به بازار رفتم و در حالی که صدای موتور خیالی ام دنیا را برداشته بود از تپه یی سرازیر شدم و پاهایم بهم پیچید و خودم را نتوانستم کنترل کنم و با کله رفتم به آغوش تخته سنگ تا بدانم و یقین کنم بازی اشکنک داره و سر شکستنک داره!

۳ اما نوستالژیک‌ترین بازی نیم متر و دیگری به اندازه یک وجب بود که باید چوب کوچکتر به وسیله چوب بزرگتر به دورترین جای ممکن زده می‌شد و اگر رقیب از گرفتنش عاجز شد بُعد مسافت نشان دهنده نفر برنده بود اما بزرگتر که شدیم از لطافت بازی‌ها کاسته شد و بازی‌های خشن تری چون «قئیش گوتوردی» (برداشتن کمربند) باب میل شد و دو گروه چهار پنج نفره در حالی که ۴ تا کمربند در داخل دایره‌ای درازانده شده بودند و یکی از گروه‌ها مشغول محافظت از کمربندها می‌شدند که گروه مقابل هر کدام از آنها را بیرون می‌کشید با کمربند به جانشان می‌افتاد و تا می‌خوردند می‌زدند مگر اینکه بتوانند پای طرف کمربنددار را له کنند و دستش را گرفته و او را داخل دایره بکشانند. یک بازی «بکش تا زنده بمانی» به تمام معنا که الان فکر می‌کنم چگونه با آن تن و بدن کبود شبانه به خانه می‌رفتیم و از ساعت‌ها به اصطلاح «بازی» کیفور می‌شدیم!

۴ کمی که بزرگتر شدیم بازی‌های فکری‌تری همچون اسم و شهرت بازی و یک سری بازی‌هایی که در کتاب ریاضی راهنمایش را می‌نوشتند مد شد و البته در مهمانی‌های خانوادگی که همه بچه‌ها را به یک اتاق تبعید می‌کردند تا مزاحم صحبت بزرگترها نشوند.
بازی «بیک و وزیر» که در تهران ترنا بازی می‌گفتند گل سرسبد بود که با پسرخاله‌ها بازی می‌کردیم و یک قوطی کبریت را به عنوان تاس استفاده کرده و هر کدام از چهار وجهش را به اسم بیگ، وزیر، گزیر و دزد علامت گذاری کرده و هر کس به نوبت قوطی کبریت را مثل تاس بالا می‌انداخت تا توجه به شانس و اقبالش یکی بیگ می‌شد و دیگری وزیر و اگر کسی قرعه دزد به نامش می‌خورد وزیر با خوشحالی به بیگ اعلام می‌کرد که دزدی گرفته ام و آن موقع مانده بود به انصاف بیگ که چگونه تنبیهش کند گاهی کارهای خارق‌العاده از او درخواست می‌کرد و گاهی با چند ضربه شلاق سر و ته قضیه را هم می‌آورد. البته چون هر فرازی فرودی داشت در اعلام جرائم اندکی رواداری می‌کردند چرا که احتمال داشت چند دقیقه بعد جای دو طرف عوض شود.

۵ محمد حسین شهریار در شعر جاودانه «حیدر بابا» از آن روزها به عنوان روزگار لوس کردن خودش یاد می‌کند و از سوار شدن بر چوبی بلند و همچون اسب رهوار تاختنش می‌گوید که خاطره جمعی همه کودکان نسل‌های پیشین است که از هر فرصتی برای خلق یک بازی جدید استفاده می‌کردند و حتی پرش از ارتفاع هم قابلیت تبدیل شدن به یک بازی جذاب را داشت حالا تو بگو هفت سنگ و لی لی و خرس وسط و قایم باشک و تیله بازی و....همه اینها در مذاقمان آنقدر شیرین ماندند تا به قول شهریار آرزو کنیم که ای کاش دوباره کودکی می‌شدیم ولو برای یک روز و چون گلی یک روزه شکوفا شده و دوباره به سرعت می‌پژمردیم. روزهای بی دغدغه و ذهنی زیبا و فراتر از باز تا بعدها نگوییم تابستان فصل قایم باشک بازی بود، من چشم بستم و تو قایم شدی و حالا بعد از هزار سال هنوز نتوانسته ام پیدایت کنم! کجا مانده ای!؟

مهدی افخمی

نقش‌های بزرگ برای چوب‌های خشک

در مورد اسباب بازی خوشبختانه چیزی در زندگی کم نداشتم که حسرتش را بخورم. من سوگلی عموی مجردم بودم و او بهترین‌هایش را برای من می‌خرید. ماشین پلیس شارژی. فرمول یک نقره‌ای. قطار سیاه بزرگ و اسلحه واقعی. مهم‌ترینش که در اواخر عمرش برای من خرید یک دوچرخه نمره ۲۰ کوهستان بود که تا ۱۵ سالگی سوار آن می‌شدم. اما آن تفنگ ضدهوایی که دو لول رو به آسمان داشت و دو تا چرخ دنده کوچک که راحت می‌چرخید همیشه توی ذهنم باهاش بازی می‌کنم چیز دیگر بود. از کاریزنو که می‌آمدیم. میدان شهدا مشهد پشت آتش نشانی باید سوار اتوبوس‌های جاغرق می‌شدیم. همانجا آن توپ‌های ضدهوایی را خریدم و بعد نشستیم تو اتوبوس. تو آن خانه قدیمی و کاهگلی علی‌اکبر پهلوان که هنوز تیرهای چوبی داشت و مامان از مارهایی گفته بود که گاهی لابه‌لای چوب‌ها دیده بود می‌نشستم و بی‌خیال انجیرهای درخت انجیر توی حیاط و تلویزیون سیاه و سفید پارس و برنامه کودک می‌شدم و هی این ضدهوایی پلاستیکی بخت برگشته را می‌چرخاندم و از شهر محافظت می‌کردم. عمو که مُرد دوران اسباب بازی لاکچری هم تمام شد. ما پای لخت توی کوچه‌های قلعه‌وِل بودیم. جعفر که چندسالی از ما بزرگ‌تر بود با قوطی ریکا و چوب و سرهای نوشابه که تختشان کرده بود وکش شلوار، یک ماشین آبی برای خودش درست کرده بود که دنبال خودش می‌کشاند. دقیقاً همان ماشین مناسب سنگلاخ‌های کاریزنو بود. دیشب که قسمت آخر گرندتور را دیدم و کلارکسون و هموند و می، پی به این بردم هنوز راز علاقه زیاد پسربچه‌ها را به ماشین نمی‌دانم. من هم عقده‌ای بودم. بزرگتر که شدم تنها فکر و ذکرم در زندگی این بود که ماشینی داشته باشم. شب‌ها توی خواب پشت فرمان یک ماشین نشسته بودم و ناگهان فرمان از دستم در می‌رفت. بهمن ۹۸ بعد از سه بار پرداخت پول و ۴ ساعت پشت سیستم نشستن توانستم یک ساینا ثبت نام کنم و حالا پادشاه عالم بودم. رفتم پیش مسعود دیانی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی. گفتم تازه استخدام شدم. ماهی ۳ تومن حقوقمه و یک ماشین هم دارم. گفت با این پول‌ها که نمیشه زندگی رو چرخوند و همین حرفش حک شد توی ذهنم. ماشین را ۱۴۰۰ با دوستم جواد رفتیم تحویل گرفتیم. از کمپانی تا خانه خودم با ماشین آمدم و نمی‌دانید چقدر لحظات شیرینی بود. اینکه پشت ماشین خودت بشینی و رویا پیمودن جاده چالوس را با ماشین خودت محقق کنی. با اتوبوس رفته بودم! مغازه موسی وسط کاریزنو بادکنک شانسی داشت از همان‌ها که یک بادکنک بزرگ وسطش داشت و من حتی نمی‌دانستم می‌شود آن پکیج را یک جا خرید و هر دفعه که پنج تومانی زرد داشتیم می‌رفتیم توی مغازه موسی مسگری و برگه‌ای پر از نقطه‌های دورچین جلویمان می‌گذاشت و ما انگشت روی یکی می‌گذاشتیم و کوچک‌ترین بادکنک قرمز ممکن به ما می‌افتاد. اگر عمو نمرده بود هزاران بادکنک بزرگ برای من می‌خرید. توی مغازه موسی یک موتور پلاستیکی بود شبیه همین آپاچی‌های ۱۵۰ الان که من عاشقش بودم. روزی با پول توجیبی‌هایم به‌جای بادکنک شانسی، آن را خریدم و توی خانه یا یک موتورپلاستیکی بازی می‌کردم و کناره‌های فرش جاده‌های قهرمانی من بود. هادی مقدم دوست معتقد است حتی فیلم یک کاردستی بیش نیست که آدم‌ها می‌سازند. ما حتی به چوب‌های خشک افتاده در راه نقش اسب می‌دادیم. می‌گذاشتیم لای پاهامان و هی می‌کردیمش به صحرا! اینقدر ساده و بی‌تکلف و با نقش‌های بزرگ برای چوب‌های خشک؛ شمشیری یا اسبی!

نادر نامدار

تیله‌های عمو قادر

از اولش که عاشق فوتبال نبودم. اصلا تا یک سنی از فوتبال بدم هم می‌آمد. من بودم و یک خانه دو طبقه و یک تلویزیون سیاه و سفید قدیمی و ۲۰ نفر آدم شامل خانواده خودمان و پدربزرگ و مادربزرگ و چند عمو و عمه و ... جمعه‌ها هم که وقت برنامه کودک می‌شد، همزمان بازی‌های فوتبال هم پخش می‌شد و خب زورم به عموهایم که پرسپولیسی بودند نمی‌رسید. برای همین بود که تا ۷ و ۸ سالگی از فوتبال بیزار بودم و مجبور بودم برای این که فوتبال را نبینم، خودم را با چیز دیگری سرگرم کنم. می‌رفتم سراغ تیله بازی! همان گوی‌های شیشه‌ای که چند به اصطلاح پَر به رنگ‌های مختلف هم درون‌شان دیده می‌شد. تیله‌ها را باید از مغازه می‌خریدیم. پولی را که با هزار دوز و کلک از پدرمان می‌گرفتیم، دور از چشمان او و مادر، خرج خرید تیله می‌کردیم. از میان ده‌ها و صدها تیله که فروشنده در یک ظرف ریخته بود، به اندازه پول‌مان تیله سوا می‌کردیم و عصر که می‌شد می‌رفتیم و با هم سن و سال‌های‌مان شروع به بازی می‌کردیم. برنده هم حق داشت همان تیله‌ای را که رقیب با آن بازی می‌کرد به عنوان جایزه بردارد.
بیشتر تیله‌ها خیلی شبیه هم بودند اما گاهی در میان آنها تیله‌هایی دیده می‌شد که انگار تیله معمولی نبودند. از نزدیک که نگاه‌شان می‌کردی، انگار در درون‌شان چیزی بود که تو را سحر و جادو می‌کرد. هر کس چنین تیله‌ای داشت، انگار خوشبخت‌ترین نوجوان محله بود! جوری از آن محافظت می‌کرد که انگار گنج پیدا کرده است. کار به جایی می‌رسید که ماجرا امنیتی می‌شد و صاحبش، آن تیله مخصوص را با خود به کوچه و خیابان نمی‌آورد که مبادا اتفاقی برایش بیفتد. یا به زور از او بگیرند یا بدزدندش! آن را حتی با صدها تومان پول که در آن روزگار معادل میلیون‌ها تومان امروز بود عوض نمی‌کردند. اما خب گاهی اصلا بر سر همان تیله شرط‌بندی می‌کردند. گاهی قرار بازی از روز قبل گذاشته می‌شد و از دلهره این که فردا آن تیله را به دست می‌آوریم یا نه، دیگر خواب و خوراک برای‌مان نمی‌ماند و تا صبح بیدار می‌ماندیم و خیال‌پردازی می‌کردیم و در رویاهای‌مان، آن تیله را می‌بردیم و می‌شدیم صاحب زیباترین تیله محله و برای خودمان ارج و قربی در میان هم سن و سال‌های‌مان پیدا می‌کردیم.
راستش را بخواهید خیلی تیله‌باز ماهری نبودم. اما عمویی داشتم و دارم که تیله‌